

آشنایی با بزرگان دین

زندگی نامه مختصر

علامه امام حدیث ابن حبان بستی هلمندی رحمۃ اللہ علیہ

مشخصات کتاب:

نام کتاب: زندگی نامه مختصر علامه امام محمد بن حبان بستی هلمندی ﷺ

مؤلف: استاد محمد شریف رباطی درانی

ناشر: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف

تصحیح و تدقیق: آمرین دیپارتمنت های مسلکی این ریاست

سال چاپ: بهار ۱۳۹۷ هجری خورشیدی

نوبت چاپ: اول

تیراژ: (۲۰۰۰)

مطبعه: مطبعه طباعتی و صنعتی صبور

تمام حقوق و امتیازات برای مؤلف و ناشر محفوظ است

ایمیل آدرس: islamicresearch@mohia.gov.af

آدرس: شهرنو کابل افغانستان



فهرست

صفحه

عنوان

تقریظ استاد فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد، حج و اوقاف
تقریظ پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی
پیشگفتار مؤلف

فصل اول

۱۹	حدیث دومین مصدر تشریح اسلامی
۲۴	معلومات عمومی
۲۴	تعریف حدیث
۲۴	اقسام حدیث به اعتبار اسناد و صحت و قوت
۲۷	اقسام حدیث به اعتبار قبول و رد
۲۸	اقسام حدیث صحیح
۳۰	وجوه طعن متعلق به ضبط
۳۱	اصطلاحات اولیه و مورد نیاز علوم حدیث
۳۴	اقسام حدیث به اعتبار تعداد و راوی
۳۵	اقسام حدیث اینکه در نهایت
۳۶	اقسام حدیث ضعیف
۳۷	القاب حدیث، صحیح، حسن و ضعیف
۳۸	مراتب و طبقات کتاب های حدیث
۴۰	نگارش کتاب های حدیث

فصل دوم

۴۴	زندگی نامه مختصر علامه امام ابن حبان بستی رحمه الله
۴۷	اسم و نسب امام ابن حبان بستی رحمه الله
۴۸	میلاد وزادگاه امام ابن حبان بستی رحمه الله

۵۲	مراحل تحصیل و سفرهای علمی امام رحمه الله
۵۴	کشورهایی که امام ابن حبان رحمه الله غرض کسب علم
۵۷	خراسان
۶۶	دیار عراق و الجزیره
۷۱	دیار شام و فلسطین
۷۸	دیار حجاز

فصل سوم

۸۷	اساتید امام ابن حبان بستی رحمه الله
۹۱	جایگاه علمی و آرای علماء در مورد امام ابن حبان بستی رحمه الله
۹۶	بعضی نقدهای که بر امام ابن حبان بستی رحمه الله صورت گرفته است
۹۶	عقیده امام ابن حبان بستی رحمه الله
۹۷	وظایف امام ابن حبان رحمه الله
۹۸	شاگردان امام علامه ابن حبان بستی رحمه الله
۱۰۱	تألیفات علامه امام ابن حبان بستی رحمه الله
۱۱۱	عصر امام ابن حبان بستی هلمندی رحمه الله
۱۱۳	نمونه های از مشکلات زندگی امام ابن حبان رحمه الله

فصل چهارم

۱۲۱	معرفی کتاب صحیح ابن حبان
۱۲۳	اسباب تألیف صحیح ابن حبان رحمه الله
۱۲۴	شروط مؤلف در قبول روایات
۱۲۶	ارزش علمی کار ابن بلبان در ترتیب صحیح ابن حبان

فصل پنجم

- ۱۳۱ اهمیت صحیح ابن حبان و جایگاه علمی آن نزد علماء
- ۱۳۵ مورد امتحان قرار گرفتن ابن حبان رحمه الله
- ۱۳۶ سند امام ذهبی تا امام ابن حبان رحمه الله
- ۱۴۱ منهج و شیوه تحقیق مرکز بحوث و تقنیه المعلومات
- ۱۴۴ ترتیب صحیح ابن حبان نظر به صحیح ابن حزمه والحاكم

فصل ششم

- ۱۵۱ جایگاه صحیح ابن حبان در میان سایر کتب احادیث نبوی
- ۱۵۳ وصف نسخه اول - کتاب الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان رحمه الله
- ۱۵۷ نمونه های از مخطوطات نسخه های صحیح ابن حبان بستی رحمه الله
- ۱۶۷ معلومات مختصر پیرامون چاپ های مختلف
- ۱۶۷ طبع علامه شیخ احمد محمد شاکر
- ۱۶۷ چاپ مؤسسه کتب شفافیه
- ۱۶۷ تفاوت در میان
- ۱۷۱ چاپ مؤسسه الرساله
- ۱۷۱ تفاوت در میان چاپ مؤسسه الرساله و طبع دارالتاویل
- ۱۷۴ چاپ دار باوزیر
- ۱۷۹ مرکز بحوث و تقنیه المعلومات و چاپ
- ۱۸۱ شیوه کاری مرکز البحوث و تقنیه المعلومات دارالتاویل
- ۱۸۶ شیوه شرح احادیث غریب
- ۱۸۵ وفات امام ابن حبان بستی هلمندی رحمه الله
- ۱۸۶ مدفن امام ابن حبان بستی رحمه الله
- ۱۸۹ منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

استاد فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد، حج و اوقاف

حمد و سپاس بیکران خدای رحمان را که هستی بخش جهان و فرمان‌روای تواناست. ذاتی که حیات درآستان اسلام و مسیرعافیت جاویدان را با اصطفاء دین اسلام به ما، لطف و عنایت فرمود و درود بر ناجی بشریت، و خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ که دین رهایی بخش اسلام را به ارمغان آورد و درود بر خاندان عزتمند و فضیلت‌مآب و یاران سربلندش که همه نیرو و توان خویش را در گسترش و تعمیم آئین نجات بخش و افتخار آفرین اسلام نثار و قربان نمودند.

بدون شک سعادت جاوید و دریافت آستان جمع محاسن دنیا و عقبی، درگرو باورراسخ و عمل به آموزه‌های بی‌بدیل اسلام است، قرائت سالم از انسان، هستی و خالق آن‌ها توأم باهدف آفرینش انسان و سایر آفریده‌گان و مفهوم حقیقت زندگی تنها از مکتب اسلام گرفته می‌شود. با این عظمت و فراگیری‌ای که دین اسلام دارد، سنت رسول اکرم ﷺ دومین مصدر آن و مرجع مسلمانان جهان بوده و از جایگاه مشرف، شامخ و سترگی برخوردار است.

خداوند کریم چنین فرموده است. ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱

یعنی: «چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است، اجراء کنید و از چیزهایی که شما را از آن باز داشته است، دست بکشید».

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۲

۱ [حشر: ۷]

۲ [نجم: ۲-۴]

یعنی: «و از روی هوا وهوس سخن نمی گوید. آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می گردد».

بناءً اهتمام، و کارنامه‌های تلاش‌گرانه محدثین در جمع‌آوری و توثیق احادیث، تبویب و تدوین کتب حدیث به حیث ارائه مصدر دین اسلام، ماندگار، جاوید، متجلی و پر درخشش خواهد بود. ازینرو شخصیت‌های شهیری که تاب و توان و عمرخویش را وقف پرداختن به خدمت حدیث رسول اکرم ﷺ نموده اند، واقعاً چهره‌های تابناک‌شان همچون بدرمنیر برفراز راه مسلمانان پرتوافکن بوده و در گذرگاه تاریخ نادر و کمیاب می‌باشند. تتبع در خلال زندگی و ژرف‌نگری در بحبوحه حیات رجال برجسته، و نام‌آوران تاریخ افتخار آفرین اسلام و آوردن کوشش‌های پیوسته آن‌ها در سلک تحریر که با معنویت و تقوا بدرقه می‌شده، مخصوصاً در باب بزرگان علم حدیث برای امت اسلامی، تحول‌آفرین و نهایت ارزشمند تمام شده و کارمایه‌های خوبی برای تحرک و پویایی بیشتر شیفته‌گان این راه می‌باشد.

کتاب حاضر که تحت عنوان «زندگی‌نامه مختصر علامه، امام ابن حبان بستی هلمندی» از تألیفات ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی است، برآستی که در شرح احوال این محدث والامقام کشور، نهایت دقیق و مستند پژوهش و نگارش یافته و می‌تواند من حیث یک اثر برگزیده در قطار تألیفات معاصر، مبنی بر انبساط جهش‌های علمی راجع به آگاهی از کیفیت فراز و فرودها و تحمل زحمات و ریاضت‌کشی‌های این نخبه‌گان جهان اسلام، حرز موقع نماید.

در اخیر موفقیت‌های هرچه بیشتر را برای نویسنده‌ی هذا، از خداوند کریم خواهیم و انتظار داریم این حرکت‌های میمون و منور در ارتقای ظرفیت‌ها و گسترش نشاطات سازمان یافته برمحور اشاعه فرهنگ اصیل اسلامی نقش حساس و قابل ملاحظه را ایفاء نماید. وماذلك على الله بعزیز.

استاد فیض محمد عثمانی
وزیر ارشاد، حج و اوقاف ج.ا.ا.
کابل ۱۳۹۶هـ - ش

تقریظ

پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی

استاد پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل و خطیب مسجد جامع حاجی یعقوب
الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلین، نبینا و
رسولنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین و بعد:

کشور عزیز ما افغانستان که — الله الحمد — یک کشور اسلامی است و چند
قرن قبل یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی خراسان زمین به شمار میرفت، از بدو
ظهور اسلام تا امروز چنان چهره ها و شخصیت‌های برجسته دینی، علمی و فرهنگی
را در آغوش خود نگهداشته و پرورانیده است که تمام مسلمانان جهان بر شخصیت
علمی، نام و کارنامه های ایشان تا هنوز می بالند و همواره به آنها افتخار نموده و
از آثار و تألیفات ایشان بهره می گیرند.

بدون شک معرفی چهره ها و شخصیت‌های علمی و دینی کشور، مخصوصا در
شرایط حساس امروز که دشمنان اسلام با استفاده از تمام ابزار و وسایل در دست
داشته شان سعی می نمایند تا با بیگانه ساختن ما مسلمانان از امامان تفسیر و علوم
آن، حدیث و علوم آن، فقه و اصول فقه، ادب و تاریخ، فرهنگ و هنر ارتباط و
پیوند دینی و علمی، تاریخی و فرهنگی ما را با گذشته روشن و درخشان مان قطع
نمایند، امری است نهایت لازم و ضروری؛ زیرا هرگاه ما خواسته باشیم تا بطرف
یک آینده درخشان و شگوفا حرکت کنیم ناگزیر هستیم تا با نام و کارنامه های
اسلاف و نیاکان مان، مخصوصا با معرفی نمودن آن چهره ها و شخصیت های
بزرگ علمی و دینی که نام ها و اسامی گرامی شان تاهنوز در هر صفحه از صفحات
مراجع دینی ما ثبت است و تا قیامت ثبت خواهد ماند آشنا شویم؛ زیرا این یک
حقیقت مسلم و انکارنا پذیر است که رفتن به یک آینده درخشان، آینده دور از هر
نوع ظلم و جهل، افراط و تفریط، فساد و بی بندوباری، بدون مطالعه و بررسی تاریخ

شگوفایی گذشتگان، و الهام گرفتن از زندگی علمی و مجاهدات عملی ایشان، امکان پذیر نمی باشد.

از طرف دیگر یکی از حقوق حقۀ اسلاف و گذشتگان ما بر ما این است تا زندگی مملو از تقوی و مجاهدت، ایثار و فداکاری ایشان را به دیگران مخصوصا قشر جوان و تحصیل یافته معرفی نمائیم؛ زیرا توسط جهد و مجاهدت های پیهام و خستگی نا پذیر همین شخصیتها، متون اساسی دین مقدس اسلام (سنت و احادیث نبوی) نه تنها به دیگران رسیده است بلکه تا هنوز محفوظ باقی مانده است.

با توجه به نکات فوق و نیز به غرض تنویر بیشتر افکار قشر جوان و مخصوصا جوانان مدارس و پوهنتونها ریاست محترم تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف همواره سعی نموده است تا با راه اندازی همایش ها بزرگ دینی و فرهنگی، تدویر محافل و کنفرانسهای علمی، تالیف کتب و نگارش مقالات تحقیقی پیرامون شخصیتهای مشهور و تاریخی کشور همانند امام ابوحنیفه رحمته الله علیه، امام قتیبه بن سعید بغلانی رحمته الله علیه و امامان برجسته دیگر بخشی از مسؤولیت های خویش را ایفا نماید.

اما باید بسیار با جرأت اعتراف نمائیم که عدم آشنایی عامۀ مردم حتی بخش بزرگ از علماء و استادان مدارس دینی و فرهنگیان ما از امامان بزرگ جهان اسلام که به سرزمین ما افغانها تعلق می گیرند أمثال ابن حبان بستی (متوفی ۳۵۴هـ) صاحب صحیح ابن حبان، امام خطابی بستی (م ۳۸۸هـ) اولین شارح صحیح بخاری، امام قتیبه بن سعید بغلانی یکی از بزرگترین و برجسته ترین استادان امام بخاری و مسلم، دلیل است بر اینکه ما تا هنوز نتوانسته ایم مسؤولیت خویش را در راستای معرفی ایشان انجام دهیم.

عنوان «آشنایی با بزرگان دین» که بخش دوم آن به زندگی نامه امام ابن حبان بستی تعلق می گیرد، یکی از آثار بسیار مفید و ارزنده ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی می باشد که توسط استاد محمد شریف رباطی با استفاده از منابع معتبر و متعدد تهیه و ترتیب گردیده است.

استاد رباطی در این اثر سعی نموده است تا جوانب مختلف زندگی امام معتبر حدیث ابن حبان بستی را با ذکر و توضیح آثار و تالیفاتش مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. و گرد آورنده در این مجموعه معلومات خوب و مفیدی را جمع آوری نموده است. اما این حقیقت را بازهم بخاطر باید داشت که حق امام ابن حبان و سایر امامان دین به وسیله نگارش یک مقاله و تالیف یک اثر و دو اثر و آن هم توسط یک ارگان ادا نمی گردد؛ زیرا شخصیت علمی و خدمات شایسته ایشان فراتر از یک مقاله و یا سمینار است. پس هرگاه ما خواسته باشیم تا در قسمت معرفی این شخصیتها گام مؤثرتری را بر داریم باید در قدم اول با همکاری و هم آهنگی با سایر نهادهای تعلیمی و تحصیلی، دینی و تحقیقی کشور و هم چنان با همکاری تمام کشور های اسلامی که آثار این دانشمندان تمام کتابخانه ها و مراکز علمی آنها را مزین ساخته است ، سمینار های تحقیقی بزرگ را راه اندازی نموده و جنبه های مختلف زندگی این امامان را مخصوصا آن بخش تحقیقات ایشان را که به سیاست و اجتماع، نحوه تعامل و ارتباط با پیروان ادیان مختلف، روحیه همدیگر پذیری و تفسیر نصوص مغلق و پیچیده دینی بوده باشد، روشن ساخت.

به امید تحقق این مامول
پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی
۳۰ قوس ۱۳۹۶

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، الذي شرفنا و أكرمنا بخدمة أحاديث سيد المرسلين و الصلاة و السلام على خير خلق الله أجمعين، و على آله الطاهرين، و أصحابه المكرمين، و أتباعه المخلصين، و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، وبعد:

ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف، مسرت دارد که برای اولین بار در تاریخ کشور، پیرامون شخصیت عالم فاضل، علامه، امام ابوحاتم محمد ابن حبان بستی هلمندی رحمته الله، سمینار علمی و پژوهشی را تدویر و از علمیت و جایگاه شامخ این عالم جلیل القدر جهان اسلام و محدث عالی مقام کشور، توأم با چاپ رساله‌ای تحت عنوان «زندگی‌نامه مختصر ابن حبان بستی هلمندی» ارج‌گذاری و جهت معرفی هرچه بیشتر ایشان گام بر می‌دارد.

علامه، امام ابوحاتم محمد بن حبان بن أحمد ابن حبان تمیمی بستی رحمته الله در سال دوصد و هفتاد و چهار هـ ق. در شهر بست دیده به جهان گشود، وی پیشوای عصر خویش بود. او را تصانیف و تألیفات بسیاری بوده که بالغ به شصت و پنج عنوان می‌گردد، و به شهرهای مابین چاچ (تاشکند فعلی) و اسکندریه سفر کرده و نزد ابوبکر بن خزیمه رحمته الله در نیشاپور فقه آموخت و در سمرقند و اطراف آن کار قضا را بعهدہ داشت.^۳

علامه، امام المحدث ابن حبان بستی هلمندی رحمته الله در میان علمای عصرش از مقام شامخی برخوردار بوده، که علماء و فضلاء عصر و زمانش همواره در توصیف و تمجید ایشان لب‌گشوده و از وی به خوبی یاد کرده‌اند؛ منجمله ابوبکر الخطیب در مورد فهم و ذکاوت وی چنین می‌نگارد: «ابن حبان شخصیت ذکی، لایق، با فهم و دانش و نبیل و تیزهوش بوده است».

علامه امام ابن حبان رحمته الله مدتی، مسند قضای سمرقند را بعهدہ داشت و از جمله فقهای دین و نگهبان آثار بوده به علم طب و نجوم و فنون دیگر نیز مهارت داشت.

ایشان عالم متقی و پرهیزگار و باخدا بود و در علم فقه، لغت، حدیث و عطا و سخنرانی از افراد طراز اول عصر خود به حساب می‌آمد.

موصوف در سال ۳۳۴ هـ. ق. به نیشاپور رحل سفر بست، سپس عازم شهر نسا شده، بعداً به نیشاپور برگشته و نیت اقامه و بود و باش نموده و خانقایی را در آنجا (نیشاپور) بنا داشته و تعدادی از مصنفاش را بازنگری و سرانجام در سال چهلیم از نیشاپور به وطن خود (سجستان) برگشته است.^۴

امام علامه ابن حبان رحمه الله از صاحب نظران علم حدیث و رجال است و در این دو علم آراء و نظریات ویژه‌ای دارد. وی در جرح و تعدیل دارای مسلکی مخصوص بوده و معتقد بود که راوی عدل کسی است که جرحی بر او وارد نشده باشد، زیرا جرح ضد عدل است و اگر کسی را جرح نکرده باشند، لامحال عادل شمرده می‌شود. همچنان وی را عقیده بر آن بود که راوی مجهول هنگامی که از نظر عین و شخص معین شد، عدل شمرده می‌شود، مگر اینکه در مورد او جرح و قدحی آشکار گردیده باشد.

امام علامه محمد ابن حبان بستی رحمه الله مورد توجه امراء و حکام خراسان قرار داشته و بارها به سمت قضا منصوب شده بود، به گفته سمعانی او در سمرقند و شهر نسا و دیگر شهرهای خراسان به قضا پرداخته است. ابوسعید ادیسی گفته که ابن حبان رحمه الله مدت زیادی در سمرقند قاضی بود و امیر ابوالمظفر سامانی برای او و شاگردانش و دیگر دانشمندان در این شهر صفه‌ای بنا کرده بود.

علامه ابن حبان رحمه الله دارای تصانیف بسیار بوده که خطیب بغدادی تعداد آن را متجاوز از چهل کتاب می‌داند، در حالی که کمال یوسف الحوت در مقدمه «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» به ترتیب ابن بلبان الفارسی ضمن فهرستی، شصت و سه اثر وی را ارائه کرده است. اما تحقیقی که «مرکز البحوث و تحقیق المعلومات دار التأسیل» نموده تعداد تألیفات علامه امام محمد ابن حبان بستی رحمه الله را شصت و پنج عنوان کتاب تذکر داده است.^۵

۴- سیر أعلام النبلاء جلد سوم صفحه ۳۳۸۹.

۵- الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان جلد اول صفحه ۶۰.

خطیب بغدادی به نقل از سجزی تصریح کرده است که ابن حبان خانه و کتابخانه خود را وقف کرده بود تا دانشمندان بتوانند از کتاب‌های وی نسخه‌برداری کنند. اما بیشتر آثار وی از میان رفته و جز اندکی از آثارش در دست نیست.

به هر حال صحیح ابن حبان به اساس کتاب «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» به ترتیب الامیر علاءالدین علی بن بلبان الفارسی متوفی سنه (۷۳۹ هـ ق.) تعداد احادیث تدوین شده در این کتاب را به [۷۴۹۴] هفت هزار و چهارصد و نود و چهار حدیث که مشتمل بر شصت کتاب و چندین باب می‌باشد تذکر داده است.

این در حالی است که اولین کتابی که در صحیح مجرد تصنیف شده، کتاب بخاری است، بعداً صحیح مسلم می‌باشد، و آن دو کتاب صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن کریم بود. کتاب بخاری صحیح‌ترین و بیشترین آن دو کتاب از روی فواید می‌باشد، و آن از این جهت است که احادیث بخاری نسبت به احادیث مسلم قوی‌تر از روی اتصال و محکم‌تر از روی رجال می‌باشد. و دیگر به سبب این است که در بخاری چنان استنباطات فقهی و نکته‌های دارای حکمت مضمّن است که در صحیح مسلم وجود ندارد، هکذا صحیح بخاری صحیح‌تر از صحیح مسلم به اعتبار مجموع احادیث می‌باشد، و اما گاهی در صحیح مسلم بعضی احادیثی موجود است که قوی‌تر از بعضی احادیث بخاری می‌باشد. و بعضی‌ها گفته اند که صحیح مسلم نسبت به صحیح بخاری صحیح‌تر است، اما قول اول ارجح و اصح می‌باشد.

بخاری و مسلم تمام احادیث صحیح‌ه را در صحیحین خویش جمع آوری نکرده اند، زیرا امام بخاری رحمه الله فرموده: «در کتاب خود (الجامع) بجز از احادیث صحیح، دیگر احادیث را داخل نکردم و از خوف اینکه مبدا کتاب به درازا انجامد، برخی از احادیث صحیح‌ه را ترک کردم».

همچنان امام مسلم رحمه الله فرموده است: «چنین نیست که هر شی‌ای که نزد من صحیح بوده آن را در کتاب خود درج نموده باشم».

طوری که امام علامه بدر الدین ابی محمد محمود بن احمد العینی رحمه الله (متوفی ۸۵۵ هـ) در کتاب خود «عمدة القاری شرح صحیح البخاری» در مورد عدد احادیث

الصحيح می‌نگارد: «جمله ما فی صحيح البخاری من الأحادیث المسندة، سبعة آلاف و مئتان و خمسة و سبعون حديثاً بالأحادیث المكررة، و بحذف المكررة نحو أربعة آلاف». ۶

به هر صورت تعداد احادیث در کتاب بخاری با جمع تکرار آن هفت هزار و دو صد و هفتاد و پنج حدیث می‌باشد و به حذف و کم کردن احادیث مکرر چهار هزار حدیث می‌باشد. تعداد احادیثی که در کتاب مسلم تدوین یافته با احادیث مکرر دوازده هزار و با حذف مکرر در حدود چهار هزار بالغ می‌گردد. بقیه احادیث صحیحه در کتب معتمد و مشهور مانند: صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم و سنن اربعه (ترمذی، ابن ماجه، ابوداود، نسائی) و سنن دارقطنی و بیهقی و غیر اینها دریافت می‌گردد. و دریافت حدیث در این کتب کافی نیست، بلکه تصریح بر صحت حدیث حتمی پنداشته می‌شود و تصریح بر صحت حدیث در کتاب شخصی که اختصاص بر اخراج حدیث صحیح را شرط نگذاشته مثل: «صحیح ابن خزیمه»، ضروری نیست.

اظهار نظر علما در مورد مستدرک حاکم، صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان:

۱- مستدرک حاکم: مستدرک حاکم در میان جمله کتب احادیث، کتاب بزرگ می‌باشد، مؤلف آن در کتاب مذکور آن تعداد احادیث صحیحه را که موافق بر شرط شیخین یا بر شرط یکی از ایشان بود، درج کرده است. اگر چه آن احادیث را شیخین تخریج نکرده باشند، به گونه‌ای که مؤلف در کتاب خود احادیثی را که به نزد خودش صحیح پنداشته شده ولو که بر شرط یکی از شیخین نبوده، ثبت کرده است. مگر در همچو احادیث تعبیر نموده که آن‌ها «صحيحه الإسناد» هستند و چه بسا بعضی احادیثی که از جانب وی تصحیح نشده و در کتاب خود ذکر کرده ولی توجه دیگران را به چنین احادیث تصحیح نشده، جلب نموده است با وجود آن در تصحیح حدیث شخص متساهل و بی‌توجه محسوب شده است. پس بایست احادیث آن را مورد دقت و غور قرار داد و با آنچه که در خود احادیث متذکره است، حکم صادر کرد. از همین جهت است که ذهبی احادیث آن را مورد تتبع قرار داده و بر اکثر احادیث وی

چنان حکمی صادر ننموده که شایستهٔ حال آن احادیث باشد. خلاصه اینکه همیشه مستدرک حاکم به تتبع، عنایت و اهتمام مخصوص ضرورت دارد.

۲- **صحیح ابن حبان:** ترتیب کتاب ابن حبان ترتیب مخترع و مخصوص به خود وی می‌باشد. نه به اسلوب ابواب مرتب شده و نه بر مسانید، از این رو آن را «التقاسیم والأنواع» نام گذاشتند، از این جهت دسترسی به حدیث مشخص از کتاب آن مشکل افزا بوده؛ مگر لله الحمد برخی از متأخرین، الإمام الأمیر علاء الدین ابوالحسن علی بن بلبان فارسی رحمته الله متوفی سنه (۷۳۹هـ) این کتاب را به روش ابواب، دسته‌بندی کرده و به «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» مسمی و در نه (۹) مجلد با قطع و صحافت زیبا از طریق مرکز البحوث و تقنیة المعلومات مرکز دارالتأصیل چاپ نموده است. مصنف کتاب مذکور در حکم بر صحت حدیث شخص سهل انگار بوده، اما سهل انگاری او نسبت به حاکم کمتر می‌باشد.^۷

۳- **صحیح ابن خزیمه:** صحیح ابن خزیمه نسبت به صحیح ابن حبان در مرتبهٔ اعلی قرار دارد، زیرا ابن خزیمه سخت کنجکاو و حقیقت‌جو بوده و حتی اشتباه اندک، او را از تصحیح حدیث باز می‌داشته است. حتی تعدادی از علمای حدیث را عقیده بر آن است که صحیح ابن خزیمه، نسبت به سنن ابن ماجه اهم و اقوی می‌باشد.

خداوند سبحانه و تعالی سعی و تلاش ایشان را به بارگاهش قبول و منظور و جنت فردوس را مأوای ایشان بگرداند، یقیناً بدین اسلوب، شیوه و ابتکار ویژه‌ای که ابن حبان بستی رحمته الله در مورد حدیث نبوی به خرج داده است؛ تا کنون هیچ عالمی از علمای دین در هیچ اموری از امر حلال و حرام قادر به تقدیم همچو اسلوب و ابتکار ویژه در این راستا نشده است. موصوف در سال ۳۵۴ هجری قمری به سن هشتاد سالگی وفات نموده است و در شهر بست هلمند مدفون می‌باشد. روحش شاد و یادش گرامی باد.^۸

کتاب ارزشمند «صحیح ابن حبان» از جمله کتب احادیث صحیحہ نبوی صلی الله علیه و آله بوده که در جهان اسلام و در نزد علمای جید و شهیر کشورهای اسلامی از جایگاه شامخی برخوردار می‌باشد، اما متأسفانه هموطنان عزیزمان از شخصیت گرانقدر و

۷- تدریب الراوی جلد اول صفحه ۱۰۹

۸- لغت نامه دهخدا جلد اول ص ۳۴۹

عالی مقام این دانشمند جهان اسلام بی خبر بودند، و این چند سطر جهت معرفی زندگی نامه مختصر ایشان (علامه امام ابن حبان بستی هلمندی رحمته الله) تحریر یافت تا باشد اهل جستجو و تحقیق و علاقمندان به مطالعه حدیث، با شخصیت وی آشنا شوند.

با احترام

محمد شریف رباطی درانی

کابل، شهرنو

۱۳۹۶

فصل اول

حدیث دومین مصدر تشریع اسلامی

حدیث دومین مصدر دین مقدس اسلام شمرده می‌شود، زیرا الله تبارک و تعالی در آیات متعدد می‌فرماید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۹

یعنی: «و از خدا و پیامبر اطاعت کنید تا که (در دنیا و آخرت) مورد رحمت و مرحمت قرار گیرید.»^{۱۰}

﴿وَمَا أَتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^{۱۱}

یعنی: «چیزهایی را که پیامبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجرا کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید، از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد.»

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾^{۱۲}

یعنی: «و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد.»

۹- آل عمران: ۱۳۲

۱۰- ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه تفسیر نور، تالیف دکتر مصطفی حرم دل استفاده شده است

۱۱- حشر: ۷

۱۲- نجم: ۳-۴

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^{۱۳}

یعنی: «بگو! اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را ببخشد، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.»

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^{۱۴}

یعنی: «و قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است» (که احکام و تعلیمات اسلامی است) و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و دربارهٔ مطالب آن بیندیشند).

از جهت دیگر بسیاری از آیات قرآنی مجمل، مطلق و یا عام بوده که معانی و مضامین همچو آیات به واسطهٔ احادیث نبوی و سنت رسول گرامی اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بیان و واضح می‌گردید.

به عبارت دیگر، پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مؤلف است که آیه‌های مجمل و عام و مطلق کلام الله مجید را برای مسلمانان تبیین نماید و احکام مندرج در آن‌ها را همراه شروط و قیود لازمهٔ آن‌ها، با افعال و اقوال و تأییدات خود، یعنی احادیث و سنن بیان نماید، همانگونه که بعد از نزول آیهٔ ﴿اقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ فرمود: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^{۱۵} با اقوال و افعال خود تعداد رکعت‌های هر نماز، ترتیب رکعت‌ها، قرائت، قیام، رکوع، اعتدال، سجود و... را تبیین نمود و از نزول آیهٔ ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم با اقوال خود، اموال مشمول حکم زکات و حد نصاب و دورهٔ وجوب آن‌ها را بیان کرد. و همچنین شرایط وجوب روزه و مبطلات آن و مراسم حج و تعیین ماه‌های حرام حج و عمره و فرضیت حج بیت الله شریف را خداوند در قرآن عظیم الشان این مشعل فروزان و منبع هدایت عالم بشریت واضح نموده و می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾؛ اما امور متعلقه این را به‌طور

۱۳- آل عمران: ۳۱

۱۴- نحل: ۴۴

۱۵- متفق علیه

واضح بیان نفرموده است. اینجاست که پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد می‌فرماید: «خذوا عنی مناسککم»^{۱۶} و اکثر احکام معاملات و مناکحات و دعوی و بینات و جنایز و از جمله مسائلی است که توسط احادیث نبوی واضح می‌گردد.

بنابر این احادیث نبوی و سنن (افعال، اقوال و تأییدات پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وسلم) علاوه بر اینکه خود مرجع و منبع دومی تشریع اسلامی است، برای نشان دادن احکام دین مقدس اسلام در استفاده احکام از مرجع و منبع او، یعنی قرآن کریم نیز تأثیر و تعلیم تام دارند، حدیث و سنت پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وسلم علاوه بر اینکه در ذات خود، و به عنوان اینکه مرجع دوم احکام اسلامی است، از این جهت نیز که وسیله تبیین مرجع اول احکام اسلامی است حایز اهمیت فوق العاده می‌باشد.^{۱۷}

امام مالک رحمۃ اللہ علیہ رهبر و پیشوای اصحاب حدیث، عقیده داشت که قرآن کریم شناخته نمی‌شود، مگر وقتی که مفسر آن، یعنی حدیث و سنت شناخته شود، زیرا حدیث و سنت حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم بیان کننده و مفسر قرآن کریم است. سنت طریقه استواری برای فهم معانی عمیق قرآن مجید است از این رو فهم درست قرآن مجید، بدون یاری گرفتن و استمداد از حدیث و سنت ممکن نیست.^{۱۸}

روی این ملحوظ نبی مکرم اسلام صلی اللہ علیہ وسلم با توجه به کمال اهمیت حدیث در بنا و بیان احکام دین مقدس اسلام، گرچه در مرحله اول اجازه نگارش و نوشتن احادیث را نمی‌دادند؛ ولی بعدها اجازه فرمودند. به گونه مثال: بعد از ایراد خطبه ایشان، شخصی بنام ابوشاه یمنی، بحضور آن جناب صلی اللہ علیہ وسلم چنین عرض نمود: «اگر اجازه بفرمایید لطفا دستور دهید که این خطبه را برایم بنویسند». نبی مکرم اسلام صلی اللہ علیہ وسلم به اساس درخواست آن شخص هدایت فرمودند: «اكتبوا لأبی شاه»^{۱۹} یعنی: این خطبه را برای ابو شاه بنویسید.

۱۶ - المسند المستخرج علی صحیح الإمام مسلم کتاب الحج.

۱۷ - تاریخ حدیث وضبط وثبت احادیث ص ۱۱

۱۸ - ترجمه الموطا امام ابن انس ص ۴

۱۹ - رواه البخاری به شماره ۲۳۰۲ و مسلم شماره ۳۳۷۱

همچنان برای برادر انصاری ما که نیز صحابی جلیل القدر بود، و در محضر پیامبر گرامی اسلام ﷺ حاضر شده و از مجلس آن حضرت ﷺ فیض و برکت برمی داشت، روزی به حضور ایشان از ضعف حافظه خویش شکایت نمود، پیامبر گرامی اسلام ﷺ برایش فرمود: «استعن بيمينک»^{۲۰} یعنی: از دست راست کمک بگیر (احادیث را بنویس).

افزون بر آن پیامبر گرامی اسلام ﷺ در زمان حیات خویش، در عین اینکه مسلمانان را به حفظ احادیث کاملاً ترغیب می کرد و می فرمود: «نضر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها»^{۲۱} یعنی: خداوند شاد و شادمان کند بنده ای را که سخن مرا شنیده و آن را حفظ کرده است.

همچنان مسلمانان را به نشر و تبلیغ آن با عین لفظ و عبارت حدیث تشویق می نمود که در واقعیت پیامبر ﷺ برای همچو افراد دعای خیر کرده و می فرمود: «نضر الله إمرءاً سمع مناً شيئاً فبلغه كما سمعه فرب مبلغ أوعى من سامع»^{۲۲}.

یعنی: «خداوند تر و تازه، سبز و خرم داشته باشد مردی را که از ما چیزی بشنود و طوری که شنیده آن را برای دیگران تبلیغ کند، زیرا بسیاری از کسانی که علم به آن ها تبلیغ شده حافظ تر و هوشیارتر و داناتر اند، نسبت به کسانی که آن را مستقیماً شنیده اند.»

اینجاست که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به نقطه ظریفی اشاره فرمودند: «فبلغه كما سمعه» یعنی بدون تغییر در لفظ و معنی آن را برای دیگران برساند، ماشاء الله ایشان در این مقام چه ظرافت خاصی را به کار برده و مسلمانان را متوجه ساختند تا از تحریف و تغییر در لفظ و معانی احادیث توجه خاص را مبذول داشته و در اقوال و افعال، کردار و تأییدات آن حضرت ﷺ از زیادت و نقصان جداً خودداری نمایند اینجاست که نبی مکرم اسلام ﷺ به گونه ای توییح آمیز در مورد افرادی که در این راستا توجه خاص را مبذول نداشته اند می فرماید:

۲۰- موطا امام محمد او معجم الكبير

۲۱- سنن ابن ماجه.

۲۲- رواه الترمذی وقال: حدیث حسن صحیح.

«من کذب علی متعمداً فلیتبؤ مقعده من النار». متفق علیه.

یعنی: «هر کس به عمد بر من دروغ ببندد، باید جایگاه خود را در آتش جهنم آماده سازد.»

این حدیث به اتفاق علمای حدیث، حدیث متواتر می باشد.

اکیداً و شدیداً مردم را از جعل احادیث و روایت مطالب نادرست به نام احادیث بر حذر می داشت و می فرمود: «من کذب علی متعمداً فلیتبؤ مقعده من النار». یعنی: کسی که به طور عمد و با حالت آگاهی دروغ بر من ببندد پس نشیمنی را برای خود در آتش دوزخ آماده کند (جعل کننده حدیث قطعاً به دوزخ می رود).^{۲۳}

معلومات عمومی

تعریف حدیث

حدیث یا سنت در اصطلاح محدثین، قول و فعل و صفت و تقریر رسول الله ﷺ را شامل می‌گردد.^{۲۴} وبه عباره دیگر: حدیث در لغت به معنی خبر، سخن و چیز نو است و در اصطلاح: گفتار، کردار و تقریرهایی است که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است و آن را سنت نیز می‌گویند.^{۲۵}

اقسام حدیث به اعتبار اسناد و صحت و قوت و ضعف و قبول و رد

اقسام حدیث از نظر اسناد یا سلسله ی راویان حدیث

مرفوع: حدیثی است که سند آن به رسول الله ﷺ منتهی گردد، یعنی سلسله روایت به آن حضرت ﷺ برسد، چنانکه گویند: «رسول الله ﷺ چنین فرمود یا چنان کرد».

موقوف: حدیثی است که سند آن به صحابه برسد، یعنی راویان حدیث، هریک از شیوخ خود روایت کنند و سلسله روایت یا زنجیره حدیث به یکی از صحابه توقف کند، چنانکه در آخر روایت گویند که فلان صحابی چنین گفت یا چنان کرد.

مقطوع: حدیثی است که سند آن به تابعی برسد نه به صحابی.^{۲۶}

مسند: سند یا اسناد، رجال حدیث یعنی راویان را گویند که حدیث را هریک از شیوخ خود شنیده و روایت کرده اند، اما احادیث را از نظر سند چنین طبقه بندی کرده اند:

۲۴- ترجمه بخاری ص گ

۲۵- ترجمه الموطا امام مالک بن انس رضی الله عنه جلد اول صفحه ۵.

۲۶- صحابی کسی است که در حال ایمان پیامبر ﷺ راملقات کرده و بر دین اسلام مرده باشد تابعی کسی است که صحابی را ملاقات کرده باشد و تبع تابعی کسی است که تابعی را ملاقات کرده باشد.

متصل: اگر سند حدیث پیوسته باشد یعنی هیچ یک از راویان از سلسله با زنجیره حدیث ساقط نشده باشند، آن حدیث را متصل خوانند و این عدم سقوط را اتصال گویند.

منقطع: اگر یک یا چند راوی از سلسله سند حدیث ساقط گردیده باشد، آن را حدیث منقطع گویند و این سقوط را انقطاع خوانند.

معلق: اگر سقوط راویان حدیث از آغاز یا اوایل سند باشد آن را معلق خوانند، چه یک راوی ساقط باشد و چه زیاده از آن که گاه تمام سند ساقط می‌باشد، یعنی بدون ذکر نام راویان که در زنجیره حدیث شامل اند گفته شود که: قال رسول الله ﷺ.

مرسل: اگر سقوط راویان حدیث از آخر سند باشد، یعنی بعد از تابعین، آن را حدیث مرسل خوانند و فعل آن را ارسال گویند چنانکه تابعی بدون ذکر نام صحابی بگوید: «قال رسول الله ﷺ».

معضل: اگر سقوط راویان حدیث از میانه اسناد باشد، یعنی دو راوی متوالی و پی هم از زنجیره سند ساقط باشد آن را حدیث معضل خوانند، چنانکه اگر یک راوی و یا زیاده از آن ساقط باشد لیکن نه به طور پی هم و متوالی، آن را منقطع خوانند.

مدلس: نوعی از حدیث منقطع است که راوی حدیث نام شیخ خود یعنی کسی را که از وی روایت کرده است بر زبان نیاورد بلکه از شیخ شیخ خود یعنی از کسی که از وی سماع حدیث نداشت است روایت کند.

چنانکه گوید: «عن فلان و قال فلان». این فعل را تدلیس گویند.

مضطرب: اگر در اسناد متن حدیث از راوی آن اختلافی بروز کرده باشد از قبیل تأخر و تقدم و یا زیادت و نقصان و یا اینکه عوض یک راوی، راوی دیگر و یا عوض متن، متن دیگر را آورده باشد، آن حدیث را مضطرب خوانند.

مدرج: اگر راوی حدیث از روی غرض و یا مصلحت، کلام خود را در میان آن حدیث بیاورد آن را مدرج گویند.

معنعن: حدیثی است که روایت شده است به لفظ: «عن فلان عن فلان». و روایت چنین حدیث را عنعنه گویند، یعنی راویان، شنیدن حدیث را در روایات خویش ذکر نکرده باشند.

شاذ: حدیثی است که با آنچه ثقات روایت کرده اند، مخالف باشد پس اگر راوی آن ثقه نیست مردود است و اگر ثقه است شیوه درست در اینجا ترجیح است، به زیادت حفظ یا کثرت عدد و دیگر وجوه ترجیحات پس آن را که راجح است محفوظ خوانند و مرجوح را شاذ گویند.

منکر: حدیثی است که راوی ضعیف آن را روایت کند مخالف کسی که ضعف وی کمتر باشد و برخی حدیث مطعون به فسق به فرط غفلت کثرت غلط را، منکر گویند.

معلل: به صیغه اسم مفعول از «تعلیل» گرفته شده و همان اسنادی را گویند که در آن علل و اسبابی است که معایب آن را اهل مهارت و حذاقت در علم حدیث در می یابند و آن را دور از صحت می دانند و تشخیص آن پیچیده ترین مسئله علم حدیث است و تا کسی به مراتب راویان و احوال اسانید و متون، معرفت تام نداشته باشد، نمی تواند آن را تشخیص دهد.

متابعت: اگر کسی حدیثی را روایت کرده و کسی دیگر نیز موافق همان حدیث روایت کرده باشد حدیث این راوی را متابع آن حدیث خوانند و همان است که محدثان می گویند: «تابع فلان، و له متابعات».

متابعت، موجب تقویت و تأیید حدیث است و لازم نیست که متابع در مرتبه مساوی با اصل باشد و اگر مرتبه آن کمتر باشد بازهم متابعت را می شاید، اگر متابع در لفظ و معنی موافق اصل بود بر آن لفظ «مثله» را اطلاق کنند و اگر در معنی موافق باشد، لفظ «نحوه» را اطلاق کنند.

در متابعت شرط است که هر دو حدیث از یک صحابی روایت شده باشد و اگر از دو صحابی روایت شده باشد آن را شاهد گویند.

اقسام حدیث به اعتبار قبول و رد

آن سه نوع است: صحیح و حسن و ضعیف.

صحیح: حدیث صحیح آن است که سند آن از آغاز تا انجام متصل بوده و شاذ و معلل نباشد و راوی آن دارای عدل و ضبط تام باشد. اگر این صفات بر وجه کمال و تمام در آن پیدا باشد آن را «**صحیح لذاته**» خوانند و این مرتبه اعلی قبول حدیث است.

و اگر در صفات آن نوعی از قصور و نقصان راه یافته باشد و لیکن کثرت طرق، قصور و نقصان آن را جبران نماید، آن را «**صحیح لغيره**» گویند.

و اگر نقصان آن جبران نشده باشد آن را «**حسن لذاته**» خوانند و اگر با این حال با تعدد طرق قوتی یابد آن را «**حسن لغيره**» نامند.

حقیقت آنست که در «**حسن لذاته**» خفت و نقصان در ضبط است، در حالی که بقیه صفات به حال خود می‌باشند و هرگاه در حدیثی، صفتی از صفات لازمه مفقود گردد آن را «**ضعیف**» گویند.

در «**ضعف**» و «**حسن لغيره**» در همه صفات لازمه آن نقصان راه یافته است، و راوی به عدم عدالت یا عدم ضبط متصف می‌باشد و اسناد آن به انقطاع و شذوذ و نکارت و علت موسوم می‌گردد.

به عبارت دیگر: حدیث صحیح آن است که خالی از خطا باشد و عیب یا علتی در اسناد آن از حیث بریدگی سلسله راویان یا معتبر نبودن برخی از آنان مشاهده نشود و همه افراد سلسله راویان آن به راستگویی مشهور و ستوده باشند.

حدیث حسن: آن است که یکسره از خطا خالی نباشد و مثلاً همه راویان آن هر چند ستوده و ممدوح باشند، به راستگویی شهرت نیافته باشند.

حدیث ضعیف: آن است که از لحاظ متن در صحت حدیث شکی پیدا گردد و یک یا چند تن از راویان آن مورد اعتماد نباشد و به طور کلی واجد شرایط صحیح و حسن نباشد.

البته بیان این نکته نیز الزامی است که اگر حدیثی غیر از این سه مورد باشد ولی به مضمون آن عمل نمایند، آن را حدیث مقبول می‌خوانند.

علم الرجال: این عمل نیز منبع خوبی برای آشنایی با اوضاع و احوال راویان حدیث است و در واقع، علم رجال علم به احوال اشخاص است که در سلسله سند حدیث از لحاظ جرح و تعدیل قرار دارند، به عبارت ساده‌تر، علم رجال، یعنی علم تعیین ارزش راوی و محدث از لحاظ صدق و کذب.^{۲۷}

اقسام حدیث صحیح

اگر راوی حدیث یک نفر است آن را «غریب» نامند و اگر راوی آن دو نفر باشد آن را «عزیز» گویند، و اگر زیاده از دو نفر باشد آن را مشهور و مستفیض خوانند و اگر کثرت راویان به حدی باشد که توافق ایشان را برکذب نتوان حمل کرد، آن را «متواتر» گویند.

وجوه طعن متعلق به عدالت

آن پنج مورد است. آنچه عدالت راوی را زیر سوال می‌برد و باعث طعن می‌گردد عبارتند از:

۱- **کذب راوی (حدیث موضوعی):** و آن ثابت شدن کذب راوی در حدیث پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم است و حدیثی را که راوی آن به دروغ مطعون باشد، حدیث موضوع خوانند و کسی که دروغ وی در حدیث به اثبات رسد، اگرچه این دروغ یک بار بوده باشد و هر چند توبه کند هرگز از وی حدیث قبول نشود. البته درباره احادیث موضوعی و راویان آن، کتب زیادی تألیف گردیده و این جعل کاران و احادیث‌شان شناخته شده اند.

۲- **اتهام راوی به کذب (حدیث متروک):** و آن شهرت راوی به کذب است هر چند این کذب وی در مورد روایت حدیث از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم ثابت نشده باشد و حدیث

چنین راوی را متروک خوانند چنانکه گویند: «حدیثه متروک». یا: «هو متروک الحدیث».

۳- فسق راوی: مراد از آن فسق راوی، در اعمالی است که از وی سر زده باشد نه در اعتقاد.

۴- جهالت یا مجهول بودن نام راوی (حدیث مبهم): و آن نیز موجب طعن در حدیث است، زیرا در صورتی که نام راوی معلوم نباشد برحالات وی نمی‌توان راه یافت که آیا ثقه هست یا غیر ثقه، چنانکه گویند: «اخبرنی رجل»، یا: «اخبرنی شیخ»، این نوع حدیث را مبهم خوانند، زیرا نام راوی را ذکر نکرده است و حدیث مبهم مقبول نمی‌باشد.

۵- بدعت (حدیث مردود): مراد از بدعت، اعتقاد به چیزی است که بنابر شبهه و تأویل خود خلاف آنچه معروف و معلوم از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم است، احداث کرده باشد و هرگاه به طریق انکار و عناد باشد کفر است. حدیث مبتدع مردود است و نزد بعضی اگر به صدق لهجه و صیانت لسان متصف باشد مقبول است. و در این باره اختلاف است چنانکه علمای حدیث در اخذ از اهل بدعت و هوا مذاهب انحرافی اختلاف نظر دارند و احتیاط در عدم اخذ است، زیرا به ثبوت پیوسته است که این گروه برای ترویج مذاهب خود، احادیثی وضع می‌کردند و برخی از آن‌ها پس از توبه و رجوع، به عمل خود اقرار کرده اند.

وجوه طعن متعلق به ضبط

و آن نیز پنج مورد است:

- ۱- **فرط غفلت:** یعنی غفلت بسیار راوی در سماع و تحمل حدیث است.
- ۲- **کثرت غلط:** و آن با مورد اول که فرط غفلت است نزدیک است، یعنی غلطی در شنوایدن حدیث و ادای آن است.
- ۳- **مخالفت ثقات:** یعنی روایت آنچه در اسناد یا در متن با روایات ثقات حدیث مخالف باشد و آن موجب شذوذ حدیث است.
- ۴- **وهم:** آنست که راوی بر سبیل توهم روایت کرده باشد و اگر با قراین داله و دریافت علل و اسباب قاده بر توهم وی اطلاع یافته شود، آن را حدیث معلل خوانند و تشخیص چنین امری از پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین مسائل علم حدیث است و فقط کسانی می‌توانند آن را تشخیص دهند که دارای فهم ثاقب و حفظ واسع بوده و معرفت تام به مراتب راویان و احوال و اسانید متون داشته باشند. چنانکه متقدمین از ارباب این فن تا زمان دارقطنی می‌زیسته اند و می‌گویند پس از وی کسی در این فن نیامده است، گاه چنانست که عبارت معلل از اقامت حجت قاصر باشد و آن را مانند صرافی که نقود درهم و دینار را تشخیص می‌دهد، نمی‌توان تنقیح و تعیین علت کرد.
- ۵- **سوء حفظ:** یعنی اگر خطا و نسیان راوی بر صواب و اتقان وی غالب باشد و یا مساوی باشد در هر یک از این دو حالت سوء حفظ مطرح می‌گردد و معتبر غلبه و کثرت صواب و اتقان است و اگر در جمیع اوقات عمر کسی دچار سوء حفظ گردد، حدیث وی معتبر نباشد و این قسم را بعضی از محدثین نیز شاذ گویند و اگر راوی بر اثر عارضه‌ای چون کبر سن به اختلال حافظه یا نابینایی مبتلا شده باشد، حدیث او را (مختلط) گویند و در آن توقف کنند.

احادیث ناسخ و منسوح: برخی احادیثی اند که حکم آن منسوخ شده است.

اصطلاحات اولیه و مورد نیاز علوم حدیث و حدیث شناسی

- ۱- خبر: گزارشی است که از کسی نقل می‌گردد. خواه پیامبر ﷺ باشد یا غیر. بعضی خبر و حدیث را مترادف و بعضی حدیث را مخصوص پیامبر ﷺ استعمال نموده‌اند.
- ۲- حدیث: عبارت است از اقوال، افعال، تأییدات و صفاتی که به پیامبر ﷺ نسبت داده می‌شود و سنت هم به همین معناست.
- ۳- اثر: مطلبی است که از پیامبر ﷺ یا اصحاب رضی الله عنهم یا تابعین رحمه الله علیه روایت شود. بعضی حدیث را بر فرمایش پیامبر ﷺ و اثر را بر گفته‌های صحابی و تابعین تخصیص داده‌اند.
- ۴- سند: عبارت است از زنجیره راویان که با نظم و ترتیب خاصی به متن منتهی می‌شود.
- ۵- متن: عبارت است از مطلبی که زنجیره راویان به آن منتهی می‌گردد. به عبارت دیگر متن مطالبی است که به پیامبر ﷺ یا صحابه و یا تابعی نسبت داده می‌شود.
- ۶- اسناد: تلاش و جهد محدث در جهت بیان زنجیره منظم راویان حدیث.
- ۷- حدیث مسند: حدیثی است که به وسیله یک زنجیره منظم و متصل، راویان به پیامبر ﷺ می‌رسند.
- ۸- کتاب مسند: کتابی است مشتمل بر مجموعه‌هایی از احادیث که هر مجموعه را یکی از اصحاب پیامبر ﷺ روایت کرده است.
- ۹- مُسْنَد: کسی که احادیث را به سندهایش روایت کند.
- ۱۰- مُحَدِّث: به کسی گفته می‌شود که در علم الحدیث درایتی، دارای چنان مهارت و تخصصی باشد که به خوبی بتواند احادیث صحیح و روایات ضعیف را

تشخیص و احادیث صحیح را روایت کند و بر اسناد و علل و اسامی رجال عالی و نازل و.... تسلط داشته باشد.

۱۱- **حافظ:** به کسی گفته می‌شود که آشنا به سنت رسول الله ﷺ و آگاه به طرق سنن باشد و سند این طرق را خوب تمیز دهد و حافظ آن مقدار از احادیثی که اهل حدیث صحت آن را تأیید کرده اند، باشد و آگاه به موارد اختلاف و اصطلاحات محدثین باشد.

۱۲- **حُجَّت:** به کسی گفته می‌شود که احادیث صحیح را از حیث متن، سند و احوال راویان بررسی کرده و احادیث صحیح را روایت کند.

۱۳- **حاکم:** به کسی گفته می‌شود که بر جمیع احادیث از حیث متن و سند و احوال راویان و جرح و تعدیل آن‌ها و تاریخ آن‌ها اطلاع کامل داشته باشد.

توجه: محدث برتر از مسند و حافظ برتر از محدث و حجت برتر از حافظ و حاکم برتر از حجت می‌باشد.

۱۴- **جامع:** هر کتابی حدیثی که مشتمل بر ابواب هشتگانه: عقاید، احکام، رفاق، آداب، تفسیر، تاریخ، سیر، فتن، مناقب، و مثالب باشد، مانند جامع بخاری.

۱۵- **مُسْتَدْرَك:** کتابی است که به عنوان متمم کتاب دیگر و با همان شروط، احادیثی را که از کتاب سلف متروک مانده است گردآوری نموده باشد.

۱۶- **مُسْتَخَرَج:** کتابی است که مولف احادیث کتاب، حدیثی را به غیر اسناد صاحب کتاب (بلکه خود از شیوخ خویش برای آن حدیث آورده است) روایت کند.

۱۷- **جزء:** مجموعه است از احادیث که یک نفر به تنهایی آن را روایت کرده باشد خواه صحابی و خواه غیر صحابی.

۱۸- **علم الحدیث درایتی:** رشته قواعدی است که از احوال روایت کننده (راوی) و از خصوصیات روایت شده (مروی) و همچنین کیفیت و کمیت زنجیره روایت‌ها (سند) از حیث رد و قبول سند، بحث می‌کند و موضوع آن راوی و مروی است.

- ۱۹- **علم الحدیث روایتی:** علمی است مبتنی بر نقل آزاد و دقیق هر آنچه که به رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم نسبت داده شده است. (قول، فعل و تقریر) و یا به صحابه و تابعین او نسبت داده اند بنابر رأی صحیح.
- ۲۰- **علم جرح و تعدیل:** علمی است پیرامون روایان حدیث، در باره آنچه برای آنها عیب به حساب می آید یا آنها را با تقوا به حساب می آورد با الفاظ مخصوص.
- ۲۱- **علم رجال:** علمی است که روایان حدیث را از جهت اینکه راوی حدیث اند معرفی می کند.
- ۲۲- **علم علل الحدیث:** علمی است که از علت های پنهان و پوشیده، از جهت تأثیر منفی در صحیح بودن حدیث بحث می کند مانند: «وصل منقطع» یا «رفع موقوف» و...
- ۲۳- **علم مختلف الحدیث:** علمی است که پیرامون احادیثی که ظاهر آن احادیث، تناقض دارد سخن می گوید.
- ۲۴- **علم ناسخ و منسوخ حدیث:** علمی است که در باره احادیثی که باهم مخالف اند بحث می کند و همچنین احادیثی که توافقی بین آنها ممکن نیست.
- ۲۵- **شرط راوی:** عقل، ضبط، عدالت و اسلام که اگر راوی یکی از این شرایط را دارا نباشد روایتش پذیرفته نیست و حدیث او ترک می شود.

اقسام حدیث به اعتبار تعدد راوی

اول - متواتر: روایت گروهی که تبانی آن‌ها بر دروغ سازی عقلاً و عادتاً ممکن نیست و آن بر دو قسم است:

الف: متواتر لفظی. ب: متواتر معنوی.

الف: متواتر لفظی: آن است که در اول، وسط و آخر سند آن را با یک شکل و صورت نقل کرده باشند چنین حدیثی کمیاب است.

ب: متواتر معنوی: هماهنگ بودن مفهوم و معنی از طرف راویانی که تبانی آن‌ها بر دروغ سازی عقلاً و عادتاً محال باشد. اینگونه احادیث زیاد است.

دوم - آحاد: تعداد راویان آن محصوراند.

۱- **مشهور:** تعداد راویان در تمام مقاطع از سه نفر کمتر نباشد.

۲- **عزیز:** تعداد راویان در تمام مقاطع از دو نفر کمتر نباشند.

۳- **غریب:** راوی حدیث در بعضی مقاطع یک نفر باشد.

اقسام حدیث به اعتبار اینکه در نهایت زنجیره خبر

باچه کسی و به چه کسی وصل می‌شود؟

- ۱- مقطوع: خبر فقط به تابعی وصل گردد، مانند: «قال نافع كذا».
- ۲- موقوف: خبر به صحابی وصل گردد، مانند: «قال عمر بن الخطاب كذا».
- ۳- مرفوع: خبر به پیامبر ﷺ وصل شود و آن نیز بر دو قسم است.
- الف: مرسل: خبری که به وسیله غیر صحابی به پیامبر ﷺ برسد.
- ب: مسند: خبری که به وسیله صحابی به پیامبر ﷺ برسد.

راویان چه رابطه‌ای با هم دارند؟

- ۱- اقران: دو راوی که تقریباً با یکدیگر هم سن و هم استاد باشند.
- ۲- مُدبِّج: دو راوی که هر دو از یکدیگر حدیث روایت کنند.
- ۳- متفق و مفترق: راویان یک حدیث در عین اینکه شخصاً جداً می‌باشند، نام آن‌ها و نام پدر آن‌ها یکی باشد. مانند: «قال خلیل بن احمد عن خلیل بن احمد».
- ۴- مؤتلف و مختلف: راویان یک حدیث که نام آن‌ها در نوشتن و خط متفق اما از یکدیگر جدا باشند مانند: «سلام و سلام».
- ۵- متشابه: راویان یک حدیث که اسم آن‌ها در خط و تلفظ یکی می‌شود اما اسم پدرشان متفاوت یا بر عکس.
- ۶- مسلسل: راویان یک حدیث با شخص دیگر در نام و نشان متفق باشد و معلوم نباشد مقصود کدام یک از آن‌ها است.

اقسام حدیث

الف: صحیح: حدیث مسندی است که اسناد آن به نقل عادل ضابط از عادل ضابط باشد، تا اینکه به حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا یکی از اصحاب یا تابعین برسد و تحت عنوان شاذ و معلل قرار نگیرد و بر دو قسم است:

۱- **صحیح لذاته:** مشتمل بر صفات قبول به طور کامل باشد.

۲- **صحیح لغيره:** حدیثی است که به واسطه علتی غیر از خودش صحیح باشد.

ب: حسن: آن حدیثی است که سندش متصل به نقل از راوی عادل کم ضبط بوده و از شذوذ و علت سالم مانده باشد و وجه اشتراک حدیث صحیح و حسن در این است که سند هر دو متصل به نقل از راوی عادل و سالم از شذوذ و علت است و وجه افتراق آن دو در این است که راوی در حدیث حسن کم ضبط ولی در صحیح ضابط است.

ج: حدیث ضعیف: آن حدیثی است که نه صفات صحیح را داشته باشد و نه

صفات حسن را. ۲۸

اقسام حدیث ضعیف

۱- **مُرْسَل:** هر حدیثی که راوی صحابی از آن حذف شده باشد. لذا هر حدیثی که در آن گفته نشود «قال رسول الله کذا یا فعل بحضرت کذا» و مانند آن ضعیف است.

۲- **مُنْقَطِع:** حذف شدن یک راوی از سند حدیث یا ذکر شدن یک راوی مجهول در سند آن است علت ضعف حدیث منقطع، عدم اتصال آن است.

۳- **مُعْضَل:** حدیثی است که دو راوی یا بیشتر از سند آن حذف شده باشد، به شرط اینکه حذف شدگان پشت سرهم باشند.

۴- مدلس: آن حدیثی است که راوی از معاصر خود که او را ملاقات کرده است ولی از او سماع نکرده است روایتی کند که موهم سماع باشد یا راوی از معاصر خود که او را ملاقات نکرده است طوری روایت کند که موهم سماع مستقیم باشد.

۵- مُعَلَّل: حدیثی است که در آن اسباب و عوامل پنهانی وجود داشته باشد که اگر آشکار شود مضر به صحت حدیث است.

۶- مقلوب: حدیثی است که راوی آن در اسم راویان یا در کلمات حدیث تاخیر و تقدیمی باشد.

۷- مُضْطَرَّب: حدیثی است که راوی آن با یک سلسله، این حدیث را روایت کند که اشخاص دیگر با عین آن سند مخالف آن را روایت کرده باشد.

۸- شاذ: حدیثی است که ثقه‌ای آن را به شکلی روایت کند که با دیگر ثقات در نقل آن حدیث متفاوت باشد.

۹- مُنْكَر: حدیثی است که راوی ضعیف بر خلاف روایت موثق آن را نقل کند. منکر خلاف شاذ است زیرا راوی شاذ موثق است، ولی راوی منکر ضعیف است.

۱۰- متروک: حدیثی است که یک راوی متهم به کذب یا فسق یا غفلت یا کثیر الوهم، آن را نقل کرده باشد.

القاب حدیث صحیح، حسن و ضعیف

۱- موقوف: خبر به صحابی وصل گردد.

۲- مقطوع: روایت حدیث به تابعی وصل شود.

۳- مرفوع: حدیثی است که به پیامبر ﷺ نسبت داده شود، قولاً یا فعلاً و یا تقریراً چه از طرف صحابی یا تابعی یا بعد از آن‌ها خواه متصل باشد یا خیر.

۴- مسند: حدیثی است که سند آن از راوی تا آخر متصل باشد و مرفوع به پیامبر ﷺ باشد.

۵- متصل یا موصول: حدیثی است که سندش متصل باشد، خواه مرفوع به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم یا موقوف بر صحابه یا کسی پایین تر از آن.

۶- مُعْنَن: حدیثی است که در سندش عبارت «قال فلان عن فلان» خواه از طریق تحدیث یا سماع.

۷- مُؤَنَّن: به حدیثی گفته می شود که در سندش عبارت «حدثنا فلان أن فلانا...» باشد.

۸- معلق: حدیثی است که از اول سند یک راوی یا بیشتر حذف شده باشد و به راویان ما فوق افراد محذوف، اسناد داده شده باشد.

۹- مدرج: حدیثی است که در سند یا متن آن زیادتیی باشد که جزو آن نیست (یعنی مطلبی در مطلب دیگر درج شود).

۱۰- مسلسل: حدیثی است مسند و متصل خالی از تدلیس که راویان آن عبارات یا افعال مشابهی در وصف آن از راوی مافوق خود نقل کرده باشند تا به رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم برسد.

۱۱- توجه: احادیث فرد، غریب، عزیز، مشهور، مستفیض، عالی، نازل، تابع، مشاهده، مصحف، از القاب حدیث صحیح و حسن و ضعیف به شمار می آیند.

حدیث موضوع:

حدیثی است که دروغ گوینان آن را به وجود آورده اند و آن را به دروغ به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نسبت داده اند که هم از نظر الفاظ و هم از نظر سند ساخته دروغ گوینان است.

مراتب و طبقات کتابهای حدیث

طبقه اول: صحیح البخاری، صحیح مسلم، مؤطا امام مالک، که در این طبقه اقسام حدیث متواتر، صحیح و حسن وجود دارد.

طبقه دوم: جامع ترمذی، سنن ابو داود، مسند امام احمد و نسائی که اینها یک مقدار تساهل و تسامح در کار دارند و خالی از احادیث ضعیف نیستند.

طبقه سوم: مسند ابن ابی شعبه، مسند طیالسی، بیهقی، طبرانی، طحاوی، عبدالرزاق که در آنها انواع احادیث ضعیف (شاذ، منکر، مقلوب) و بعضی احوال رجال در آنها نامعلوم است.

طبقه چهارم: کتاب‌های بی‌ارزش و بیهوده‌ای هستند که واعظان، مورخان غیر عادل، بدعت‌گذاران و پیروان هوای نفس به صورت داستان در دوره‌های اخیر جمع‌آوری کرده اند. مانند: تالیفات حدیثی ابن مردودیه، ابن شاهین، ابوشیخ و....

انواع تحمل حدیث

۱- **سماع:** گرفته شده از طریق مشافهه مستقیم «سمعت فلانا - حدثنا - حدثنی - أخبرنا - أخبرنی...».

۲- **قرائت:** شاگرد از روی کتاب یا از احادیثی که حفظ کرده چندین حدیث برای استاد قرائت می‌کند (عرض) و استاد گوش می‌دهد و ایراد نمی‌گیرد.

۳- **اجازه:** شیخ، حدیث را رو در رو به کسی می‌گوید یا برای کسی می‌نویسد: «تو را اجازه دادم که آنچه من شنیده‌ام و در کتاب‌هایم نوشته‌ام را روایت کن».

۴- **مناوله:** شیخ حدیث، کتابی یا جزوه‌ای را، یا چند حدیث را به شاگردی می‌دهد که آن را روایت کند.

۵- **مکاتبه:** شیخ حدیث، به خط خودش یا به خط نویسنده‌اش چند حدیثی را برای کسی که حاضر است یا غائب می‌نویسد و آن کس این احادیث را با قید کتابت از او روایت می‌کند.

۶- **اعلام:** این است که شیخ حدیث، فقط همین مطلب را به شاگرد اعلام نماید که این جزوه یا این چند حدیث از مسموعات من است و من از دیگران روایت کرده‌ام.

۷- **وصیت:** شیخ حدیث، در حال قصد مسافرت یا در بستر مرگ برای شخص معینی وصیت می‌کند که کتاب یا جزوه معین او را روایت کند.

۸- وجاده: دریافت علم از اوراق و برگ‌هایی بدون شنیدن و اجازه و منادله به این صورت که شخص حدیثی را به خط شیخی می‌بیند و روایت می‌کند.^{۲۹}

نگارش کتاب‌های حدیث

به اتفاق مؤرخین، امام مالک در مدینه منوره، ابن جریر در مکه مکرمه، ربیع بن صبیح در بصره، سفیان ثوری در کوفه، اوزاعی در شام، هیشم در واسط، معمر در یمن، جریر بن عبدالحمید در ری و ابن مبارک در خراسان نخستین بار به تدوین کتاب حدیث بطور موضوعی و مرتب پرداخته اند، اما از آثار آن مرحله (مرحله دوم) هیچ کتاب و نوشته‌ای، جز کتاب (موطا) تدوین امام مالک که تا حال باقی مانده است و بطور وفور در کتابخانه‌ها موجود و در دسترس مطالعه کنندگان قرار دارد.^{۳۰}

اما در مورد تدوین صحیح بخاری قول مشهوری است که روز اسحاق بن راهویه استاد امام بخاری رحمهما الله تعالی در جمع شاگردانش گفت: «لوجمعتم کتاباً مختصراً لصحیح سنه رسول الله».

یعنی: ای کاش کتاب مختصری از احادیث صحیح رسول الله ﷺ را جمع آوری کنید.

امام بخاری رحمۃ اللہ علیہ گوید: «این سخن و آرزوی استاد در دل من تأثیر کرد، و از همان لحظه تمام تلاش و کوشش خود را برای جمع‌آوری احادیث صحیح و درست به کار انداختم».

سرانجام امام بخاری رحمۃ اللہ علیہ آرزوی استادش و عزم خودش را جامه عمل پوشانیده و صحیح بخاری را تدوین نمود. فجزا الله خیرا.

روی هم‌رفته دومین کتاب تدوین شده احادیث صحیح، کتاب صحیح مسلم می‌باشد. و بعداً کتاب‌های سنن (سنن ابوداؤد، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه) تدوین یافته که در جوامع اسلامی به حدی مورد قبول واقع شده اند که آن‌ها

۲۹- ترجمه و شرح مشکوٰۃ المصابیح ج ۱، ص ۱۴-۲۲.

۳۰- تاریخ حدیث ص ۶۰.

را در ردیف صحیحین (بخاری و مسلم) قرار داده و آن چهار سنن را با بخاری و مسلم (صحاح سته) می‌نامند.

هكذا بعدها صحیح محمد بن حبان بستی تدوین شد که در این کتاب احادیث به ترتیب جدیدی مغایر با ترتیب همهٔ مسندها و سننها تنظیم گردیده به این صورت که احادیث در پنج موضوع کلی یعنی: (اوامر، نواهی، اخبار، اباحات و افعال پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وسلم) طبقه بندی شده اند، و در ذیل هر یک از این موضوعات، طبقه بندی کوچکتری نیز صورت گرفته است، از این رو این کتاب به «الأنواع والتقسیم» شهرت یافته و چون استفاده از این کتاب برای مراجعه کنندگان دشوار بود، امام علاء الدین بلبان فارسی رحمۃ اللہ علیہ آن را بر پایهٔ ابواب فقهی تدوین نمود و «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» نامید و در نه مجلد آن را تنظیم نمود.^{۳۱}

بر اصل موضوع خود برمی گردیم که همانا معرفی و جایگاه علمی علامه بن حبان بستی رحمۃ اللہ علیہ است:

امام، علامه ابن حبان بستی هلمندی رحمۃ اللہ علیہ یکی از همین محدثان و مؤلفان عالی مقام علم گرانسنگ حدیث نبوی بوده که همانند: امام مالک بن انس رحمۃ اللہ علیہ (۱۷۹-۹۳ هـ)، امام بخاری رحمۃ اللہ علیہ (۲۵۶-۱۹۹ هـ)، امام مسلم رحمۃ اللہ علیہ (۲۰۴-۲۶۱ هـ)، امام ابوداؤد رحمۃ اللہ علیہ (۲۷۵-۲۰۲ هـ)، امام ترمذی رحمۃ اللہ علیہ (۲۷۹-۲۰۹ هـ)، امام ابن ماجه رحمۃ اللہ علیہ (۲۷۳-۲۰۹ هـ)، امام نسائی رحمۃ اللہ علیہ (۳۰۲-۲۱۵ هـ)، عمر گران بهای خویش را وقف آموزش، پژوهش، جمع آوری، تدوین و تألیف این علم نموده اند علامه ابن حبان رحمه الله بیش از (۷۰) قریه و قصبات و شهرهای کشورهای متعدد جهان اسلام را با تحمل یک عالم زحمات، تکالیف، مشقات طاقت فرسا با طی نمودن راههای صعب العبور، جهت اخذ یک حدیث نبوی شریف رهسپار آن دیار شده و این کتاب نفیس «صحیح ابن حبان» را تدوین و تألیف نموده است. اکنون جهت معلومات مزید به معرفی زندگی نامهٔ مختصر ایشان می پردازیم:

فصل دوم

زندگی‌نامه مختصر

علامه، امام، المحدث ابن حبان بستی هلمندی رحمه الله

افغان‌ها نه تنها در رادمردی و شجاعت در میدان نبرد و سیاست افتخار آفرین‌اند، بلکه در سایر عرصه‌ها اعم از امور فرهنگی و کلتوری، علمی و پژوهشی، ادبی و هنری، اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و حکومت‌داری، بخصوص در عرصه‌های علوم دینی، ثقافت و تمدن اسلامی از خود درخشش بسزایی به میراث گذاشته‌اند.

برعلاوه از امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله می‌توان از ذوات آتی الذکر: امام فخرالدین رازی رحمه الله، ملا علی قاری هروی رحمه الله، خواجه عبدالله انصاری رحمه الله (صاحب تفسیر کشف الأسرار وعمده الأبرار)، امام قتیبه بغلانی رحمه الله، ابوداوود خطابی رحمه الله (شارح ابوداوود)، محمد ابن یوسف الفارابی رحمه الله (شیخ و استاد امام بخاری)، سید جمال الدین افغانی، ابن سینای بلخی رحمه الله، مولانا جلال الدین محمد بلخی رحمه الله، أبوریحان البیرونی رحمه الله، نورالدین عبدالرحمن جامی رحمه الله، ابراهیم ابن یعقوب الجوزجانی رحمه الله، عبدالله ابن مبارک رحمه الله و به ویژه علامه امام ابن حبان بستی هلمندی رحمه الله من حیث اولین محدث عالی مقام کشور نامبرد.

علامه، امام، محدث، عالم جلیل القدر، شخصیت شهیر و والامقام جهان اسلام و یکی از شخصیت‌های علمی، فرهنگی، ادبی و محدث نخبه کشور عزیز ما افغانستان است که با تأسف فراوان تقریباً اکثریت مطلق مردم ما از شخصیت و جایگاه علمی این محدث عالی مقام آگاهی لازم ندارند، درحالی که کتاب وی (صحیح ابن حبان بستی) توجه علمای جید عالم اسلام را به خود جلب نموده و این کتاب چندین بار به زیور چاپ آراسته شده است که منجمله «مرکز البحوث و تقنیة المعلومات (دارالتأسیل)» به چاپ آن همت گماشته که قبل از وارد شدن به اصل موضوع سطری چند پیرامون قدامت و فعالیت‌های این مرکز پرداخته و سپس به اصل موضوع بر می‌گردیم:

بیست و هشت سال قبل (دارالتأسیل مرکز البحوث و تقنیة المعلومات) به خاطر ضبط و تحقیق میراث سنت اسلامی از طریق استخدام وسایل علمی معاصر، کمپیوتر با جمیع لوازماتش، توأم با درنظر داشت قواعد معلومات عمومی معروف که فعلاً بنام تقنیة المعلومات شهرت یافته است، بناء و تأسیس گردید. مؤسس این مرکز از دیر زمان بدین سو عزم راسخ بدان داشته و دارد که مصدر خدمت میراث سنت اسلامی از طریق (دارالتأسیل) قرار بگیرد که این خدمات إن شاء الله در برگیرنده جمع و تدوین کتب سنت نبوی مستند و مصنفاً المتعلقة آن می‌باشد، و این عملیه به واسطه ضبط و اخراج به شکل علمی و متمیز صورت می‌گیرد، تا آرمان و آمال علمای علوم الحدیث و سایر فروع علوم اسلامی تحقق پذیرد.

دارالتأسیل غرض تحقیق این هدف توسط گروهی از علماء و محققین در علوم حدیث، لغت و فقه که تعدادشان بیشتر از نود تن بودند، کار را در این مرکز آغاز کردند، علاوه بر آن تعدادی از متخصصین در امور اداری و کمپیوتر نیز در این مرکز جهت سهولت کارهای پژوهشی استخدام گردیدند.

بر می‌گردیم به اصل موضوع: کتاب «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» این کتاب یکی از مهمترین و معتمدترین اصول سنت نبوی نزد علماء بوده که آن مورد اهتمام و استقبال داشمندان عرصه علوم حدیث قرار گرفته و این مرکز جهت طبع آن همت گماشته است.

امام ابن حبان کتاب خویش «صحیح ابن حبان» را با ترتیبی منحصر به فرد که شامل باب بندی نبوده تألیف کرده است و در پیوند به اینکه امام ابن حبان چرا با چنین ترتیبی این کتاب مهم را تنظیم نموده گفته اند که مقصود امام این بوده است که مسلمانان این کتاب را مانند قرآن کریم حفظ نمایند تا بتوانند از آن به شکل کامل بهره برند؛ اما وقتی با مرور زمان دیده شد که نسل‌های جدید همت حفظ آن را کمتر داشته اند، علماء و پژوهشگران در عصر جدید و به شکل ویژه (مرکز دار التاویل) بر این شد که این میراث گران‌بهای سنت نبوی را که توسط امام ابن بلبان الفارسی جهت سهولت در تحقق و قرائت آن باب بندی و با تنظیم فهرس ترتیب گردیده بود چاپ و نشر نماید.

امام علاءالدین ابن بلبان الفارسی رحمۃ اللہ علیہ که کتاب صحیح ابن حبان را باب بندی و ترتیب داده بود، نام آن کتاب را «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» گذاشت.

مرکز دارالتأسیل برای انعکاس بهتر خدمات هر دو امام جلیل القدر و تقدیر از جایگاه و منزلت کتاب و مصنف، تصمیم گرفت که این کتاب را در شکل جدید آن به شکلی که در خور شأن منزلت و مرتبت مصنف آن باشد چاپ نماید.

مرکز دارالتأسیل یا همان مرکز بحوث تکنالوژی معلومات قبل از چاپ این کتاب در چاپ کتاب‌های دیگر سنت اسلامی با ضبط و تحقیق آن‌ها همت گماشته است و از الله متعال استدعا دارد که توان این را برای شان در این مرکز بدهد که همچنان به این کار خیر ادامه دهند.

برای رفع نقیصه‌های طبعات گذشته مرکز متن کتاب «صحیح ابن حبان» را همراه با متن کتاب ترتیب ابن بلبان الفارسی برای «صحیح ابن حبان» با چاپ‌های گذشته به ویژه چاپ الشیخ احمد محمد شاکر و سایر چاپ‌ها مقایسه و بعد از رفع نقیصه در حد ممکن آن را در هیئت و شکل جدید چاپ نمود.

در این طبع تلاش شده است که با انعکاس ترتیب ابن بلبان و هم رعایت اصل امانت‌داری در متن صحیح ابن حبان کتابی را به خوانندگان تقدیم نمایند که با اصل متنی که امام ابن حبان تألیف و مورد مرادش بوده است مقترب باشد.

این مرکز پیرامون بیوگرافی و کارکرد، ارائه خدمات شایسته و فعالیت‌های همه جانبه عملی و تحقیقی به ویژه در عرصه احادیث نبوی، این عالم جلیل القدر و محدث عالی مقام کشور (علامه امام ابو حاتم محمد ابن حبان بستی هلمندی رحمۃ اللہ علیہ) چنین می‌نگارد:

اسم و نسب امام ابن حبان رحمته الله

محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ ^{۳۲} بن معبد بن سَهید ^{۳۳} بن هَدیة ^{۳۴} بن مرة بن سعد بن یزید بن مرة بن زید بن عبدالله بن دارم بن مالک بن حنظلَّة بن مالک بن زید مناهُ بن تمیم.

اما شیخ خلیل بن مأمون شیحا که ایشان اصول کتاب «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» را تحقیق و احادیث آن را تخریج نموده است، در مورد شرح حال امام ابن حبان به استناد گفتار امام ذهبی چنین می‌نگارد: «امام، علامه، حافظ المجود، شیخ خراسان أبوحاتم محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد بن سَهید بن هَدیة بن مرة بن سعد بن یزید بن مرة بن زید بن عبدالله بن دارم بن حنظلَّة بن مالک بن زید مناهُ بن تمیم». ^{۳۵}

اما نسب امام ابن حبان رحمته الله نزد تمام تذکره نویسان به بنی تمیم منسوب و به معد بن عدنان منتهی می‌گردد و در نسب عربی الاصل که به تمیمی دارمی وحبانی منسوب می‌باشد.

کنیه و یا تخلص امام ابن حبان رحمته الله

محمد ابن حبان متخلص به (أبوحاتم) بوده که به طور جمعی همه تذکره نویسان به شمول شاگردش أبوعبد الله محمد بن إسحاق بن محمد بن یحیی بن

۳۲- کشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون جلدششم صفحه ۳۷

۳۳- بدل «سَهید» - بالسین المهملة - فی بعض المصادر ک «تلخیص المتشابهة» للخطیب (۱۰۹/۱)، «الإكمال» لابن ماکولا (۳۱۶/۲)، «معجم البلدان» لیاقوت (۴۱۵/۱): «سَعید بن سَهید». و عزاه الخطیب ویاقوت لغنجار، و جعله ابن عساکر فی «تاریخ دمشق» (۲۴۹/۵۲) علی الشک بین إثباته کما عندهم، وبین حذفه، وذهب ابن بلبان فی تقدمته لـ «الإحسان» إلی أنه: «سَعید بن سَهید»، ثم قال: «ویقال: ابن معبد بن هَدیة». وهو إشارة إلی وجه الحذف المنقول عن ابن عساکر قریبا، و ما أوردناه یتفق مع ما ذکره ابن نَظْلَة فی «تکملة الإكمال» (۱۹۴/۶)، وابن ناصر فی «توضیح المشتبه» (۳۷۵/۵)، و الذهبی فی «تذکره الحفاظ» (۹۲۰/۳)، «سیرالأعلام» (۹۲/۱۶).

۳۴- کذا فی أغلب المصادر: «هَدیة» بالمشاة التحتیة، ووقع بعضها ک «تلخیص المتشابهة» (۱۱۰/۱)، «تاریخ دمشق» (۲۴۹/۵۲)، «معجم البلدان» (۴۱۵/۱): «هَدیة» بالموحدة. «توضیح المشتبه» (۱۴۱/۹، ۱۴۲).

۳۵- الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان حقق أصوله وخرَّج أحادیثه الشیخ خلیل بن مأمون شیحا جلد اول صفحه ۱۱

منده^{۳۶} و همچنان تخلص وی را ابو حاتم نوشته و ضبط نموده اند و این تخلص در نسخه‌های خطی قدیم و صحیح نیز ابوحاتم ضبط شده است.

ميلاد و زادگاه امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ

امام ابن حبان در شهرستان بست که منطقه‌ای مشهوری است در مرکز هلمند زاده و چشم به جهان گشوده است، سجستان یکی از بزرگترین شهرهای اقلیم (خراسان قدیم) بوده است و شهر بست منطقه‌ای است که بر اساس جغرافیای افغانستان معاصر در نزدیکی پایتخت افغانستان معاصر کابل واقع گردیده است. و به زبان ساده تر شهر بست جزء دوم مرکزی ولایات جنوب غرب کشور بوده که نزد شهر لشکر گاه واقع می باشد.

شهر بست در تقاطع نهر هلمند و قندهار و به صورت ویژه در قسمت نهری که از قندهار آمده بنا یافته است.

این شهر به دلیل موقعیت استراتژیکی از جمله شهرهای قدیم تجاری بوده است که مال‌های تجارتی را به سند و هند می‌برده است. بنابر روایت اصطخری در ورودی شهر بست به شیوه نهرهای عراق پلی از کشتی‌ها بوده است که مسئولیت انتقال کالاهای بازرگانی را به عهده داشته اند.^{۳۷} البته در قدیم‌ها.

اغلب تذکره نویسان تصریح کرده اند که امام ابن حبان در بست زاده و بزرگ شده است و در این مورد قول مخالف وجود ندارد، و یقیناً تذکر رفته که موصوف در دهه هشتاد عمر گرامیش دارفانی را به داربقا وداع گفته است. بنابراین در سال دوصد و هفتاد و چند هجری قمری تولد یافته طوریکه امام ذهبی در «سیر أعلام النبلاء» گفته است.^{۳۸}

شیخ احمد شاکر از جمله علمای محقق در شرح حال علما و محدثین گفته که هیچ نص معتمد برای تاریخ دقیق میلاد امام ابن حبان نیافته است مگر همان روایتی

۳۶- «فتح الباب فی الکنی والألقاب» لابن منده (ص ۲۵۶).

۳۷- «المسالك والممالك» (ص ۲۴۲-۲۴۵).

۳۸- «سیر أعلام النبلاء» (۹۲/۱۶).

که تذکر می‌دهد که امام ابن حبان در نزدیک به هشتاد سالگی و یا نزدیک به آن وفات نموده است.^{۳۹}

اما ملاحظه‌ای که بر امام ذهبی وارد است این است که ایشان این روایت را به تأخیر شنیده اند، زیرا او طلب علم امام ابن حبان را در ابتداء سال (۳۰۰) هجری قمری ذکر داده^{۴۰}، دیدگاه علما اینست که امام ابن حبان طلب علم و سفرهای علمی ایشان را برای کسب علم قبل از تاریخی که امام ذهبی ذکر کرده اند آغاز نموده و این برای اینست که تطابق بین روایت امام ابن حبان از شیوخش که قبل از سال (۳۰۰) هجری قمری وفات نموده اند به میان آید و این موضوع را در هنگام پرداختن به سفرهای علمی امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ توضیح خواهیم داد.

دایره المعارف آریانا در صفحه ۲۱۰ جلد اول پیرامون شخصیت علامه امام محمد ابن حبان بستی رحمۃ اللہ علیہ چنین می‌نگارد: «ابوحاتم بستی: محمد فرزند حبان، نواسه احمد تمیمی و کواسه حبان بستی یکی از فقهای بزرگ و مشهور قرن چهارم هجری و محدث خوب بود که در بست ولایت هلمند می‌زیست. در جوانی غرض کسب و تحصیل علوم به عراق، خراسان، شام، مصر و جزیره شتافت. گفته می‌شود آنقدر به آموزش علوم علاقه داشت که از بست تا مصر نام هر عالم بزرگ را که می‌شنید یکبار به خدمتش حاضر شده و از نزد وی کسب علم می‌نمود».

یاقوت حموی می‌نویسد: «ابوحاتم بستی نزد اضافه‌تر از هشتاد مدرس و آموزگار درس فراگرفته، ولی باز هم قسمت اعظم فقه و حدیث را از عالم مشهور نیشاپور جناب ابوبکر بن محمد اسحاق بن خزیمه رحمۃ اللہ علیہ فراگرفته است که عالم بزرگ عصر خود شمرده می‌شد».

بعد از آموزش دست به تألیفات و تصنیف برد و در موضوعات مختلف آثار ارزشمند نوشت مانند: فقه، حدیث، طب، نجوم، تاریخ، جغرافیه، ادب و غیره که آوازه و شهرت علم و دانش او در سال (۳۲۴) هجری قمری تا فاصله‌های زیادی منتشر شد. مدت زیادی در نیشاپور به تدریس پرداخت که در عین زمان وظیفه قضا را هم

۳۹- حاشیه مقدمه تحقیق الشیخ شاکر لـ «الإحسان» (ص ۴۳).

۴۰- «میزان الاعتدال» (۹۸/۶).

به دوش داشت، ولی در اخیر نسبت حب وطن دوباره به بست (هلمند) برگشت تا اینکه شب جمعه تاریخ (۲۲) شوال در سال (۳۵۴) هجری قمری به عمر هشتاد سالگی وفات یافت. تاریخ بخارا که توسط ابوعبدالله غنجار نوشته شده است نیز تذکر می‌دهد که بعد از وفات در بست دفن گردید.

ابوحاتم بستی رحمته الله سی و سه عنوان کتاب نوشته است، گفته می‌شود که تمام کتب خود را در کتابخانه‌اش به دانشمندان و فضلاء وقف کرده و در وقت وفات وصیت نموده بود که هر کسی می‌تواند از تألیفات وی استفاده نماید به شرطی که کتاب را از کتابخانه بیرون نبرد، ولی وصیت او را به جا نیاورده اند، از همین سبب امروز یک تعداد آثار موصوف به دسترس قرار ندارد.^{۴۱}

دایرة المعارف آریانا به اساس قول یاقوت حموی تعداد اساتید علامه امام ابن حبان بستی را هشتاد مدرس و آموزگار و تعداد تألیفات وی را سی و سه عنوان کتاب نوشته و افزون بر آن از تاریخ تولدش چیزی نه نوشته است.

این در حالی است که مرکز البحوث و تقنیة المعلومات دارالتأسیل در ضمن کتاب (الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان) تألیف علامه الأُمیر علاء الدین بَلْبَانَ الفارسی متوفی سنه (۷۳۹ هـ) تعداد اساتید علامه امام ابن حبان بستی را بیشتر از دو صدتن دانسته و چنین می‌نگارد: «یا حصاء دارالتأسیل - مرکز البحوث و تقنیة المعلومات - لشیوخ الإمام ابن حبان الذین روی عنهم فی «الصحیح» تبیین أن عددهم (۲۰۰) مائتا شیخ».^{۴۲}

همچنان تعداد تألیفات علامه امام ابن حبان را شصت و پنج عنوان کتاب تحریر داشته است.^{۴۳}

امام ابوعبدالله شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی متوفی سنه (۷۴۸-۶۷۳ هـ) در کتاب خود (سیر أعلام النبلاء) تاریخ تولد علامه امام ابن حبان

۴۱- دایرة المعارف آریانا جلد اول صفحه ۲۱۰.

۴۲- الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان جلد اول صفحه ۴۶

بستی را (دو صد و هفتاد و چند) خوانده و چنین می‌نگارد: «ابن حبان الإمام العلامة، الحافظ المجدد شیخ خراسان، ابوحاتم، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد بن سهید بن هدیة بن مرة بن سعد بن یزید بن مرة بن زید بن عبدالله بن دارم، بن حنظلة بن مالک بن زید مناة بن تمیم التمیمی الدارمی البستی صاحب الكتب المشهورة. ولد سنة بضع وسبعین ومئتين».

محمد بن حبان بن احمد بن حبان، محدث، فقیه شافعی، مورخ و لغوی تمیمی بستی از ابوالاحمد اسحاق ابن ابراهیم و ابوالحسن محمد بن عبدالله بن جنید و دیگران مقدمات علوم را فراگرفت و سپس برای تکمیل دانش خود در (۳۰۰ ق. / ۹۱۳ م) به نیشاپور رفت و این، سرآغاز سفرهای علمی وی بوده است. در نیشاپور از ابوالعباس محمد بن اسحاق سراج و دیگران استماع حدیث کرد و در جست‌وجوی حدیث به بسیاری از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر، عراق، حجاز، شام و مصر سفر کرد و چنان‌که نوشته‌اند، مسافت طولانی و حوزه گسترده‌ای از شاش (چاق تاشکند کنونی) تا اسکندریه را پیمود. مشایخ او به گفته خود وی بیش از دو هزار تن بوده‌اند. در هرات از ابوبکر محمد بن عثمان دارمی، در ری از ابوالقاسم عباس بن فضل مقری، در بصره از ابوخلیفه فضل‌الله بن حباب جمحی، در بغداد از ابوالعباس حامد بن محمد بن شعیب بلخی، در مکه از ابوبکر محمد بن ابراهیم بن منذر نیشاپوری، در دمشق از ابوالحسن احمد بن عمیر بن جوصا، در بیروت از محمد بن عبدالله بن عبدالسلام بیروتی، در بیت‌المقدس از عبدالله بن محمد بن مسلم مقدسی و گروه بسیاری از دیگر فقیهان و محدثان این طبقه در شهرهای مختلف دیگری که در مسیر سفرهای وی قرار داشته، استماع حدیث کرده و دانش اندوخته که اسامی شهرها و شیوخ وی را یاقوت به تفصیل یاد کرده است. وی پس از سفری طولانی در (۳۳۴ هـ ق.) به نیشاپور رفت و جمع بسیاری از او نقل حدیث کرده‌اند. ابن حبان بار دیگر نیز در ۳۳۷ هـ ق. به نیشاپور رفت و در باب الرازیین خانقاهی بنا کرد و در آن‌جا کتب خویش را تدریس کرد.^{۴۴}

مراحل تحصیل و سفرهای علمی امام علیه السلام

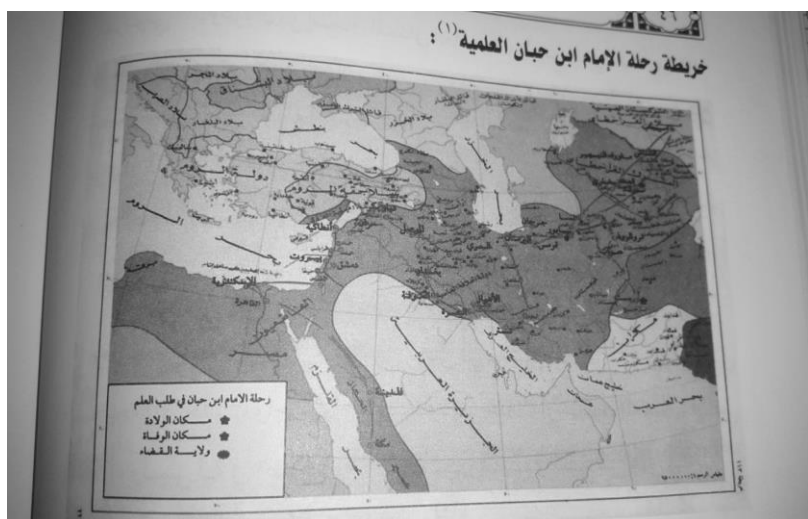
شاید سفرهای علمی و تلمیزی امام ابن حبان چنان که از امام ذهبی نقل کردیم در ابتدای سال (۳۰۰) هجری قمری آغاز یافته باشد. مقصود از سفرهای علمی امام ابن حبان همان زانوزدن به شاگردی و تلقی علم از شیوخش بوده است و این تاریخ را نزدیکترین تاریخ به وفات قدیمی‌ترین استاد امام ابن حبان، محمد بن محمود بن عدی النسائی می‌دانیم که امام ذهبی شرح حال آن را در کتاب تاریخ اسلام ذکر^{۴۵} و سال وفات آن را بین سال (۲۹۱ و ۳۰۰) هجری قمری ذکر نموده و سال معینی را برای وفات آن ثبت ننموده است.

این قول، همان رأی را تأیید می‌نماید که تذکر دادیم که ابتدا تلمیزی و شاگردی امام ابن حبان قبل از سال (۳۰۰) هجری قمری بوده است.

مهمترین مسئله در سفرهای علمی امام ابن حبان این بوده است که ایشان به تمام نقاط جهان اسلام که در آن عصر و زمان در آن مراکز علمی برای تلقی و اخذ علم وجود داشته است سفر نموده و برای همین هم امام ذهبی در تعلیقی نسبت به قول امام ابن حبان که بیشتر از دو هزار شیخ از (إسبجج تا اسکندریه) دیدار نموده نوشته است همت این گونه باید باشد.^{۴۶}

۴۵- (۲۹۲/۲۲).

۴۶- «سیر أعلام النبلاء» (۹۴/۱۶).



معلومات در مورد نقشه: «اعتمدنا ما ذكره ابن حبان في أماكن السماع، وما سرده ياقوت لبلدان رحلة ابن حبان العلمية؛ لنقدم وصفاً أقرب ما يكون لمسار تلك الرحلة المباركة، كما هو مبين بالصورة».

بنابر آنچه گفته آمد ابتدای سفرهای علمی امام ابن حبان از شهر بست در سجستان آغاز و با سفر به اقلیم‌های مختلف خراسان از جمله نیشاپور، هرات، نسا، ماورالنهر چون بخارا، سغد، مرو، جنوبا و غربا به واسط امتداد یافته و به شبه جزیره عربی، عراق، حجاز، شام و مصر ادامه پیدا کرده است.

مسلمانان از لابلای روایات سفرهای جناب‌عالی‌شان را به پایتخت کشورهای اسلامی به اساس ترتیب سفر کردن از مشرق به مغرب اختیار نمودیم و این اختیار به اساس بیان یاقوت حموی در مورد سفرهای علمی امام ابن حبان صورت گرفته است؛ زیرا که روایات یاقوت حموی به مثابه آغاز به آن کشور های محسوب می‌گردد.^{۴۷}

۴۷- ذكرت بعض المصادر التي اهتمت بشيوخ الإمام ابن حبان عددا من البلدان مأخوذة من أنساب بعض شيوخه فألحقت برحلته، ولا نرى ذلك مسلکا علميا، خاصة وأن الإمام ابن حبان كان كثيرا ما يسجل مكان السماع في رواياته. وتسجيله لمكان السماع هكذا يعد سجلا لمراحل تلك الرحلة، دون الاعتماد على مجرد أنساب شيوخه. بحواله الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان جلد اول ص ۲۱.

کشورهایی که امام ابن حبان رحمه الله

غرض کسب علم به آن‌ها سیر و سفر نموده است

سیر و سفر برای استماع و روایت حدیث از مدت‌ها قبل از تدوین کتب احادیث آغاز گشته، و در تمام مراحل سیر تکاملی تدوین حدیث ادامه یافته است، و به ویژه در آن سال‌هایی که تدوین کتب حدیث به شیوه‌های گوناگون سیل آسا جریان یافته بود، و سیر و سفر نیز از دیار دور و نزدیک به مدینه «دارالسنة»^{۴۸} و به بصره و کوفه و بغداد و غیره آغاز گردید، البته این سیر و سفر قبلاً در قرن اول هجری آغاز شده بود و صحابی بزرگوار ابوالدرداء رضی الله عنه می‌گفت: اگر فهم آیه‌ای از آیه‌های خدا برای من مشکل می‌شد و برای حل آن جز مردی که در برک الغمام^{۴۹} (پنج روز راه دور از مدینه) منزل کرده کس دیگری را پیدا نکنم، شخصاً به نزد آن مرد سفر می‌کنم.

همچنین صحابی بزرگوار و بسیار با علم جابر بن عبدالله رضی الله عنه شتری را خرید و او را از وسایل سفر بار کرد و سوار بر آن شتر یک ماه راه رفت و به شام رسید، تا در مورد حدیث قصاص از عبدالله بن (أنیس) سؤال کند، و سیر و سفر به مناطق بسیار دور برای استماع یک حدیث متداول بود و سعید بن مسیب رضی الله عنه گفته است: «من برای استماع و روایت حدیثی از کسی گاهی شبها روزها راه رفته‌ام». و ابوقلابه گفته است: «مدت سه روز در مدینه باقی ماندم و کاری نداشتم جز اینکه حدیثی که در نزد مردی بود که به سفر رفته بود آن حدیث را از او استماع و روایت کنم».

همین تشنگی مفراط نسبت به استماع و گردآوری احادیث موجب گردید که احمد بن حنبل رحمه الله از بغداد به مکه مکرمه و مدینه منوره و بصره و کوفه و یمن سفر کرد و با استماع و اخذ احادیث از سفیان بن عیینه و اسحاق بن راهویه و ابوداؤد طیالسی و امام شافعی و علی بن مدینی و.. و به گفته ابوزرعۀ روایات خود را به یک میلیون رسانید.

۴۸- تاریخ طبری، ص ۱۸۲۰ به نقل صبحی، ص ۴۲ بحواله کتاب تاریخ حدیث ص ۸۰.

۴۹- معجم البلدان یاقوت حموی، ج ۱، صص ۵۹۰ و ۵۸۹ بحواله تاریخ حدیث ۸۰.

همچنین امام بخاری رحمۃ اللہ علیہ در سال ۲۱۰ در سن شانزده سالگی به خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر و نیشابور برای استماع و روایت احادیث سفر کرد و در نتیجه، روایت‌های خود را به ششصد هزار حدیث رسانید.

همچنان امام مسلم محدث نیز در حوالی سال های ۲۲۴ برای استماع و روایت احادیث از نیشاپور راهی عراق و حجاز و شام و مصر و... گردید و در نتیجه روایت‌های خود را به سیصد هزار حدیث رساند.

هكذا عبدان یعنی احمد بن موسی جوالیقی هجده مرتبه به بصره مسافرت کرد تا آنچه اهل این شهر از سنن که فقط ابو ایوب سجستانی آن‌ها را جمع‌آوری کرده است گردآوری نماید.^{۵۰}

همچنان امام محمد بن حبان بستی هلمندی بیشتر به (۷۰) قراء، قصبات، شهرها و کشورهای متعدد را جهت استماع، اخذ، و روایات احادیث نبوی شریف سیر و سفر نموده است که تعدادی از آن‌ها ذیلا تقدیم می‌گردد:

بست

این شهر چنانکه ذکر کردیم زادگاه امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ بوده و مربوط به اقلیم سجستان می‌باشد، امام مراحل اولی کسب علم را نزدیک اساتید اش در بست گذارنیده و از شیوخش در بست از امثال: أبوالحسن محمد بن عبدالله بن جنید متوفی سال (۳۰۴) هجری قمری روایت نموده و در مورد آن گفته اند: «از او نسخه‌های خوبی را نوشتم و ایشان در سال (۳۰۴ و یا ۳۰۳) وفات کرده و ایشان شیخ صالحی بودند»^{۵۱}. شیخ أبوالحسن از قدیم‌ترین اساتید امام ابن حبان ذکر گردیده که امام از ایشان روایت کرده است. امام ابن حبان در کتاب صحیح خویش از این عالم جلیل القدر نود و هشت حدیث روایت نموده اند.

۵۰- تاریخ حدیث ص ۸۱-۸۳

۵۱- «التقات» (۱۵۵/۹).

از جمله شیوخ دیگر امام ابن حبان، أبو محمد إسحاق ابن إبراهيم القاضي متوفی سال (۳۰۷) هجری قمری بوده که امام ابن حبان در مورد آن چنین گفته است: «ایشان یکی از نخبگانه محدثین و از عقلای پرهیزگار بودند». ^{۵۲}

او از جمله شیوخ بوده است که امام ابن حبان در بست زانوی شاگردی نزد او زده و از او آموخته است. امام ابن حبان از ایشان در صحیح خویش **هفتاد حدیث** را روایت نموده است.

سجستان

امام ابن حبان در سجستان از أحمد بن محمد بن الأَزهَر بن حریث السجزی متوفی سال (۳۱۲) هجری قمری و از عبدالله بن سلیمان بن الأشعث أبوبکر بن أبو داود السجستانی متوفی (۳۱۶) هجری قمری دروشش را فرا گرفته و از ایشان در صحیح خویش **شش حدیث** را روایت نموده است.

خراسان

شهر نسا

چنین معلوم می‌شود که سفرهای علمی امام ابن حبان به شهرهای مختلف خراسان نسبت به سایر شهرها اقدام و پیش‌تر بوده است و این به خاطر مجاورت آن شهرها با شهر بست بوده است؛ این طرز تلقی با آنچه قبلاً در ترتیب سفرهای علمی امام ابن حبان رحمه الله ذکر نمودیم تطابق می‌نماید که آغاز کسب علم امام ابن حبان حوالی سال سه صد هجری قمری صورت پذیرفته است.

اما سفر به شهر نسا از جمله ایستگاه‌هایی بوده که امام در همان مراحل ابتدا از آن دیدار نموده است، زیرا محمد بن محمود بن عدی در آنجا می‌زیسته، بن عدی را امام ذهبی ترجیح داده که وفاتش در ابتدای سال (۳۰۰) هجری قمری بوده است. فلهمذا بن عدی از روی وفات قدیم‌ترین شیوخی محسوب می‌گردد^{۵۳} که امام ابن حبان از آن روایت نموده و در بسیاری جاها از این عالم جلیل القدر تصریح به سماعش کرده است و امام ابن حبان از این استاد خود در صحیح خویش یازده حدیث را روایت نموده است.^{۵۴}

همچنان الحافظ الحسن ابن سفیان صاحب کتاب (المسند) متوفی سال (۳۰۳) هجری قمری از جمله علمایی بوده است که امام ابن حبان در صحیح خویش به کثرت از وی روایت نموده و تعداد احادیث روایت شده از وی به هشتصد و سی و چهار حدیث می‌رسد. امام ابن حبان در مورد او گفته است: «وی در قریه اش (بالوز) در ماه مبارک رمضان وفات و در همانجا دفن گریده»، و امام ابن حبان رحمه الله در دفنش نیز حضور یافته است.^{۵۵}

۵۳- تقدم بيا هذا قريبا عندالكلام على طلبه للعلم ورحلاته العلمية.

۵۴- «المجروحين» (۴۷۶/۱)، (۳۶۱/۲).

۵۵- «تاريخ الإسلام» (۱۱۶/۳۳) بحواله الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان جلد اول صفحه ۲۲.

حافظ محمد بن أحمد بن أبی عون الریانی متوفی سال (۳۱۳) هجری قمری نیز از جمله اساتید امام ابن حبان بوده است، امام ابن حبان در مورد او گفته است: «او در یک شبانه‌روز دو بار قرآن کریم را ختم می‌نمود». ^{۵۶} امام ابن حبان از ایشان در صحیح خویش نود و نه حدیث را روایت نموده اند.

محمد بن عمر بن محمد بن یوسف از جمله اساتید امام ابن حبان بوده و از ایشان در صحیح خویش پنجاه و سه حدیث را روایت نموده اند.

هرات

همچنان اکثراً در بسیاری از مواضع تصریح گردیده که امام ابن حبان بستی در هرات از شیوخ بسیاری کسب علم نموده، و قدیم‌ترین شیخی که امام ابن حبان از آن در دیار هرات علم آموخته است، أبو عبدالله محمد بن عبدالرحمن السامی بود که بنابر ارجح اقوال متوفی ذی القعدة سال (۳۰۱) هجری قمری می‌باشند. وی یکی از شخصیت‌های بلند مرتبه و کبار ائمه و ثقات محدثین بوده. ^{۵۷} امام ابن حبان از وی در صحیح خویش یکصد و ده حدیث روایت کرده است.

حافظ الحسین بن إدريس أبوعلى الخرمی، متوفی سال (۳۰۱) هجری قمری نیز از جمله اساتید امام ابن حبان بستی بوده و امام ابن حبان بستی از وی در صحیح خویش یکصد و چهل و چهار حدیث روایت کرده است.

أبوبکر محمد بن عثمان بن سعید الدارمی، متوفی سال (۳۰۳) هجری قمری و این شخصیت عالی مقام فرزند (الدارمی الإمام) می باشد که امام ابن حبان بستی در مورد شخصیت این عالی مقام می‌فرمایند: «ایشان یکی از ائمه والا مقام جهان بوده» ^{۵۸} و از موصوف در صحیح ابن حبان یک حدیث روایت شده است.

همچنان امام ابن حبان بستی در هرات از تعدادی مشایخی که مشهور و معروف نبودند، نیز علم آموخته و روایت کرده است مانند: نصر بن محمد بن المبارک،

۵۶- حدیث (۴۶۵۰).

۵۷- «تاریخ الإسلام» (۷۹/۲۳).

۵۸- «التقات» (۴۵۵/۸) و «تاریخ الإسلام» (۱۲۷/۲۳).

شخصیتی که امام ابن حبان بستی آن را به زهد و عابد بودن توصیف نموده و تذکر داده است که از وی در دیار هرات نیز کسب علم نموده اند.^{۵۹} امام ابن حبان در صحیح خویش از آن بیست حدیث را روایت کرده است.

افزون بر او، امام ابن حبان در دیار هرات از أحمد بن سعید الباشانی استماع نموده^{۶۰} و با مأمون بن أحمد السلمی شخصی که امام ابن حبان بستی وی را از جمله مجروحین ذکر نموده است ملاقی شده است.^{۶۱}

و همچنان در آن دیار از محمد بن معاذ بن فره و گفته شده (فرح) أبوجعفر الهروی المالینی^{۶۲} متوفی سال (۳۱۶) هجری قمری نیز استماع نموده است.

قهستان و یا قوهستان

امام ابن حبان در این شهر از حافظ محمد بن جمعه بن خلف أبا قریش الأصم القهستانی استماع حدیث نموده و از او در صحیح خویش شش حدیث را روایت کرده است.

طبرستان

امام ابن حبان بستی در صحیح خویش تذکر داده که^{۶۳} در یکی از قریه‌های این شهر به اخذ حدیث تصریح نموده و این قریه را به اسم (ساریه) قلم داد کرده و فرموده که در این قریه از ابراهیم بن علی الفزاری استماع نموده و صرف یک حدیث را در صحیح خویش روایت کرده است.

سرخس

سرخس شهر بزرگی است که امام ابن حبان بستی در این شهر از تعدادی زیادی شیوخ علم کسب نموده است منجمله: خلف بن حنظله الضبعی، و امام ابن

۵۹- حدیث (۸۹۳)، (۳۴۶۴).

۶۰- (باشان) إحدى قرى هراء، واليه ينسب. وينظر: «الثقات» للمصنف (۱۹۳/۸)، «الأنساب» للسمعاني (۳۷/۲).

۶۱- فی «المجروحین» (۴۵/۳).

۶۲- نسبة إلى (مالين) وهى إحدى قرى هراء. وينظر: «الأنساب» للسمعاني (۵۴/۱۲)، «تاریخ الإسلام» (۵۲۴/۲۳).

۶۳- حدیث (۱۸۶۱).

حبان در صحیح خویش از این شخصیت یک حدیث، و از الحافظ محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالعباس الدغولی، شخصیتی که امام ابن حبان بستی از آن بنام عالم وحید وقتش یاد نموده^{۶۴} و از این عالم جلیل القدر سی و هفت حدیث را روایت نموده است.

أَذْنُهُ

امام ابن حبان بستی در این شهر از محمد بن عَلَّانْ أَبَا بَكْرٍ الْأَذْنِيكِيه علان لقب پدر این عالم می‌باشد یعنی علی بن أحمد بن داود استماع حدیث کرده و امام ابن حبان بستی در جاهای متعددی صحیح خود^{۶۵} از این شخصیت روایت نموده و تعداد آن به ده حدیث می‌رسد.

جرجان

امام ابن حبان بستی در این شهر از عمران بن موسی بن مجاشع السخثیانی متوفی سال (۳۰۵) هجری قمری^{۶۶} استماع حدیث کرده و امام ابن حبان بستی از این عالم جلیل القدر در صحیح خویش دوصد و سی و شش حدیث را روایت کرده است.

همچنان در این شهر از أحمد بن محمد بن عبدالکریم ابی محمد الوزان الیهودی (یهودی بخاطر این گفته شده که خانه این شخص در جوار خانه یهودی قرار داشت)^{۶۷} و از جرجانی متوفی سال (۳۰۷) هجری قمری^{۶۸} در صحیح خویش دو حدیث را روایت و از محمد بن العباس الدمشقی الخياط^{۶۹} همچنان دو حدیث را روایت کرده است و از عبدالرحمن بن عبدالمؤمن متوفی سال (۳۰۹) هجری قمری^{۷۰} یک حدیث را روایت

۶۴- حدیث (۷۰۵۹).

۶۵- حدیث (۱۳۷۵).

۶۶- حدیث (۳۱۹۷) و «تاریخ الإسلام» (۱۶۵/۲۳).

۶۷- قال السمعاني: «قیل له هذا؛ لأن منزله كان بباب اليهود بإزاء أربعة أبار». «الأنساب» (۴۳۷/۱۲).

۶۸- «تاریخ الإسلام» (۲۰۲/۲۳).

۶۹- «المجروحین» (۳۰/۲) و «تاریخ الإسلام» (۲۷۳/۲۲).

۷۰- «تاریخ الإسلام» (۲۵۶/۲۳).

و از عبدالملک بن محمد بن عدی ابی نعیم الفقیه الإسترآبادی، متوفی سال (۳۲۲) هجری قمری^{۷۱} یک حدیث را و از أحمد بن محمد بن الحسن ابی بکر البلخی، متوفی سال (۳۱۴) هجری قمری^{۷۲} و از علی بن أحمد بن علی بن عمران الوراق، متوفی سال (۳۱۱) هجری قمری^{۷۳} هفت حدیث را روایت کرده است.

نیشاپور

نشاپور یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمی در زمان سفرهای علمی امام ابن حبان محسوب می‌شود، امام در سفرش در این شهر بزرگ و تاریخی از امام الاثمه محمد بن اسحاق بن خزیمه حدیث را فرا گرفته، و بر اثر ملازمت با وی از ایشان متأثر گردیده است.^{۷۴}

یاقوت حموی می‌گوید: «امام ابن حبان فقه الحدیث و علم الفرائض را با تمام اقسامش بر اثر ملازمت و تلمیذی از امام الاثمه ابو بکر ابن خزیمه فرا گرفته است».^{۷۵} و همچنان امام ابن حبان از ابوبکر ابن خزیمه در روش فقهی بر مذهب امام شافعی تابعیت نموده است بناء امام ابن حبان از جمله فقهای شافعی محسوب می‌گردد، زیرا عده‌ای از علما مانند ابن الصلاح،^{۷۶} ابن کثیر^{۷۷} و السبکی^{۷۸} و امثالهم که در طبقات امام شافعی تصنیف و تألیف داشتند از امام ابن حبان بستی در آن تذکر و تعریف نموده اند.

۷۱- «تاریخ الإسلام» (۱۲۱/۲۴).

۷۲- «المجروحین» (۲۱۸/۱).

۷۳- «تاریخ الإسلام» (۴۱۹/۲۳).

۷۴- ومع ذلك فإن الإمام ابن حبان لم يخرج له فی «الصحيح» إلا ثلاثمائة وخمسة عشر حديثاً.

۷۵- "معجم البلدان" (۴۱۵/۱).

۷۶- «طبقات الفقهاء الشافعية» (۱۱۵/۱).

۷۷- «طبقات الشافعين» (ص ۲۹۰).

۷۸- «طبقات الشافعية الكبرى» (۱۳۱/۳).

امام سبکی از ابن حبان نقل قول می‌نماید: «من در روی زمین کسی را مانند ابن خزیمه که در فن حدیث شناسی، حفظ الفاظ صحاح که توأم با زیادات آن مهارت داشته باشد ندیده‌ام، حتی گویا که تمام سنن در پیش چشمانش قرار داشت؛ مگر محمد ابن إسحاق فقط».^{۷۹}

از بزرگان نیشاپور که امام ابن حبان از آنان حدیث اخذ نموده اند، اشخاص ذیل می‌باشد: الحافظ ابو محمد عبدالله بن محمد ابن شیرویه متوفی سنه (۳۰۵هـ)،^{۸۰} و امام ابن حبان در صحیح خود بیشترین روایت را از این عالم بزرگوار روایت نموده است.^{۸۱} بنابر این اولین آمدن امام ابن حبان به نیشاپور از تاریخ مذکور (۳۰۵) پیشتر بوده است و آن تاریخ وفات شیخ ایشان (علی بن سعد العسکری) که در نیشاپور صورت پذیرفته و ابن حبان در صحیح خویش از آن یک حدیث را روایت کرده است قابل اعتماد نمی‌باشد، زیرا که در تاریخ وفات‌شان اختلاف وجود دارد، مگر قول راجح اینست که تاریخ وفات شیخ سعد العسکری از آن مؤخر صورت پذیرفته است.^{۸۲} همچنان ایشان در نیشاپور از الحافظ محمد بن إسحاق أبی العباس الثقفی السراج متوفی سال (۳۱۳) هجری قمری، سماع حدیث نموده اند و از آن در صحیح خویش (۱۷۷) حدیث را روایت نموده است.

محمد آباد: (قریه‌ای است در مدخل نیشاپور)

امام ابن حبان در این قریه از أحمد بن عمر بن یزید أبی علی محمد آبادی نیشاپوری اخذ حدیث نموده و در صحیح خویش از ایشان یک حدیث را روایت نموده است.

أرغیان: (شهر بزرگی است در نواحی نیشاپور)

امام ابن حبان در این قریه از محمد بن المسیب بن إسحاق أبی عبدالله الأرغیانی در قریه سَبَنَج که یکی از قریه‌های این شهر می‌باشد اخذ حدیث نموده و

۷۹- «طبقات الشافعیة الكبرى» (۱۱۸/۳).

۸۰- کذا ذکر الحاکم أنه سمع ابن شیرویه بنیساپور. وینظر: «تاریخ دمشق» (۲۵۱/۵۲).

۸۱- له فیہ أربعمائه وخمسۀ وسبعون حدیثا.

۸۲- «مختصر تاریخ نیساپور» (ص ۵۰).

ایشان در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر سیزده حدیث را روایت کرده است. و از محمد بن مسرور بن سیار الأَرغیانی نیز سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش یک حدیث را روایت کرده است.

أسفرائین

این قریه از جمله نواحی نیشاپور محسوب می‌گردد که تعداد زیادی حفاظ در آن حضور داشتند، و امام ابن حبان داخل این قریه شده و از بدل بن الحسین بن بحر الخضرانی الأسفرائینی سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش یک حدیث را روایت نموده است.

همچنان ایشان در این قریه از أبی عوانة یعقوب بن إسحاق بن إبراهیم الأسفرائینی که حافظ مشهور و متوفی سال (۳۱۶ هـ) می‌باشد سماع حدیث نموده است^{۸۳}، و از عبدالله بن الحارث بن حفص بن الحارث، که وی یکی از واضعین حدیث بوده که امام ابن حبان از وی در (المجروحین) تذکر داده است و گفته شده که ایشان از وی در قریه‌ای که بنام (بوزانه) مسمی بوده سماع حدیث نموده است.^{۸۴}

اهواز

امام ابن حبان در این شهر از محمد بن یعقوب اهوازی الخطیب سماع حدیث نموده و ایشان از این عالم جلیل القدر در صحیح خویش پنج حدیث را روایت نموده است. و همچنان ایشان در این شهر از أحمد بن عیسی المقرئ سماع حدیث نموده است.^{۸۵}

عسکر مکرّم (قریه‌ای است نزدیک بصره که منسوب به اقلیم اهواز می‌گردد):

امام ابن حبان در این قریه از عبدالله بن أحمد بن موسی أبی محمد اهوازی الجوالیقی المعروف به عبدان متوفی سال (۳۰۶ هـ)^{۸۶} سماع حدیث نموده است و

۸۳- «تاریخ الإسلام» (۵۲۵/۲۳)

۸۴- «المجروحین» (۴۷/۲).

۸۵- «المجروحین» (۲۹۶/۲).

۸۶- «تاریخ الإسلام» (۱۸۸/۲۳).

ایشان در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر هفتاد و شش حدیث را روایت نموده و امام ابن حبان از وی چنین توصیف کرده است: «کان عسرا نکدا»، یعنی بخیل و قلیل الخیر بود.^{۸۷} و سفر به طرف ایشان چنان بود که قول امام الذهبی آن را واضح می‌سازد: امام ابن حبان رخت سفر به طرف عسکر مکرم بست.^{۸۸} و همچنان در این قریه از حسن بن علی بن خلف ابی علی الصیدلانی سماع حدیث نموده است.^{۸۹}

تستر

این شهر از جمله بزرگترین شهرهای این اقلیم محسوب می‌گردد و امام ابن حبان در این شهر از ابی جعفر أحمد بن یحیی بن زهیر الحافظ متوفی سال (۳۱۰ هـ) ^{۹۰} اخذ حدیث نموده و در مورد ایشان چنین فرموده است: جلیل القدر ترین شخص بود که من دیدم و همچنان امام ابن حبان از بعضی مشایخ غیر مشهور این شهر نیز اخذ حدیث نموده است و از ایشان خبرها و اثرها را در «الروضة» نقل نموده است.^{۹۱}

جندیسابور

امام ابن حبان در این شهر از ضحاک بن هارون الجندیسابوری سماع حدیث نموده و ایشان از این عالم جلیل القدر در «الثقات» و «المجروحین» روایت نموده است.^{۹۲}

ری

امام ابن حبان در این شهر از أحمد بن جعفر بن نصر ابی العباس الرازی، متوفی سال (۳۱۴ هـ) ^{۹۳}، و از أحمد بن محمد بن یحیی الشحام، متوفی سال (۳۱۷ هـ) سماع حدیث نموده است و ایشان از این عالم جلیل القدر یک حدیث را روایت نموده

۸۷- حدیث (۶۱۶۳).

۸۸- «سیر أعلام النبلاء» (۱۶۹/۱۴).

۸۹- «المجروحین» (۳۲۱/۱).

۹۰- له فی «صحیح ابن حبان» ثلاثة وسبعون حدیثا.

۹۱- «روضة العقلاء» (ص ۱۶۴، ۲۲۳).

۹۲- «الثقات» (۴۹۵/۸). و «المجروحین» (۱/۱۳۰، ۸۷، ۷۶، ۴۰، ۲/۲۱۱).

۹۳- «تاریخ الإسلام» (۴۷۲، ۶۲۲/۲۳).

است. و از ابی القاسم العباس بن الفضل بن شاذان بن عیسی المقرئ، متوفی سال (۳۱۱ هـ) نیز سماع حدیث نموده و امام ابن حبان در صحیح خویش از این دانشمند دو حدیث را و از عبدالرحمن بن محمد بن حماد ابی العباس الطهرانی^{۹۴} یک حدیث را و از حافظ عبدالرحمن بن محمد بن إدريس ابن أبی حاتم الرازی صاحب کتاب (الجرح والتعديل)، متوفی سال (۳۲۷ هـ) و از علی بن حسن بن سلم الأصفهانی، متوفی سال (۳۰۹ هـ) دوازده حدیث را و از محمد بن أحمد بن حماد ابی بشر الدولابی، متوفی سال (۳۱۰ هـ)^{۹۵} و از ابی بکر محمد بن جعفر بن نصر بن عون الکرخی و ایشان در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر یک حدیث را و از محمد بن داود بن یزید بن حازم ابی بکر الرازی و از مهران بن هارون بن علی ابی حسن الرازی نیز سماع حدیث نموده است.

خوار الری

امام ابن حبان در این شهر از آدم بن موسی أبا علی الخواری، متوفی سال (۳۰۵ هـ)^{۹۶} سماع حدیث نموده و در صحیحش بجز یک حدیث از این دانشمند؛ دیگر حدیث روایت نکرده است.

۹۴- نسبة إلى (طهران) إحدى قرى الری. "المعجم البلدان" (۵۲/۴).

۹۵- ذکر ابن حبان فیمن روی عن الدولابی فی ترجمته من «سیر الأعلام» (۳۰۹/۱۴).

۹۶- حدیث: (۵۹۷۱).

دیار عراق و الجزیره

این شهر دومین شهر مهمی است که امام ابن حبان به غرض کسب فیض علوم به این شهر رحل سفر بست، چون عراق یکی از شهرهای بزرگ الجزیره محسوب شده و تمام دانشجویان در آن زمان از شرق و غرب گیتی جهت کسب علم این جا حضور بهم می‌رساندند. و قرای واسط، بغداد، الموصل، دیاربکر و مضر و قریه‌های مانند آمد اسم قریه است و غیر اینها داخل همین اقلیم بوده است، و ما این قریه‌ها را بدون کدام تفکیک به خاطر اینکه تداخل مشایخ و سماع ایشان در این شهر بدون فریب خوردن به انساب شیوخ امام ابن حبان تذکر داده‌ایم.

ابله

امام ابن حبان در این شهر از ابی یعلی محمد بن زهیر القاضی، متوفی سال (۳۱۸ هـ) اخذ حدیث نموده و ایشان از این عالم جلیل القدر در صحیح خویش ده حدیث را، و از حسین بن أحمد بن بسطام الزعفرانی **شانزده حدیث** را و از عبدالرحمن بن زیاد ابی مسعود الکنانی **دو حدیث** را روایت نموده است.

بصره

امام ابن حبان در بصره از افراد ذیل سماع حدیث نموده است که مهمترین‌شان قرار ذیل است: ابوخلیفه فضل بن الحباب الجمحی، متوفی سنه (۳۰۵ هـ) که این یکی از شیوخ قدیمی وی محسوب می‌شود،^{۹۷} و این یکی از افرادی است که امام بیشترین روایت را از این عالم جلیل القدر در صحیح خویش روایت نموده اند.^{۹۸} و از ابراهیم بن محمد بن عباد غزالی السلیمی، و از احمد بن سعید العابد، و از احمد بن عبید الله بن یوسف ابو العباس الجبیری البصری، نیز سماع حدیث نموده است.

۹۷- «سیر أعلام النبلاء» (۹۳/۱۶).

۹۸- له فيه سبعمائۀ وأربعۀ وأربعون حدیثا.

عبادان^{۹۹}

امام ابن حبان در این شهر از أحمد بن حمدان بن موسی أبو سعید الخلال التستری سماع حدیث نموده و در صحیح خویش از ایشان چهار حدیث را، و از عبدالجلیل بن مروان العبادانی نیز سماع نموده است.^{۱۰۰}

موصل

امام ابن حبان مشهورترین کسی که در این شهر از وی حدیث را فرا گرفته است حافظ ابو یعلی احمد بن علی بن المثنی الموصلی، متوفی سنه (۳۰۷ هـ)، صاحب کتاب (المسند) و یکی از ثقات و اثبات در حدیث محسوب شده که امام ابن حبان در صحیح خود بیشترین روایت‌اش را مطلقاً از همین عالم جلیل القدر روایت نموده است.^{۱۰۱}

و امام ابن حبان در مورد موصوف در کتاب (الثقات) چنان تعریف می‌نماید: «ایشان از جمله متقنین علماء در روایات و از جمله مواظبین علماء در رعایت الدین و اسباب طاعات بودند».^{۱۰۲}

همچنان امام ابن حبان از أبو إسحاق إبراهيم بن علی بن إبراهيم بن محمد بن عبدالعزیز العمری، متوفی سال (۳۰۶ هـ) اخذ حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش هفت حدیث را روایت نموده است.

بلد (یکی از قریه‌های موصل است)

امام ابن حبان در این شهر از هارون بن سکین البلدی، و از أبو جابر زید بن علی بن عبدالعزیز بن حیان و از إبراهيم بن عبدالواحد المعصوب، و از إسحاق بن عبدالله البلدی روایت کرده است.

۹۹- بتشديد الباء، من نواحي البصرة، «معجم البلدان» (۷۴/۴).

۱۰۰- ذكره سماعه منه في «الثقات» (۱۷۸/۸) في ترجمه الحسن بن عمران بن ميسرة.

۱۰۱- له فيه ألف ومائة وثمانون حديثا.

۱۰۲- «الثقات» (۵۵/۸).

واسط

امام ابن حبان در این شهر از بسیاری مشایخ اخذ حدیث کرده منجمله: أبو محمد جعفر بن أحمد بن سنان القطان، متوفی سال (۳۰۷ هـ) و در صحیح خویش از ایشان نزده حدیث را روایت نموده و از أحمد بن عیسی بن الکسین بن عیسی بن فیروز، متوفی سال (۳۲۳ هـ) اخذ حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش شش حدیث روایت کرده و در مورد این عالم جلیل القدر چنین فرموده است: «حدیث را حفظ و مذاکره می‌کرد»،^{۱۰۳} و از علی بن عبدالله بن مبشر بن دینار أبو الحسن الواسطی، متوفی سال (۳۲۵ هـ)^{۱۰۴} و از أحمد بن عمرو بن عثمان أبو عبیدالله نیز سماع حدیث نموده و از وی در صحیح خویش یک حدیث را روایت نموده، و از أحمد بن محمد الجوازی، و از إسحاق بن ایوب بن حسان الواسطی، و از ایوب بن محمد بن هاشم أبو هاشم الواسطی، و از شباب بن صالح أبو الحسن البزاز الواسطی و از ایشان در صحیح خویش پانزده حدیث را روایت نمود است و از أبوبکر محمد بن احمد بن سلیمان ابن أبی شیخ واسطی و از ایشان دو حدیث را روایت نموده و از محمد بن اسحاق بن حبیب الواسطی و از محمد بن عبدان أبو جعفر الأزرق واسطی المعروف به زرقان و از محمد بن محمد بن سلیمان بن الحارث أبوبکر الأزدی نیز روایت نموده است.

فم الصلح (از جمله نواحی قریه واسط است)

امام ابن حبان در این شهر از حسن بن محمد بن أسد سماع نموده و از وی در صحیح خویش یک حدیث روایت کرده و از عبدالله بن محمد بن قحطبه بن مرزوق الصلحی نیز سماع حدیث کرده و از ایشان در صحیح خویش شصت حدیث را روایت نموده است.

نهر سابس در دجله (قریه‌ای است نزدیک واسط)

امام ابن حبان در این قریه از خالد بن محمد بن خالد الواسطی^{۱۰۵} بجز یک حدیث، دیگر در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر روایت ننموده است.

۱۰۳- حدیث (۱۳۰۸).

۱۰۴- «اللقات» (۱۶۳/۸)، «المجروحین» (۴۰/۳).

۱۰۵- حدیث (۴۶۳۱).

سامرا

امام ابن حبان در این شهر بخصوص در منطقه عسکر سامرا از علی بن ساعد ابوالحسن و عسکری اخذ حدیث نموده^{۱۰۶} و امام ابن حبان از این عالم در صحیح خویش صرف یک حدیث روایت نموده چنانکه قبلاً گذشت.

جرجرایا

امام ابن حبان در این شهر از حسین بن محمد بن خالد جرجرائی^{۱۰۷} سماع نموده است.

بغداد

اما بغداد^{۱۰۸} از محدود شهرهایی است که امام ابن حبان حین سفر به آن به حد وافر از بسیاری شیوخ و بزرگان آن دیار حدیث روایت نموده است و از جمله برجسته‌ترین و مشهورترین آن‌ها: أبوعبدالله احمد بن الحسن بن عبد الجبار الصوفی الکبیر، متوفی سنه (۳۰۶ هـ)^{۱۰۹} و از محمد بن طاهر بن خالد بن أبی الدمیک، متوفی سنه (۳۰۵ هـ) می‌باشد که امام ابن حبان^{۱۱۰} از این دانشمند در صحیح خویش فقط چهار حدیث را روایت نموده است، و از احمد بن سلمان بن الحسن ابوبکر النجاد الفقیه البغدادی، متوفی سنه (۳۴۸ هـ)، و از احمد بن محمد بن مکرم ابوالحسن البرتی که امام ابن حبان از این دانشمند شش حدیث را در صحیح خویش روایت نموده و از عبدالله بن سلیمان بن الأشعث أبوبکر بن ابی داوود السجستانی، و از حافظ بن الحافظ متوفی سنه (۳۱۶ هـ) که امام ابن حبان از وی در صحیح خویش شش حدیث را روایت نموده است چنانچه گذشت، و از محمد بن محمد بن

۱۰۶- معجم البلدان (۴۱۶/۱).

۱۰۷- المجروحین (۲۲۳/۱).

۱۰۸- دخل ابن حبان بغداد وسمع بها، إلا أننا لم نجد له ترجمه فی مطبوعه «تاریخ بغداد» للخطیب، رغم ما ينقل من كلام للخطیب عنه؛ ما يدل أنه ترجم له. وقد قال الشيخ شاکر رحمه الله عن تلك الترجمة بهامش تحقیق «الإحسان» (ص ۵۴): «الظاهر أنها سقطت من النسخ المخطوطة التي طبع عنها «تاریخ بغداد».

۱۰۹- له فی «صحیح ابن حبان» ثلاثة وسبعون حدیثا.

۱۱۰- «تاریخ الإسلام» (۱۷۲/۲۳).

سلیمان ابوبکر الأزدی ابن الباغندی متوفی (۳۱۲ هـ)، و از هیثم بن خلف بن محمد ابو محمد الدوری، متوفی سنه (۳۰۷ هـ) نیز سماع حدیث کرده و امام ابن حبان در صحیح خویش از این دانشمند پنج حدیث را روایت نموده است، و از عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن ابو محمد القرشی السامی ابوصخره الکاتب، متوفی سنه (۳۱۰ هـ) نیز سماع حدیث کرده و امام از این عالم جلیل القدر دو حدیث را در صحیح خویش روایت نموده و همچنان از ثابت بن اسماعیل بن اسحاق الکرخی^{۱۱۱} صرف یک حدیث روایت نموده است.

عکبرا

امام ابن حبان در این شهر از محمد بن صالح بنذریح العکبری، متوفی سال (۳۰۷ هـ) اخذ حدیث نموده، غیر این نیز گفته شده است^{۱۱۲} و امام ابن حبان در صحیح خویش از این دانشمند پانزده حدیث را روایت نمود است.

کوفه

امام ابن حبان در این سرزمین صرف از ابو محمد عبدالله بن زیدان البجلی متوفی سنه (۳۱۳ هـ)^{۱۱۳} حدیث روایت نموده است.

۱۱۱- حدیث (۴۹۶۷) و حیث ذکر ابن حبان آن روایت عنه ببغداد کانت عند قبر معروف الکرخی.

۱۱۲- تنظر ترجمته فی: «تاریخ بغداد» (۳/۳۳۴).

۱۱۳- «معجم البلدان» (۴۱۶/۱).

دیار شام و فلسطین

دمشق

امام ابن حبان در این شهر از اساتید ذیل حدیث روایت نموده است: ابو سعید محمد بن احمد بن عبید بن فیاض متوفی سنه (۳۱۰هـ) امام ابن حبان در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر شش حدیث روایت نموده است و از جعفر بن احمد بن عاصم، متوفی سنه (۳۰۷هـ)، در صحیح خویش چهار حدیث را روایت کرده و از محمد بن خریم العقیلی، متوفی سنه (۳۱۶هـ) و از ابوالعباس حاجب بن مالک بن ارکین الضریر، متوفی دمشق سنه (۳۰۶هـ)^{۱۱۴}، نیز سماع حدیث کرده به تحقیق بیست حدیث از وی در صحیح خویش روایت کرده است و از احمد بن عمیر بن یوسف ابی الحسن ابن جوصا الدمشقی، متوفی سال (۳۲۰هـ) اخذ حدیث نموده^{۱۱۵} و امام ابن حبان در صحیح خویش از این دانشمند شانزده حدیث روایت نموده است و از احمد بن محمد بن الفضل ابی الحسن السجستانی، متوفی سال (۳۱۴هـ) از این دانشمند چهار حدیث روایت نموده و از سعید بن عبدالعزیز بن مروان الحلبی الدمشقی ابو عثمان الزاهد، متوفی سال (۳۱۷هـ) سماع حدیث کرده و گفته شده سال (۳۱۸هـ)^{۱۱۶} و امام از ایشان سه حدیث را در صحیح خویش روایت نمودند، و از عبدالرحمن بن اسماعیل بن علی ابی العباس الرقی، متوفی سنه (۳۲۲هـ)^{۱۱۷} نیز اخذ حدیث نموده است.

۱۱۴- «تاریخ دمشق» (۳۸۴/۱۱) و «تاریخ بغداد» (۱۹۱/۹).

۱۱۵- «تاریخ دمشق» (۱۰۹/۵).

۱۱۶- «سیرأعلام النبلاء» (۵۱۳/۱۴).

۱۱۷- «تاریخ دمشق» (۲۰۷/۳۴) وینظر: «المجروحین» (۲۲/۲).

بیت المقدس

امام ابن حبان در این شهر از عبدالله بن محمد بن سلم الفریابی المقدسی، متوفی سنه (کم و بیش صد و ده)^{۱۱۸} و این دانشمندی است که امام در صحیح خویش اکثر روایت را از همین عالم جلیل القدر روایت نموده است.^{۱۱۹}

عسقلان

امام ابن حبان در این شهر از ابو العباس محمد بن الحسن بن قتیبۀ، متوفی سنه (۳۱۰ هـ) اخذ حدیث نموده که این عالم جلیل القدریست که امام ابن حبان بیشترین احادیث را نیز در صحیح خویش از ایشان روایت نموده است.^{۱۲۰} و از محمد بن سعید العطار العسقلانی اخذ حدیث کرده است.^{۱۲۱}

رملة

امام ابن حبان در این شهر از احمد بن عمرو ابی بکر الطحان الرملی، متوفی سنه (۳۳۳ هـ)^{۱۲۲} سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش یک حدیث را و از حسین بن اسماعیل بن حبان الرملی ابی عبدالله البقار^{۱۲۳} و از محمد بن بشار البغدادی الرملی، و از محمد بن عبدوس بن العلاء ابی عبدالله یا ابوبکر السیسمرابادی النیسابوری نیز سماع حدیث نموده است.^{۱۲۴}

۱۱۸- «معجم البلدان» (۴۱۶/۱)، «روضۃ العلاء» (ص ۸۵) و فیهما تحرف اسم جده إلى: مسلم وینظر «تاریخ الإسلام» (۳۱۵/۲۳).

۱۱۹- له فيه ثلاثمائة وتسعة عشر حديثا.

۱۲۰- له فيه أربعمائه وأربعة وسبعون حديثا.

۱۲۱- «المجروحین» (۳۲۶/۱)

۱۲۲- «تاریخ دمشق» (۱۰۲/۵).

۱۲۳- «المجروحین» (۳۷۳/۱).

۱۲۴- «المجروحین» (۳۹۲/۱)

حمص

امام ابن حبان در این سرزمین از ابوبکر محمد بن خریم بن محمد عقیلی بزاز الدمشقی، متوفی سنه (۳۱۶هـ)^{۱۲۵} و از عباس بن الخلیل بن جابر ابی الخلیل الطائی و از عبدالصمد بن سعید ابی القاسم الکندی القاضی، متوفی سنه (۳۲۴هـ) و از این دانشمندان امام یک حدیث را روایت کرده و از محمد بن عبیدالله بن الفضل ابی الحسن الکلاعی، متوفی سنه (۳۰۹هـ) سماع حدیث نموده و امام از این دانشمند چهل و دو حدیث را روایت کرده و از هنبلی بن محمد بن یحیی ابی یحیی الحمصی السلیحی، متوفی سنه (۳۰۱هـ)^{۱۲۶} نیز اخذ حدیث کرده است.

صیدا

امام ابن حبان در این دیار از محمد بن المعافی بن احمد بن ابی کریمه الصیداوی، متوفی سنه (۳۱۰هـ)^{۱۲۷} سماع حدیث نموده و از ایشان درصحیح خویش نرده حدیث روایت کرده و از ابی راشد ریان بن عبدالله خادم الأذی الصیداوی نیز سماع حدیث نموده است.^{۱۲۸}

طبریه^{۱۲۹}

امام ابن حبان در این شهر از سعید بن هاشم بن مرثد ابی عثمان الطبرانی، متوفی سنه بعد از (۳۱۰هـ)^{۱۳۰} و از محمد بن ایوب بن مشکان الطبری ابی عبدالله النسیابوری نیز اخذ حدیث نموده است.^{۱۳۱}

۱۲۵- «تلخیص المتشابه» (۲۶۹/۱).

۱۲۶- روی عنه فی «الثقات» (۲۲۶/۸) وتصحف اسمه فيه إلى: حنبل وينظر: «رى الظمان» (۵۳۵، ۱۱۰۵/۱).

۱۲۷- «تاریخ دمشق» (۱۳/۵۶).

۱۲۸- «تاریخ دمشق» (۲۷۵/۱۸) و «المجروحین» (۲۱۳/۲).

۱۲۹- دخل ابن حبان طبریه وهی بفلسطين الآن، وسماها: قبضة الأردن، ينظر: «روضه العقلاء» (ص ۲۴۵).

۱۳۰- «المجروحین» (۸۰/۳) و «تاریخ الإسلام» (۶۲۷/۲۳).

۱۳۱- «روضه العقلاء» (ص ۲۴۵)، «الثقات» (۴۳۳/۸) ترجمة عبید بن الغازی.

منبج

امام ابن حبان در این شهر از عمر بن سعید أبابکر الطائی الحافظ، متوفی سنه (۳۰۶هـ) ^{۱۳۲} و از صالح بن احمد بن الأصبغ أبو الفضل المنجی ^{۱۳۳} که امام ابن حبان یک حدیث را از این دانشمند سماع نموده است.

طرابلس (از جمله قریه‌های شام)

امام ابن حبان در این شهر از حر بن سلیمان بن حیدره ابی شعیب الأطرابلسی سماع حدیث نموده ^{۱۳۴} و در صحیح ابن حبان بجز یک حدیث از این دانشمندان، دیگر روایت نشده است.

نصیبین

امام ابن حبان در این شهر از ابی السری هاشم بن یحیی النصیبینی سماع حدیث کرده ^{۱۳۵} و در صحیح ابن حبان یک حدیث از این دانشمند روایت شده است و از مسدد بن یعقوب بن إسحاق القلوسی، متوفی سنه (۳۲۵ هـ) سماع حدیث نموده ^{۱۳۶} و از این دانشمند نیز یک حدیث در صحیح امام ابن حبان روایت شده است.

صور

امام ابن حبان در این شهر از آیوب بن محمد بن أبی میمون الصوری ^{۱۳۷}، و از جعفر بن محمد الهمدانی أبی محمد الصوری سماع حدیث نموده است.

۱۳۲- له فی «صحیح ابن حبان» مائتان وثلاثه وتسعون حدیثا.

۱۳۳- حدیث (۳۷۳۱).

۱۳۴- حدیث (۵۲۱۸).

۱۳۵- حدیث (۱۴۳۳).

۱۳۶- حدیث (۳۷۷۷).

۱۳۷- عده الذهبی فی الطبقة الثلاثین : فتكون وفاته بین سنتی (۳۰۱هـ) و (۳۱۰هـ). و «تاریخ الإسلام» (۳۰۲/۲۳).

بیروت

امام ابن حبان در این شهر از مکحول اُبی عبدالرحمن محمد بن عبدالله بن عبدالسلام الحافظ الشامی، ثم البیروتی، متوفی سنه (۳۲۱هـ) اخذ حدیث نموده و در صحیح خویش از این دانشمند بیست و پنج حدیث را روایت کرده است.

حران

مشهورترین اشخاصی که امام ابن حبان در این شهر از ایشان روایت نموده قرار ذیل می‌باشد: حسین بن محمد مودود أبوعروبه بن اُبی مشعر الحرانی السلمی الحافظ، متوفی سنه (۳۱۸هـ) ^{۱۳۸} همچنان در این دیار از تعداد مشایخ دیگری نیز روایت نموده است ولی بنابر غفلت از ذکر حال آنان تذکر نرفته مانند، أحمد بن موسی بن الفضل بن معدان، و خضر بن أحمد بن قندهور ^{۱۳۹} و عبدالکبیر بن إسحاق بن زید الحرانی و ابن ناجیه که در موردش الدارقطنی چنین می‌گوید: «آن یحیی بن محمد بن ناجیه الحرانی می‌باشد». ^{۱۴۰}

سرغامرطا (از دیار مصر)

امام ابن حبان در این شهر از اُبی بدر أحمد بن خالد بن عبدالملک بن عبدالله بن مسرح الحرانی ^{۱۴۱} سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش هشت حدیث را روایت نموده است.

۱۳۸- له فی «صحیح ابن حبان» مائتة وسبعون حدیثا .

۱۳۹- «المجروحین» (۲/۲۰۹).

۱۴۰- «تعلیقات الدارقطنی علی المجروحین» (ص ۵۰).

۱۴۱- «معجم البلدان» (۳/۲۱۲).

دارا (از دیار ربیعۀ)

این قریه فرودگاه عرب بوده و در میان کوه نصیبین و ماردین موقعیت دارد و امام ابن حبان در این قریه از محمد بن خالد الفارسی اخذ حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش یک حدیث را روایت کرده است.

الرفه والرافقه^{۱۴۲}

امام ابن حبان در این شهر از حسین بن عبدالله بن یزید القطان الأزرق المعروف بالجصاص، متوفی سنه (۳۱۰ هـ) و از محمد بن إسحاق بن إبراهيم بن فروخ البغدادی، متوفی سنه (۳۲۰ هـ) اخذ حدیث نموده و از این دانشمند یک حدیث روایت و از عبدالرحمن بن إسماعیل بن علی بن کردم أبا العباس الرقی، متوفی سنه (۳۲۲ هـ) و از محمد بن ابراهیم بن أبی الشیخ أبا الحسن الصوفی متوفی سنه (۳۱۴ هـ) نیز سماع حدیث نموده است.

حلب

امام ابن حبان در این دیار از علی بن أحمد بن علی بن عمران الجرجانی الوراق، متوفی سنه (۳۱۱ هـ) اخذ حدیث نموده و ایشان از این دانشمند هفت حدیث روایت کرده چنانچه قبلاً گذشت و از علی بن عبدالحمید بن عبدالله بن سلیمان الغضائری البغدادی متوفی سنه (۳۱۳ هـ) اخذ حدیث نموده و از این دانشمند سه حدیث را در صحیح خویش روایت کرده و از یحیی بن علی بن هاشم الحلبی الخفاف نیز سماع حدیث نموده است. (۱۰۶)

کفرتوثا (از دیار ربیعۀ)

امام ابن حبان در این دیار از محمد بن الحسین بن یونس بن أبی معشر^{۱۴۳} و ایشان در صحیح خویش از این عالم جلیل القدر دو حدیث را روایت نموده است.

۱۴۲- هاتان البلدتان من إقليم الجزيرة متصلتا البناء بتعبير ياقوت. وقد كتب ابن حبان عن شيوخه هناك بتداخل السماع فيهما. وينظر: «معجم البلدان»
۱۴۳- حدیث: (۱۸۴۶).

أنطاكية

امام ابن حبان در این شهر از وصیف بن عبدالله رومی الأثروسی الأنطاکی^{۱۴۴} سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش چهار حدیث را روایت کرده و از أحمد بن عبیدالله الدارمی نیز سماع حدیث نموده است.^{۱۴۵}

مصر

دخول امام ابن حبان در این شهر قبل از سنه (۳۰۴ هـ) بوده است، و این به اساس دیدارش با جعفر بن أبان که بنام جعفر بن أحمد بن بیان الغافقی الوضع نیز مسمی بوده می‌باشد^{۱۴۶} و در این شهر از اسامه بن احمد بن اسامه التجیبی مولای ایشان متوفی سنه (۳۰۷ هـ)^{۱۴۷} و از محمد بن زیاد التجیبی^{۱۴۸} و از امام ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب النسائی، متوفی سنه (۳۰۳ هـ)^{۱۴۹}، از اسماعیل بن داود بن وردان المصری، متوفی (۳۱۸ هـ) سماع حدیث نموده که امام از این عالم در صحیح خویش سی حدیث را روایت نموده است و از علی بن الحسین بن سلیمان المعدل، و علی بن الحسن بن خلف بن قدید الأزدی، متوفی سنه (۳۱۲ هـ) و از ابی زکریا یحیی بن محمد بن عمرو، متوفی سنه (۳۰۷ هـ) اخذ حدیث کرده و ایشان از این دانشمند در صحیح خویش هشت حدیث روایت نموده است و از داود بن

۱۴۴- «تاریخ الإسلام» (۶۴۸/۲۳).

۱۴۵- لمجروحین» (۱۴۷/۱).

۱۴۶- «المجروحین» (۲۱۶/۱).

۱۴۷- «المجروحین» (۶۵/۱) و «تاریخ الإسلام» (۲۰۳/۲۳).

۱۴۸- «المجروحین» (۶۶/۱).

۱۴۹- کذا ذکر یاقوت روايته عن النسائی بمصر، ولا نراه يتناسب مع المدى الزمني لرحلة ابن حبان الذي يرجع أنه كان بمصر بعد سنة (۳۰۳ هـ) بالإضافة إلى حضوره -كما مر- جنازه الحسن بن سفيان بنسا في ذلك التاريخ و كانت وفاة النسائی رحمه الله في سنة (۳۰۳ هـ) بفلسطين أو بمكة، والمرجح أن يكون قد التقاه في مرضه بمكة أو فلسطين على اختلاف الروايتين في وفاته.

ابراهیم بن داود أبی شیبۃ البغدادی الفارسی الأصل^{۱۵۰} و از این دانشمند در صحیح خویش یک حدیث را روایت نموده است.

تنیس (یکی از قریه‌های مصر)

امام ابن حبان در این شهر از اسحاق بن أحمد بن جعفر أبی یعقوب القطان الکاغدی البغدادی اخذ حدیث نموده^{۱۵۱} و از این دانشمند دو حدیث در صحیح امام ابن حبان روایت شده است و از عبدالجبار بن أحمد بن محمد بن هارون أبی القاسم السمرقندی، متوفی سنه (۳۱۹ هـ)^{۱۵۲} و از علی بن جعفر بن مسافر متوفی سنه (۳۲۶ هـ) نیز سماع حدیث نموده است.^{۱۵۳}

۱۵۰- حدیث شماره (۶۹۸۶).

۱۵۱- «اللقات» (۱۶۱/۸) و «المجروحین» (۲۰۸/۱).

۱۵۲- روی عنه فی «اللقات» (۸۶/۶) و «المجروحین» (۲۸۹/۲).

۱۵۳- «اللقات» (۱۶۸/۸) و «المجروحین» (۱۰۲/۱).

دیار حجاز

مکه المکرمه

امام ابن حبان در شهر مکه مکرمه از مفضل بن محمد جندی المقرئ، متوفی سنه (۳۰۸ هـ) اخذ حدیث نموده و در صحیح خویش از ابن عالم جلیل القدر شانزده حدیث روایت نموده است و از ابی بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر النیسابور الفقیه^{۱۵۴}، صاحب تصانیف گرانبهای چون «اللاوسط» و «الإجماع» و غیر اینها اخذ حدیث نموده و امام ابن حبان از ابن عالم در صحیح خویش دو حدیث روایت نموده است، و از جعفر بن ادريس قزوینی، و از احمد بن محمد بن زیاد ابی سعید ابن الأعرابی، متوفی سنه (۳۴۰ هـ)^{۱۵۵}، و از ابی زرعه احمد بن موسی بن یونس بن حرب التمیمی، و از خضر بن داود بن البزار المعدل ابی بکر المکی^{۱۵۶} و از عمران بن موسی بن المهرجان النیسابوری نیز اخذ حدیث نموده است.

ماوراء النهر

این مناطق که شامل مدن، شهرها و مراکز علمی و سیاحتی برای روات احادیث محسوب می‌گردید و در این راستا سعی و تلاش روات احادیث، نسبت احادیث و اسناد محدثین کرام براین مناطق دال بر عظمت و اهمیت این اقلیم بوده است^{۱۵۷} و این اقلیم (ماوراء النهر) در زندگانی علمی امام ابن حبان دارای اهمیت بسزا و از جمله اولین رحلات علمی امام ابن حبان محسوب می‌گردد که رحلت ایشان قبل از سال (۳۰۵ هـ) در این دیار صورت گرفته بود.

و بعد از آن (۳۰۵ هـ) نیز امام ابن حبان به این دیار عودت و به منصب قضا گماشته شده است و این عملکرد به اساس محبت و علاقمندی خاصی که با اولیای امور آن دیار داشت صورت پذیرفته است.

۱۵۴- «معجم البلدان» (۴۱۶/۱).

۱۵۵- «النفقات» (۳۶۹/۸).

۱۵۶- «الأنساب» (۱۸۲/۸).

۱۵۷- قال الزركشي: «كان يقعد الشيخ بين نهر عيسى والفرات» ويقول: حدثني فلان من وراء النهر، يوهم نهر خراسان «الذکت علی ابن الصلاح» للزركشي (۱۰۹/۳).

اما مناطق مربوط به ماوراء النهر که امام ابن حبان در آنها سماع حدیث نموده است قرار ذیل می‌باشد:

بخارا

امام ابن حبان در این شهر از حفص عمر بن محمد بن بجیر السمرقندی، متوفی سنه (۳۱۱هـ) سماع حدیث نموده و این یکی از دانشمندانی است که امام ابن حبان در صحیح خویش بیشتر احادیث را از ایشان روایت نموده اند^{۱۵۸} و از محمد بن محمد بن یوسف بن الحکم أباذر العدوی القاضی، متوفی سنه (۳۱۴هـ) اخذ حدیث کرده و در صحیح امام ابن حبان از این دانشمند یک حدیث روایت شده است و از یعقوب بن یوسف بن عاصم العاصمی أبالفصل البخاری، از این عالم جلیل القدر در صحیح خویش دو حدیث روایت نموده است.

فربر

امام ابن حبان در این دیار از محمد بن یوسف بن مطر بن صالح بن بشر أبابعدالله الفربری، سماع حدیث نموده و راوی کتاب «الجامع الصحیح» للأمام البخاری عنه، متوفی سنه (۳۲۰هـ) نیز می‌باشد.

نسف

امام ابن حبان در این شهر از محمد بن زکریا بن الحسین الیزدادی النسفی أبی بکر الصعلوکی الحافظ، متوفی سنه (۳۴۴هـ) سماع حدیث نموده است.^{۱۵۹}

۱۵۸- له فيه ثلاثمائة وأربعة وثمانون حديثا.

۱۵۹- قال السمعاني عنه في «الأنساب» (۴۹۲/۱۳): «كان سند الشيوخ بلده وأحاديثهم... كانت رحلته إلى بخارى وسمرقند وبلاد السغد وكس ونواحيها، غربل شيوخها غربلة، وكان له اعتقاد في أبي حاتم محمد بن حبان البستي، وكتب عنه الكثير من مصنفاته، ومات اليزدادي قبل أبي حاتم بعشر سنين في جمادى الأولى سنة أربع وأربعين وثلاثمائة بنسف».

خرتنگ ۱۶۰

امام ابن حبان در این دیار از ابراهیم بن خزیم سماع حدیث نموده است.^{۱۶۱}

سمرقند

اما داخل شدن امام ابن حبان در این شهر قبل از سنه (۳۱۰هـ) صورت گرفته است و این به اساس تاریخ وفات قدیم‌ترین شیخ امام ابن حبان بوده که از ایشان در این نواحی سماع حدیث نموده است و کسانی که امام ابن حبان از ایشان در سمرقند سماع حدیث نموده ذوات آتی ذکر اند:

از ابراهیم بن نصر بن عنبر ابو اسحاق السمرقندی، متوفی سنه (۳۱۵هـ) ^{۱۶۲} و أبو القاسم عبد الجبار بن احمد بن محمد متوفی سنه (۳۱۹هـ) ^{۱۶۳} و أبو جعفر محمد بن جعفر بن الأشعث، سماع حدیث نموده و در صحیح امام ابن حبان از این دانشمند یک حدیث روایت شده ^{۱۶۴} و از محمد بن فتح سمسار سمرقندی نیز اخذ حدیث نموده ^{۱۶۵} و از این دانشمند امام ابن حبان در صحیح خویش یک حدیث را روایت کرده و از محمد بن الفضل بن العباس بن حفص ابو عبدالله البلخی متوفی (۳۱۷هـ) و از نصر بن الفتح بن سالم المربعی السمرقندی المعروف بالفامی، متوفی سنه (۳۱۶هـ) سماع حدیث نموده و در صحیحش دو حدیث روایت شده است.

صغد

الصغد و یا السغد یکی از مناطق بین بخاری و سمرقند بوده و امام ابن حبان در این دیار از عمر بن محمد بن بجیر الهمدانی السمرقندی، متوفی سنه (۳۱۱هـ) سماع حدیث نموده و در صحیحش از این دانشمند سصد و هشتاد و چهار حدیث را روایت نموده چنانچه قبلاً گذشت.

۱۶۰- هی قرية قریبة من سمرقند، بها توفی الإمام البخاری رحمه الله وبها قبره.

۱۶۱- «اللفقات» (۷۱/۶) و سیأتی سماعه له بالشاش؛ فریما تکرر سماعه له هناك.

۱۶۲- «اللفقات» (۲۴۱/۷)، (۳۷/۸)، «الأنساب» للمسغانی (۳۴۴/۱۰).

۱۶۳- «تاریخ الإسلام» (۵۸۵/۲۳).

۱۶۴- حدیث (۷۲۱).

۱۶۵- حدیث (۵۱۳۳).

مرو

امام ابن حبان در این شهر از عبدالله بن محمود بن سلیمان السعدی، متوفی سنه (۳۱۱ هـ)^{۱۶۶} و از احمد بن الحارث بن محمد بن عبدالکریم عبدی المروزی اخذ حدیث نموده^{۱۶۷} و در صحیحش از این دانشمند **چهار حدیث** روایت شده و هکذا از اسحاق بن ابراهیم بن اسحاق التاجر المروزی، متوفی سنه (۳۱۱ هـ) سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیحش **پنج حدیث** روایت و از ابوالعباس احمد بن الخضر بن محمد ابن ابی عمرو المروزی نیز سماع حدیث نموده است.^{۱۶۸}

فرهاذجرد (یکی از قرای مرو می‌باشد)

امام ابن حبان در این دیار از زکریا بن مسلم أبا یحیی الفرهاذجری اخذ حدیث کرده^{۱۶۹} و از این دانشمند صرف **یک حدیث** روایت نموده است.

سنج (یکی از قرای مرو می‌باشد)

امام ابن حبان در این شهر از حسین بن محمد بن مصعب الحافظ، متوفی سنه (۳۱۵ هـ) سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش **بیست و چهار حدیث** روایت و از محمد بن نصر بن نوفل الهورقانی سماع حدیث نموده^{۱۷۰} و از این عالم جلیل القدر **دو حدیث** را در صحیح خویش روایت نموده است.

أصبهان

امام ابن حبان در این دیار از محمد بن عبدالرحمن الأصبهانی^{۱۷۱} سماع حدیث نموده است.

۱۶۶- «تاریخ الإسلام» (۴۱۸/۳۳).

۱۶۷- حدیث (۳۷۱).

۱۶۸- «ری الضمان» (۲۷۶/۲).

۱۶۹- حدیث (۳۱۵۴).

۱۷۰- نسبة لهورقان إحدى قرى مرو، ينظر: «المعجم البلدان» (۴۲۰/۵).

۱۷۱- «اللتقات» (۵۱۴/۸).

الکرج ۱۷۲

امام ابن حبان در این شهر از ابی عماره احمد بن عماره بن الحجاج الحافظ^{۱۷۳} سماع حدیث نموده و از ایشان در صحیح خویش یک حدیث را روایت نموده است و هکذا از ابی عبدالله حسین بن اسحاق الخلال روایت کرده^{۱۷۴} و از ایشان در صحیح خویش هفت حدیث روایت کرده است.

شاش ۱۷۵

امام ابن حبان در این شهر از ابراهیم بن خزیم بن قمیر بن خاقان المروزی أبا اسحاق الشاشی^{۱۷۶} سماع حدیث نموده است.

برذعه ۱۷۷

امام ابن حبان در این شهر از محمد بن خالد بن یزید ابی جعفر البرذعی سماع حدیث نموده، و این عالم جلیل القدر کسی است که توسط القرامطة در مکه مکرمه در سنه (۳۱۷ هـ) (۱۴۲) به شهادت رسانده شده است رحمه الله تعالى.

طرسوس

امام ابن حبان در این شهر از ذواتی آتی الذکر اخذ حدیث نموده است: ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن ابی أمیة طرسوسی الخزاعی (۱۴۳) و از حسن بن اسحاق بن ابراهیم الخولانی المصری (۱۴۴) و امام از این دانشمند فاضل یک حدیث را روایت نموده است و از عبدالرحمن بن سانجور الرملى^{۱۷۸} و از عبدالله بن جابر

۱۷۲- مدینة بین همذان وأصبهان. ينظر: «معجم البلدان» (۴/۴۴۶).

۱۷۳- مدینة بین همذان وأصبهان. ينظر: «معجم البلدان» (۴/۴۴۶).

۱۷۴- حدیث (۱۵۵۲) و «تاریخ أصبهان» (۱/۳۳۲).

۱۷۵- بلدة فی إقليم ماوراء النهر متاخمة لبلاد الترك، و فرقی یاقوت بینها و بین شاش آخری بالری، وهی نهاية رحلة ابن حبان بالمشرق. وينظر «معجم البلدان» (۳/۳۰۸).

۱۷۶- «الفتا» (۳۷۰/۶ و ۴۱۲). وينظر ماسبق فی (خرتنک).

۱۷۷- بلدة فی أقصى أذربيجان، وتقال أيضا بالبدال المهملة. وينظر: «معجم البلدان» (۱/۳۷۹).

۱۷۸- «المجروحین» (۲/۱۳۹).

الطرسوسی^{۱۷۹} و از غزوان بن اسحاق الهمدانی العابد^{۱۸۰} اخذ حدیث نموده و امام ابن حبان از این دانشمند در صحیح خویش یک حدیث را روایت نموده و از ابوالحسن عمران بن موسی بن المهرجان النیسابوری^{۱۸۱} و از محمد بن جریر الشہرزوری اخذ حدیث کرده^{۱۸۲} و از ابن عالم جلیل القدر در صحیح امام ابن حبان صرف یک حدیث روایت شده است و از محمد بن حصن بن خالد أبو عبدالله الألوسی^{۱۸۳} و از محمد بن یزید الدرقی أبو عبدالله الطرسوسی همچنان اخذ حدیث نموده^{۱۸۴} و از این دانشمند در صحیح امام ابن حبان سه حدیث روایت شده است.

مصیصہ

مسلماً امام ابن حبان در این دیار از محمد بن سفیان بن موسی أبی یوسف الصفار^{۱۸۵} سماع حدیث نموده و امام ابن حبان از این دانشمند، در صحیح خویش یک حدیث روایت نموده و از احمد بن داود بن هلال أبی طالب المصیصی قاضی أذنہ نیز اخذ حدیث نموده^{۱۸۶} و ایشان از این دانشمند در صحیح خویش یک حدیث روایت کرده و از قاسم بن علی المؤذن^{۱۸۷} و از محمد بن أحمد بن المستنیر أبی بکر المصیصی^{۱۸۸} نیز سماع حدیث نموده است.

۱۷۹- «تاریخ الإسلام» (۶۲۸/۲۳).

۱۸۰- حدیث (۸۳۵) و «اللقات» (۲۳۰/۹).

۱۸۱- «تاریخ دمشق» (۵۲۳/۴۳) وقد سمع منه بمكة وجران ايضا، فبيدو أنهما تفاقا في الرحلة.

۱۸۲- حدیث «(۴۱۰۰).

۱۸۳- «تلخیص المتشابه» (۴۳۰/۱).

۱۸۴- حدیث (۶۶۵).

۱۸۵- حدیث (۲۴۶۹) و «تاریخ الإسلام» (۶۴۱/۲۳).

۱۸۶- حدیث (۵۰۶۰) و «بغیة الطلب» (۷۳۷/۲).

۱۸۷- «المجروحین» (۲۸۶/۲).

۱۸۸- «اللقات» (۴۷۴/۸)، «المجروحین» (۳۶،۳۰۹/۲) و «روضة العقلاء» (ص ۱۴۱).

فصل سوم

اساتید امام ابن حبان رحمته الله بستی

مشهورترین شیوخ امام ابن حبان:

امام علامه ابن حبان بستی جهت کسب علم و دانش، بسیاری از شهرهای جهان را گشته و مسافرت‌های زیادی را سپری نموده است و از تعداد زیادی استادان کسب علم و دانش نموده که قبلاً از سفرهای علمی امام ابن حبان، که ایشان از این مشایخ جلیل القدر خویش روایت نموده، بدون حصر این شیوخ توأم با تأکید از ذکر مدن و شهرها که امام در آن شهر از این مشایخ روایت کرده بود یادآوری نمودیم، اکنون از آن عده شیوخ امام ابن حبان تذکر بعمل می‌آوریم که ایشان اکثراً در صحیح خویش از آنان روایت نموده همراه با تعداد روایات ایشان.

آن عده شیوخ امام ابن حبان که ایشان اکثراً حدیث را از اینها در صحیح خویش روایت نموده است.

به اساس احصائیه (دارالتأسیل، مرکز البحوث و تقنیة المعلومات) در مورد آن‌عه شیوخی که امام ابن حبان از ایشان در صحیح خویش روایت نموده است بالغ به دوصد شیخ می‌گردد.

اکنون از آن عده شیوخی که امام ابن حبان بیشتر از **چهل حدیث** را از ایشان در صحیح خویش روایت نموده است تذکر داده می‌شود توأم با تعداد مرویات ایشان از هر شیخ منجمله:

۱- أحمد بن علی بن المثنی بن یحیی بن عیسی أبو یعلی تمیمی الموصل الحافظ، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۱۸۹) حدیث را روایت کرده است.

۲- حسن بن سفیان بن عامر بن عبدالعزیز بن النعمان أبو العباس الشیبانی البالوزی النسوی الحافظ، امام ابن حبان از این دانشمند (۷۴۷) حدیث را روایت نموده است.

- ۳- فضل بن عمرو الحباب بن محمد بن شعیب أبوخلیفه الجمحی البصری الأعمی که ملقب به الحباب می باشد، امام ابن حبان از این دانشمند (۷۴۷) حدیث را روایت نموده است.
- ۴- عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن شیرویه أبو محمد مدینی نیشاپوری، که امام ابن حبان از این عالم جلیل القدر (۴۸۳) حدیث را روایت کرده است.
- ۵- محمد بن الحسن بن قتیبه بن زیاده أبو العباس اللخمی العسقلانی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۴۷۴) حدیث را روایت کرده است.
- ۶- عمر بن محمد بن بجیر بن خازم بن راشد أبو حفص همدانی بجیری سمرقندی الخشوفغنی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۳۸۵) حدیث را روایت کرده است.
- ۷- عبدالله بن محمد بن سلم بن حبیب أبو محمد الفریابی المقدسی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۳۲۲) حدیث را روایت نموده است.
- ۸- محمد بن اسحاق بن خزیمه أبوبکر نیشاپوری سلمی ابن خزیمه إمام الأئمة، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۳۱۶) حدیث را روایت کرده است.
- ۹- عمر بن سعید بن أحمد بن سعد بن سنان أبوبکر الطائی المنبجی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۲۹۵) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۰- عمران بن موسی بن مجاشع أبو اسحاق سختیانی الجرجانی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۲۳۸) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۱- محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن مهران أبو العباس الثقفی سراج نیشاپوری مولی ثقیف، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۷۹) حدیث را روایت نموده است.
- ۱۲- حسین بن محمد بن مودود بن حماد أبوعروبه حرانی الجزری الحافظ، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۷۰) حدیث را روایت کرده است.

- ۱۳- حسین بن إدريس بن المبارك بن هيثم بن زياد أبوعلی الأنصاری مولا هم الهروى الخرمى ابن خرم، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۴۵) حدیث را رویت کرده است.
- ۱۴- محمد بن عبدالرحمن أبو عبدالله سامی الهروى، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۱۰) حدیث را رویت کرده است.
- ۱۵- حسین بن عبدالله بن یزید بن الأزرق أبوعلی رقی القطان مالکی جصاص الأزرق، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۰۴) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۶- محمد بن أحمد بن عبدالله بن أبی عون أبو جعفر النسوی الریانی که برایش الرذانی نیز گفته می‌شود، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۱۰۰) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۷- محمد بن عبدالله بن جنید أبو الحسن الجندی البستی، که امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۹۸) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۸- عبدالله بن أحمد بن موسی بن زیاد أبو محمد الأهوازی الجوالیقی المعروف بعبدان، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۷۷) حدیث را روایت کرده است.
- ۱۹- أحمد بن یحیی بن زهیر أبو جعفر التستری الزاهد علم الحفاظ شیخ الإسلام، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۷۳) حدیث را روایت کرده است.
- ۲۰- أحمد بن الحسن بن عبد الجبار بن راشد أبو عبدالله الصوفی الکبیر، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۷۳) حدیث را روایت کرده است.
- ۲۱- اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل بن عبد الجبار بن فروة أبو محمد البستی القاضی، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۷۰) حدیث را روایت کرده است.
- ۲۲- عبدالله بن محمد بن قحطبة بن مرزوق الطلحی الصلیحی، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۶۰) حدیث را روایت کرده است.

- ۲۳- حامد بن محمد بن شعیب بن زهیر أبو العباس البلخی البغدادی المؤدب، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۵۵) حدیث را روایت نموده است.
- ۲۴- محمد بن عمر بن محمد بن یوسف بن حمزة النسوی، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۵۳) حدیث را روایت کرده است.
- ۲۵- محمد بن عبیدالله بن الفضل أبو الحسن الکلاعی الحمصی ابن الفضیل، امام ابن حبان از این شیخ جلیل القدر (۴۲) حدیث را کرده است.
- علاوه بر این، امام ابن حبان از (۱۷۵) شیخ دیگر که تعداد روایات ایشان کمتر از چهل حدیث است نیز حدیث روایت نموده است.^{۱۸۹}

جایگاه علمی و آرای علماء در مورد

امام ابن حبان بستی رحمته الله

بدون شک جایگاه علمی امام ابن حبان بعد از وفات آن، او را در مقدمه‌ای ائمه اهل حدیث عصرش قرار داده است این جایگاه شامخ علمی را ایشان از خلال تالیفات علمی و پیش‌دستی در تدوین علوم حدیث و تأثیر آن در قضایای حایز اهمیت برای نسل‌های بعدی کمایی کرده است و تتبع در آثار امام ابن حبان به وضوح نشان می‌دهد که وی در بخش روایت و نقد آن تالیفات متعددی را به میراث گذاشته است.^{۱۹۰}

تعمق در آثار امام ابن حبان برای تثبیت جایگاه علمی وی بسنده است، بلکه نوآوری در باب‌بندی علوم حدیث و تبیین اقسام و انواع آن رویکرد بوده است در تدوین علوم حدیث که قبل از امام ابن حبان محدث دیگر به آن نه پرداخته بود به اضافه اهمیت بلند علمی تالیفات امام ابن حبان هم در حیاتش و هم پس از مرگش شیوه علمی آن در تدوین علوم حدیث جدل‌زا بوده و دروازه‌های جدیدی را به روی علمای علوم حدیث گشوده است و این باعث شده که جایگاه علمی امام ابن حبان در مقایسه با سایر علمای حدیث از برجستگی ویژه‌ای برخوردار بوده است.

جایگاه علمی امام ابن حبان از خلال عرض آرای علمای ذیلاً ظاهر می‌شود

- ابن مندۀ در مورد مقام و جایگاه شامخ امام ابن حبان چنین اظهار نظر می‌نماید:
«امام ابن حبان بستی از اهل معرفت بود.»^{۱۹۱}

همچنان ذوات آتی الذکر از علمای جید، فاضل و متبحر جهان اسلام در مورد مقام و منزلت امام ابن حبان چنین ابراز نظر می‌نمایند:

۱۹۰- سیأتی الکلام علی مؤلفاته تفضیلاً ان شاء الله.

۱۹۱- «فتح الباب فی الکنی والألقاب» (ص ۲۵۶).

- **ابوسعبد الأدریسی:** امام ابن حبان از فقه‌های دین و حافظان آثار، در علم طب و طبابت و نجوم دسترسی کامل داشته، توأم با دیگر فنونی از علم. ۱۹۲
- **الحاکم:** امام ابن حبان از علمای فقه، لغت، حدیث، وعظ و از عقلای رجال بود. ۱۹۳
- **ابوبکر الخطیب:** ابن حبان از جمله رجال ثقات، نبلاء و ذکی و اهل فکر و دانش بود. ۱۹۴
- **حازمی:** امام ابن حبان در علوم حدیث نسبت به حاکم برتری داشت. ۱۹۵
- **سمعانی:** ابوحاتم امام و پیشوای عصر خود بود. ۱۹۶
- **امام تاج الدین السبکی:** محمد بن حبان، حافظ جلیل القدر و امام عصر خود محسوب می‌گردید. ۱۹۷
- **ابن عساکر:** امام ابن حبان از ائمه رجال و جهانگرد و از تصنیف‌کنندگان محسن بود. ۱۹۸
- **ابن الصلاح:** امام ابن حبان واسع العلم بود که بین فنون مختلفی علم جمع نموده و از جمله ائمه‌ای بود که در علوم حدیث از تألیفات زیادی برخوردار بودند. ۱۹۹

۱۹۲- «سیر أعلام النبلاء» جلد سوم صفحه ۳۳۷۹ وطبقات الشافعية لابن قاضي شهبة ۱۳۲/۲

۱۹۳- «تاریخ دمشق» (۲۵۱/۵۲)

۱۹۴- «تاریخ الإسلام» (۱۱۳/۲۶)

۱۹۵- «الرسالة المستطرفة» (۲۲/۱)

۱۹۶- الأنساب: ۲۰۹/۲ «الأنساب» (۳۴۸/۱) والحديث والمحدثون ص ۴۲۵.

۱۹۷- طبقات الشافعية الكبرى: ۱۳۱/۳

۱۹۸- «تاریخ دمشق» (۲۴۹/۵۲)

۱۹۹- «طبقات الفقهاء الشافعية» (۱۱۸/۱)

- **الذهبی:** ابن حبان، امام، علامه، حافظ مجود، و شیخ خراسان ابوحاتم محمد بن حبان بود. ۲۰۰
- **ابن السبکی:** امام ابن حبان امام و حافظ جلیل بود. ۲۰۱
- **ابن کثیر:** امام ابن حبان حافظ و علامه و یکی از بزرگان عرصه تألیف و مجتهدین بود. ۲۰۲
- **ابن حجر:** امام ابن حبان دارای ذکاوت و حفظ بی‌مانند بود، وی در فنون مختلف علم دسترسی داشت. ۲۰۳
- **ابن عماد الحنبلی:** امام ابن حبان حافظ و امامی از ائمه حجت و علم بود. ۲۰۴

همچنان حضرت حاکم وسمعانی گفتند: ایشان (ابن حبان) امام وحید عصر و زمان خود بوده و تصدی قضای سمرقند را مدتی به عهده داشته و در آن منطقه به مردم آن دیار خدمات علمی زیادی را ارائه نموده است. و سپس از آنجا به نیشاپور عودت و در آنجا خانقاهی را بنا نموده و بعداً به وطن اصلی خویش (بست) مراجعه نموده و در آنجا جهت پخش و نشر تصانیف خود اشتغال ورزید تا اینکه در یکی از شب‌های شوال جهان فانی را وداع گفت. ۲۰۵

الخطیب در مورد شخصیت علامه امام ابن حبان بستی چنین می‌نگارد: حضرت بستی، صاحب شخصیت ثقه و نبیل بوده اند، به همین ارتباط الأسنوی گفته است: ابوحاتم محمد بن حبان بستی، امام حافظ و صاحب (الصحيح) می‌باشد و تألیفات دیگر نیز داشته و به شهرهای مختلف جهان سفرهای علمی و پژوهشی نموده و

۲۰۰- «شذرات الذهب» (۱۶/۳) وسیر أعلام النبلاء ۹/۱۶

۲۰۱- «طبقات الشافعية الكبرى» (۱۳/۳)

۲۰۲- «طبقات الشافعية» (ص ۲۹۰)

۲۰۳- «البدایة والنهاية» (۲۸۱/۱۵)

۲۰۴- «لسان المیزان» (۱۱۴/۵)

۲۰۵- سایت: اسلام وب

جناب ایشان منبع علم و دانش در بخش لغت، حدیث، فقه، وعظ و نصیحت و ترکیه بوده و از برجسته‌ترین مردان صاحب عقل بر شمرده می‌شود.^{۲۰۶}

افزون بر آن:

- **الحاکم:** «در مورد شخصیت امام علامه محمد بن حبان بستی چنین ابراز نظر می‌نماید: «ابن حبان معدنی از معادن علم و دانش در فقه، لغت، حدیث، وعظ و از جمله نبلاء و عقلای عصر و زمان خود محسوب می‌گردد».^{۲۰۷}
- **امام سیوطی:** «ابن حبان أبوحاتم محمد بن حبان حافظ و علامه بود».^{۲۰۸}
- **یاقوت الحموی:** «ابن حبان، امام علامه فاضل و شخصیت متقن بود».^{۲۰۹}
- **ابن تغری بردی:** «محمد بن حبان حافظ و علامه عصر خود بود».^{۲۱۰}
- **ابن قاضی شهبه:** «محمد بن حبان حافظ و علامه بود».^{۲۱۱}
- **ابن حجر:** «ابن حبان از جمله امامان عصر و زمان خود محسوب می‌گردید».^{۲۱۲}
- **ابن الأثیر:** «ابن حبان، امام عصر و زمان خودش بود».^{۲۱۳} (آراء رجالی برگرفته از ویکی فقه دانشنامه حوزوی است)

ابن حبان از صاحب نظران علم حدیث و رجال است و در این دو علم آرای ویژه‌ای دارد. وی در جرح و تعدیل دارای مسلکی مخصوص است و معتقد بود که

۲۰۶- سایت: اسلام وب

۲۰۷- لسان المیزان: ۱۱۴/۵. و الحدیث والمحدثون ص ۴۲۵.

۲۰۸- طبقات الحفاظ: ت/ ۸۴۷

۲۰۹- معجم البلدان: ۴۱۵/۱

۲۱۰- النجوم الزاهرة: ۳/ ۳۴۲

۲۱۱- طبقات الشافعية: ۲/ ۱۳۱

۲۱۲- لسان المیزان: ۵/ ۱۱۲

۲۱۳- اللباب فی تهذیب الأنساب: ۱۵۱/۱ الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان به تحقیق و تخریج الشیخ خلیل بن مأمون شیخا جلد اول صفحه ۲۲ چاپ مکتبه أسامة بن زید - سوریه / حلب / أقبول / الطبعة الأولى / ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م

راوی عدل کسی است که جرحی بر او وارد نشده باشد، زیرا جرح ضد عدل است و اگر کسی را جرح نکرده باشند، لا محال عادل شمرده می‌شود.

وی معتقد بود که راوی مجهول هنگامی که از نظر عین و شخص معین شد، عدل شمرده می‌شود، مگر اینکه در مورد او جرح و قدحی آشکار شود. ابن حبان در کتاب ثقات خود بسیاری از افراد را نام برده و از آن‌ها روایت نقل کرده که از نظر دیگران مجهول هستند. اما ذهبی در سیر و سبکی نظر وی، راجع به برخی احادیث را نقل کرده اند که با برداشت شایع در میان فقها و محدثان متفاوت است.

بعضی نقدهایی که بر امام ابن حبان صورت گرفته است

تاریخ هیچ عالمی از علمای بزرگ را خالی از نقد مخالفان نگذاشته است، برابر است مخالفینی که نقد نمودند از جمله ذوی الانصاف بوده و یا در نقدشان انصاف را رعایت نه نموده اند.

به هر حال هدف اصلی ما ارج گذاری نسبت به ارائه خدمات علمی و میتودیک این عالم جلیل القدر دیار ما بوده که به ویژه در راستای علوم حدیث توأم با ابتکارات نباشی انجام داده اند.

عقیده امام ابن حبان رحمته الله ۲۱۴

از اهم ترین قضایا و نقدهایی که در قبال امام ابن حبان مطرح می شود، مسایل عقیدتی و اصول فکری وی است، بویژه اینکه رأی را در پیوند به انکار حد برای الله جل جلاله و قول مبهمی نسبت به نبوت^{۲۱۵} به وی نسبت داده اند که اثری مستقیم در زحمات، تکالیف و مشکلاتی^{۲۱۶} که امام ابن حبان تحمل نموده، داشته است. امام ذهبی^{۲۱۷} و تعدادی دیگری از علمای فاضل، وی را از چنین مقولات و دعاوی تبرئه نمود است و برای او عذر جسته است.

خلاصه موضوع اینست که با نسبت دادن بدعت به امام ابن حبان در حق وی ظلم صورت گرفته است در حالی که ایشان در اغلب مسایل عقیدتی از عقیده اهل سنت و جماعت پیروی می کردند و از منهج اهل سنت مگر در بعضی قضایای جزئی که دیدگاه اش را مانند تبرک به صالحین و تفسیر فطرت و تأویل بعضی احادیث مرتبط به صفات الله جل جلاله بر مذهب اهل سنت ترجیح می داده است و این مسایل را در قسمت هایی که در صحیح ابن حبان آمده است با تعلیق بررسی شده است.

۲۱۴- من أهم الأبحاث في هذا الشأن رسالة مقدمة لنيل درجة الماجستير بجامعة أم القرى لأحمد بن صالح الزهراني عام ۱۴۱۹ هـ بعنوان «آراء ابن حبان في المسائل الاعتقادية».

۲۱۵- مقدمة «الثقات» ط. المعارف «سير أعلام النبلاء» (۹۶/۱۶)، «طبقات السبكي» (۱۳۲/۳)

۲۱۶- يأتي الحديث عن محنة الإمام ابن حبان بالتفصيل قريبا..

۲۱۷- «سير أعلام النبلاء» (۹۸/۱۶)

وظایف امام ابن حبان رحمته الله

منصب قضاوت

ابن حبان مورد توجه امرا و حکام خراسان قرار داشته و بارها به سمت قضا منصوب شده است. به گفته سمعانی او در سمرقند و نسا و دیگر شهرهای خراسان به قضا پرداخته است. ابوسعید ادریسی گفته که ابن حبان مدت زیادی در سمرقند قاضی بود و امیر ابوالمظفر سامانی برای او و شاگردانش و دیگر دانشمندان در این شهر صفه‌ای بنا کرد.

امام ابن حبان منصب قضای سمرقند و قضای شهر نسا و تعدادی از شهرهای دیگر را ایفا نموده بود، و حاکم گفته است که امام ابن حبان در سال (۳۳۴) هجری قمری بر قضای شهر نسا گماشته شده بود.^{۲۱۸}

بعضی از مترجمین سیرت وی ادعا نموده اند که سبب گماشتن وی بر قضای سمرقند و شهر نسا برای امتیاز و برتری وی در فقه بوده است و این باعث شده است که بسیاری از هم عصرانش نسبت به وی تحریک شوند.^{۲۱۹}

۲۱۸- «تاریخ الإسلام» (۱۱۳/۲۶)

۲۱۹- «مناهج المحدثین» للدكتور سعد بن عبدالله الحمید (ص ۱۴۷)

شاگردان امام علامه ابن حبان رحمته الله

شاگردان مشهور امام ابن حبان رحمته الله

در اینجا شرح حال آن تعداد از شاگردان امام ابن حبان را بیان می‌داریم که از امام روایت نموده و از جمله حفاظ و علما محسوب می‌گردیدند و شرح حال آنان ترجمه شده است.

مگر از حافظ الدارقطنی تذکار به عمل نه آمده است در حالی که این شخص از جمله شاگردان امام ابن حبان باشد، و کذا از خلال روایات دارقطنی معلوم می‌گردد که ایشان از جمله شاگردان امام ابن حبان بود، چنانکه در بعضی روایات کتاب الضعفاء و المجروحین آمده است به ویژه در روایات نسخه خطی کتاب «الضعفاء و المجروحین».^{۲۲۰}

مشهورترین شاگردان امام ابن حبان رحمته الله:

- ابوالحسن محمد بن أحمد بن هارون الزوزنی، متوفی سنه (۳۶۹هـ). که روای کتاب صحیح ابن حبان بوده اما از وی جز در فهارس و تقاسیم نامبرده نشده است و در دیگر نسخه‌ها و نه کسی تعارف آن را ذکر کرده است مگر گفته می‌شود که حافظ ذهبی در کتاب (تاریخ الإسلام)^{۲۲۱} ابوالحسن را از جمله استادان ابوالحسن علی بن محمد البیاضی الزوزنی یاد نموده است.

۲۲۰- «تاریخ بغداد» (۴۱۵، ۴۴۷/۶).

۲۲۱- «تاریخ الإسلام» (۵۰۵/۳۰).

• ابو عمر محمد بن أحمد بن محمد بن سلیمان^{۲۲۲} (۹۲/۱۶) بن ایوب نوقاتی^{۲۲۳} الأديب صاحب التصانيف، متوفی سنه (۳۸۲ هـ) که این شخص را امام ذهبی نیز در کتاب (السير) ذکر نموده، اما از ترجمه شان تذکار نداده است. همچنان یاقوت حموی در کتاب (معجم الأدياء)^{۲۲۴} از این شخصیت تذکر بعمل آورده و روایت ایشان را از ابن حبان ثابت کرده است.

• ابوالحسن علی بن عمر بن أحمد دارقطنی شیخ الإسلام، متوفی سنه (۳۸۵ هـ)^{۲۲۵} حافظ الدنيا و کسی که (لا تخفی جلاله قدره) که مقام و منزلت عملی ایشان از کسی مخفی مانده نمی‌تواند. و جناب ایشان به طریقه اجازه از امام ابن حبان روایت نموده اند که این قول را روایت امام دارقطنی در کتاب (المجروحین) که به شکل خطی تحریر شده است تثبیت نموده و کتاب دیگری که منسوب به امام دارقطنی تحت عنوان: (تعلیقات علی المجروحین لابن حبان) کتاب چاپ شده است نیز تثبیت می‌نماید.^{۲۲۶}

• أبو عبدالله محمد بن إسحاق ابن منده عبدی الأصفهانی، متوفی سنه (۳۹۵ هـ)^{۲۲۷} صاحب کتاب (فتح الباب فی الکنی والألقاب) در آن از شیخ

۲۲۲- کذا ذكره الحافظ الذهبي في ترجمته من «السير» ولكنه سمى جده منصورا في ترجمته للإمام ابن حبان هناك.

۲۲۳- نسبة لـ (نوقات) إحدى قرأى سجستان. وينظر: «معجم البلدان» (۳۱۱/۵) وقال فيه ابن بلبان في مقدمته لـ «الإحسان» «التوقاني»، وجعل كنيته: «أبو بكر».

۲۲۴- (۲۳۴۵/۵).

۲۲۵- ينظر ترجمته في: «تاريخ بغداد» (۳۴/۱۲). «المنتظم» (۱۸۳/۷). «وفيات الأعيان» (۲۹۷/۳) و «سير أعلام النبلاء» (۴۴۹/۱۶).

۲۲۶- «الإمام أبو الحسن الدارقطني وآثاره العلمية» (ص ۱۹۷).

۲۲۷- ينظر ترجمته في: «أخبار أصبهان» (۳۰۶/۲). «طبقات الحنابلة» (۱۶۷/۲). «مناقب الإمام أحمد» (۵۱۸). «المنتظم» (۲۳۲/۷) و «سير أعلام النبلاء» (۲۸/۱۷).

خود که امام ابن حبان است تذکر داده که ایشان از اهل معرفت بوده و از ایشان به طریقه کتابت حدیث را اخذ نموده است.^{۲۲۸}

و ابن مندۀ ایشان را از جمله بزرگترین حفاظ وقت و عصرش خوانده و گفته است که ایشان داری سفرهای علمی زیادی بوده، چنانکه امام الذهبی در مورد ایشان می‌فرماید: «من مانند این شخص کسی را که بیشتر سفرهای علمی نموده باشد، ندیده‌ام و نه کسی را دیده‌ام که مانند این شخص زیاد روایت توأم با حفظ و ثقه داشته باشد طوری که گفته شده است که شیوخ ایشان به یک‌هزار و هفتصد تن می‌رسد».^{۲۲۹}

أبو علی منصور بن عبدالله بن خالد بن أحمد خالدی ذهلی الهروی، متوفی سنه (۴۰۲).

• حاکم أبو عبدالله محمد بن عبدالله ضبی النیسابوری الحافظ ابن البیع، صاحب کتاب (المستدرک)، متوفی سنه (۴۰۵ هـ) که ایشان از امام ابن حبان به طریقه استملاء در سال (۴۳۳) اخذ حدیث نموده است در حالی که سیزده سال عمر داشت و در کتاب (المستدرک) حدیث را روایت کرده است.^{۲۳۰}

• أبو معاذ عبدالرحمن بن محمد بن رزق سجستانی المزکی، متوفی سنه (۴۲۶ هـ) که ایشان یکی از شیوخ خطیب بغدادی محسوب می‌گردند.^{۲۳۱}

۲۲۸- «فتح الباب فی الکنی والألقاب» (ص ۲۵۶).

۲۲۹- «سیر أعلام النبلاء» (۲۸/۱۷).

۲۳۰- ینظر ترجمته فی: «تاریخ بغداد» (۴۷۳/۵)، «الأنساب» (۳۷۰/۲)، «الإرشاد» للخلیلی (۸۱۵/۳) و «سیر أعلام النبلاء» (۱۶۲/۱۷).

۲۳۱- الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ص ۵۵.

تألیفات علامه امام ابن حبان رحمته الله

آثار امام ابن حبان بستی رحمته الله

ابن حبان، به تصریح عبادی و ابن ماکولا و دیگران دارای تصنیفات بسیار بوده است. او خود در کتاب «روضه العقلاء» به شماری از کتاب‌های خویش اشاره کرده است. خطیب بغدادی متجاوز از ۴۰ کتاب وی را نام برده است. کمال یوسف الحوت در مقدمه الإحسان به ترتیب صحیح ابن حبان ابن بلبان فارسی فهرستی شامل ۶۵ اثر وی را ارائه کرده است. خطیب به نقل از سجزی تصریح کرده است که ابن حبان خانه و کتابخانه خود را وقف کرده بود تا دانشمندان بتوانند از کتاب‌های وی نسخه برداری کنند. اما بیش‌تر آثار وی از میان رفت و جز اندکی از آثار ابن حبان در دست نیست.

آثار چاپی امام ابن حبان

۱- الثقات، ابن حبان در مقدمه این کتاب اشاره کرده است که در دو کتاب الثقات والضعفاء والمجروحین برخلاف اثر دیگر خود التاریخ الکبیر تفصیل اسانید و طرق را ذکر نکرده است. کتاب الثقات شامل موثقین از صحابه و تابعین است. این کتاب در میان سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴ قمری / ۱۹۷۳-۱۹۸۳ میلادی به کوشش سید عزیز بیک و دیگران در حیدرآباد دکن چاپ شده است.

۲- روضه العقلاء و نزهة الفضلاء، کتابی است در اخلاق. ابن حبان در مقدمه اشاره کرده است که آن را برای علما و فضلا و ارباب معرفت نوشته است و در آن خصال خوب و بد مورد بررسی قرار گرفته و برای این منظور از روایات و اخبار و حکایات و اشعار نیز کمک گرفته است. کتاب مذکور یک بار در کلکته ۱۳۶۸ قمری ۱۹۴۸ میلادی و بار دیگر به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید و دیگران در ۱۳۹۷ قمری و ۱۹۷۷ میلادی در بیروت منتشر شده است.

۳- **المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین**، در جرح و تعدیل. این کتاب در ۳ مجلد به کوشش محمود ابراهیم زاید در سال (۱۳۹۶) هجری قمری و (۱۹۷۶) میلادی در حلب منتشر شده است.

۴- **مشاهیر علما الأمصار**، در جرح و تعدیل که شامل ۱۶۰۲ شرح حال از محدثان موثق است و در آن ثقات صحابه و تابعین عنوان شده اند. در این کتاب بیشتر راویان سده‌های ۱ و ۲ هجری قمری و ۸/۷ میلادی ذکر شده اند و پس از قرن ۲ قمری و ۸ میلادی تنها حدود ۲۰ نفر در این کتاب آورده شده اند. ابن حبان مشاهیر اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و تابعین را بر اساس شهرهای اقامت آنان آورده است، این شهرها عبارتند از: مدینه منوره، مکه مکرمه، بصره، کوفه، شام، مصر، یمن و خراسان و در مورد اتباع تابعین شهرهای بغداد و واسط نیز به آن‌ها اضافه شده اند. ۲۳۲

آثار خطی امام ابن حبان بستی

۱- **اسماء الصحابه**، نسخه‌های آن در کتابخانه عارف حکمت مدینه و کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است.

۲- **تفسیر**، که نسخه‌های آن در کتابخانه‌های محمودیه مدینه و دانشگاه استانبول موجود است.

۳- **صحیح**، که در مآخذ به اسامی التقاسیم و الأنواع یا الانواع و التقاسیم نیز خوانده شده و از منابع مهم حدیث اهل سنت به شمار می‌رود. نسخه‌های خطی از این کتاب به صورت اجزای پراکنده در کتابخانه‌های توپکاپی، سرایی، برلین، ازهریه، (خدیویه) موجود است. این کتاب به وسیله امیر علاء الدین علی بن بلبان فارسی تنقیح شده و تحت عنوان (الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان) به چاپ رسیده است. نورالدین هیشمی. در سال ۸۰۵ قمری و ۱۴۰۲ میلادی روایات و احادیثی که

در صحیح بخاری و مسلم وجود ندارد و اصطلاحاً «زوائد» نامیده می‌شوند، از صحیح ابن حبان جمع‌آوری کرده و آن را موارد الظمائن علی زوائد ابن حبان نامیده است که به کوشش محمد عبدالرزاق حمزه در بیروت منتشر شده است.

هكذا از جمله مؤلفات امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ

- ۱- المسند الصحیح علی التقاسیم و الانواع، این اصل کتابی است که خدمت شما تقدیم می‌نماییم و در این اواخر در دولت قطر طبع شده است. ۲۳۳
- ۲- روضة العقلاء و نزهة الفضلاء، یک مجلد. ۲۳۴
- ۳- کتاب الصحابة، در پنج جلد.
- ۴- تاریخ الثقات، این کتاب را امام ابن حبان به شکل طبقات و سپس به شکل اسما در داخل هر طبقه و ترتیب حروف معجم تنظیم و آن را در سه جز تألیف نموده است؛ جزء اول را برای طبقات صحابه، جزء دوم را برای طبقات تابعین، و جزء سوم را برای طبقه اتباع التابعین اختصاص داده است.
- ۵- علل اوهام المؤرخین، ده مجلد، این کتاب را یاقوت حموی. ۲۳۵ تحت نام (علل اوهام أصحاب التواریخ) ذکر نموده است که داری ده جلد می‌باشد.
- ۶- علل مناقب الزهری، در بیست جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۷- علل حدیث مالک، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۸- علل مسند أبوحنیفة، در ده جلد طبع شده است این کتابیست که تحت عنوان (علل ما استند إلیه أبوحنیفة) طبع گردیده است.
- ۹- علل مناقب أبی حنیفة و مثالبه، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.

- ۱۰- ما خالف فيه سفیان شعبه، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۱۱- ما خالف فيه شعبه سفیان، در دو جلد طبع شده است.
- ۱۲- ما انفرد به أهل المدينة من السنن، در یک جلد چاپ گردیده است.
- ۱۳- ما انفرد به المکیون، در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۱۴- ما انفرد به أهل العراق، در یک جلد طبع گردیده است.
- ۱۵- ما انفرد به أهل خراسان، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۱۶- ما انفرد به ابن أبی عروبه عن قتاده، او شعبه عن قتاده، در دو مجلد.
- ۱۷- غرائب الأخبار، در یک مجلد طبع گردیده است.
- ۱۸- غرائب الکوفیین، در ده جلد چاپ گردیده است.
- ۱۹- غرائب أهل البصره، در هشت جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۰- الکنی، در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۱- الفصل والوصل، در یک مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۲- الفصل بین حدیث أشعث بن عبدالمک و أشعث بن سوار، در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۳- کتاب موقوف ما رفع، در ده مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۴- کتاب مناقب مالک بن أنس، در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۵- کتاب مناقب الشافعی، در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۶- المعجم علی المدن، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۷- الأبواب المتفرقه، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۸- أنواع العلوم و أوصافها، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۲۹- قبول الأخبار.

- ۳۰- کتاب المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین. ۲۳۶
- ۳۱- مشاهیر علماء الأمصار، در قاهره به تحقیق مستشرق فلای شهر در سال ۱۹۵۹ میلادی طبع گریده است.
- ۳۲- شعب الإیمان، این کتاب را امام ابن حبان بعد از تأمل در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله: «الإیمان بضع وسبعون شعبه»^{۲۳۷} بعد از تتبع این شعبات در آیات قرآن کریم تألیف و توضیح داده است که بنابر یافته‌هایش از آیات قرآنی این شعبه‌ها هفتاد و نه شعبه بوده و این کتاب همین هفتاد و نه شعبه را شرح می‌دهد.
- حافظ ابن الصلاح کتاب‌های زیر را نیز به امام ابن حبان رحمته الله نسبت داده است: ۲۳۸
- ۳۳- وصف الاتباع و بیان الابتداء.
- ۳۴- معرفة القبلة.
- ۳۵- المدنر (بفتح النون المشددة). ۲۳۹
- یاقوت در معجم البلدان نیز کتاب‌های ذیل را به امام ابن حبان رحمته الله نسبت داده است: ۲۴۰
- ۳۶- کتاب التابعین، در دوازده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۳۷- کتاب أتباع التابعین، در پانزده مجلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۳۸- کتاب تبع الأتباع، در هفده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.

۲۳۶- طبع أكثر من طبعة، منها ما حققه الأستاذ: محمود إبراهيم زايد، ونشرت: دارالوعی بـحلب، سنة ۱۳۹۶هـ فی مجلد کبیر به ثلاثة أجزاء.

۲۳۷- ينظر شرح الحديث فی: «شرح مسلم» للنووی (۳/۲) و «فتح الباری» لابن حجر (۵۱/۱)

۲۳۸- «طبقات الفقهاء الشافعية» (۱/۱۱۸)

۲۳۹- ثوب مدنر: مبرقش، ومنقش بنقوش صغار حمر، وما كان فيه نقش مستدير كالدينار، ومدنر: متألزلی كالدينار.

«تكملة المعاجم العربية» (۴/۴۱۵). (مادة: دنر)

۲۴۰- (۴۱۷/۱).

- ۳۹- کتاب أتباع التبّع، در بیست جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۰- کتاب الفصل بین النّقْلَة، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است. ۲۴۱
- ۴۱- کتاب علل حدیث الزهري، در بیست جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۲- کتاب علل حدیث مالک، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۳- کتاب غرائب الأخبار، در بیست جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۴- کتاب ما أغرب الكوفيون عن البصريين، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۵- کتاب ما أغرب البصريون عن الكوفيين، در هشت جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۶- کتاب أسامی من يُعرَف بالكنی، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۷- کتاب کُنْی من يعرف بالأسامی، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۸- کتاب التمييز بين حدیث النضر الحُدّانی والنصر الخزّاز، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۴۹- کتاب الفصل بین حدیث منصور بن المعتمر ومنصور بن زاذان، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۰- کتاب الفصل بین مکحول الشامی ومکحول الأزدي، در یک جلد طبع گردیده است.
- ۵۱- کتاب موقوف ما رُفِع، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۲- کتاب آداب الرجالة، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۳- کتاب ما أَسند جُنَادَة عن عبادَة، در یک جلد به زیور چاپ آراسته شده است.

- ۵۴- کتاب الفصل بین حدیث نور بن یزید و نور بن زید، در یک جلد.
- ۵۵- کتاب ما جعلَ عبدالله بن عمر عبید الله بن عمر، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۶- کتاب ما جعل شیبان سفیان و سفیان شیبان، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۷- کتاب المعجم علی المَدُن، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۸- کتاب المُقْلِن من الحجازیین، در ده جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۵۹- کتاب المقْلِن من العراقیین، در بیست جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۶۰- کتاب الأبواب المتفرقة، در سه جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۶۱- کتاب الجمع بین الاخبار المتضادة، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است. ۲۴۲
- ۶۲- کتاب وصف المعدل والمعدل، در دو جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۶۳- کتاب الفصل بین حدثنا و أخبرنا، در یک جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۶۴- کتاب وصف العلوم وأنواعها، در سی جلد به زیور چاپ آراسته شده است.
- ۶۵- کتاب الهدایة إلى علم السنن، یک جلد، و در این کتاب امام ابن حبان به توضیح دو صناعت حدیث و فقه پرداخته است در این کتاب امام با ذکر حدیث به ترجمه آن پرداخته و شخصی را که آن حدیث را روایت نموده است به معرفی گرفته و از ویژگی این کتاب اینست که اسما راوی، کشور راوی، و شیوخ راویان را به شمول زادگاه و وفات و تخلص و قبیله و فضل و آگاهی شیوخ راویان تذکر می‌دهد.
- همچنان به شرح محتوای حدیث پرداخته فقه و حکمت نهفته در آن را تبیین می‌نماید اگر حدیث دیگر در تعارض با حدیث مورد اشاره پیدا شود آن دو

تا را با هم جمع نموده و تلاش نموده است اختلاف لفظ را با تلطیف و جمع بین معانی آن رفع نماید تا از این طریق فقه و حکمت نهفته در حدیث به شکل عیان آشکار گردد و این از مهمترین و عزیزترین کتاب‌هایی است که امام ابن حبان رحمته الله تألیف نموده است. ۲۴۳

علاوه بر این تصانیف علامه مولی مصطفی بن عبدالله القسطنطنی الرومی الحنفی الشهیر بالملا کاتب الجلبی والمعروف بحاجی خلیفه مولد (۱۰۱۷) هجری و متوفی (۱۰۶۱) هجری در صفحه ۳۶ و ۳۷ جلد ششم کتاب خود المسمی: (کشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون) پیرامون شخصیت و تألیفات ابن حبان رحمته الله چنین می‌نگارد: «ابن حبان - محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن سعید بن شهید التیمی الحافظ العلامة أبوحاتم البستی (بست بضم الباء وسكون السين مدینه بین سجستان وغزنین من أعمال کابل) توفی فی شوال من سنه ۳۵۴ له من التصانیف:

- ۱- کتاب آداب الرجال.
- ۲- کتاب تفسیر القرآن.
- ۳- کتاب التقاسیم والأنواع.
- ۴- کتاب التمییز بین حدیث النصر والحدانی ونصر الحراز.
- ۵- ثواب الأعمال.
- ۶- کتاب الجرح والتعدیل.
- ۷- کتاب الجمع بن الاخبار المتضاده.
- ۸- کتاب روضه العقلاء.
- ۹- کتاب السنن فی الحدیث.
- ۱۰- کتاب شعب الایمان.

۲۴۳- لعل هذا الكتاب هو ما ذكره الإمام ابن حبان في (الصحيح) عقب الحديث (۱۳۹) باسم: «فصول السنن» وما نقلناه هنا هو نص كلام ياقوت في «معجم البلدان» (۴۱۸/۱)، ثم نقل عن الخطيب البغدادي قوله: «سألت مسعود بن ناصر يعني السجزي فقلت له: أكل هذا الكتب موجودة عندكم ومقدور عليها ببلاذكم؟ فقال: إنما يوجد منها الشيء اليسير، والنزر الحقيقير!»

- ۱۱- کتاب صفۃ الصلاة.
- ۱۲- کتاب طبقات الاصبهانیۃ.
- ۱۳- کتاب علل أوہام أصحاب التواریخ.
- ۱۴- کتاب علل حدیث الزہری.
- ۱۵- کتاب علل حدیث مالک.
- ۱۶- کتاب ما أسند إلى أبی حنیفۃ.
- ۱۷- کتاب علل مناقب أبی حنیفۃ ومثالبہ.
- ۱۸- کتاب غرائب الأخبار.
- ۱۹- کتاب الفصل بین حدثنا وأخبرنا.
- ۲۰- کتاب الفصل بین حدیث أشعث بن مالک وأشعث بن سوار.
- ۲۱- کتاب الفصل بین مکحول الشامی ومکحول الأزدی.
- ۲۲- کتاب الفصل بین منصور بن المعتمر و منصور بن زاذان.
- ۲۳- کتاب الفصل بین النقلة.
- ۲۴- کتاب الفصل بین نور بن یزید ونور بن زید.
- ۲۵- کتاب الفصل والوصل.
- ۲۶- کتاب الأبواب المتفرقة ۳۰ جزء.
- ۲۷- کتاب الاسامی من يعرف بالکنی.
- ۲۸- کتاب التابعین ۱۵ جزء.
- ۲۹- کتاب التاریخ.
- ۳۰- کتاب تباع التبیع فی جزء ۱۷.
- ۳۱- کتاب تبیع الأتباع ۲۰ جزء.
- ۳۲- کتاب الثقات.
- ۳۳- کتاب الضعفاء.
- ۳۴- کتاب الصحابة.
- ۳۵- کتاب کنی من يعرف بالأسامی.
- ۳۶- کتاب ما أسند جنادة من عیادة.

- ٣٧- كتاب ما أغرب البصريون عن الكوفيين.
- ٣٨- كتاب ما انفرد أهل المدينة من السنن.
- ٣٩- كتاب ما انفرد أهل مكة.
- ٤٠- كتاب ما خالف الثورى شعبه.
- ٤١- كتاب ما جعل شيبان سفيان أو سفيان شيبان.
- ٤٢- كتاب ما جعل عبدالله بن عمر عبيدالله بن عمر.
- ٤٣- كتاب ما عند شعبه عن قتاده وليس عند سعيد عن قتاده.
- ٤٤- كتاب المسند فى الحديث.
- ٤٥- كتاب المعجم على المدن.
- ٤٦- كتاب المقلين من الحجازيين.
- ٤٧- كتاب المقلين من العراقيين.
- ٤٨- كتاب موقوف ما رفع.
- ٤٩- كتاب وصايا الأتباع وبيان الإبتداع فى الحديث.
- ٥٠- كتاب وصف العلوم وأنواعها.
- ٥١- كتاب وصف المعدل والمعدل.
- ٥٢- كتاب الهدايه إلى علم السنن.
- ٥٣- كتاب مناقب الشافعى.
- ٥٤- كتاب مناقب مالك. ٢٤٤

عصر امام ابن حبان رحمه الله

از مهمترین ویژگی‌های عصر که امام ابن حبان رحمه الله در آن می‌زیست یعنی از اواخر قرن سوم الی منتصف قرن چهارم، این عصر، عصر اضطراب سیاسی بوده و روحیه کشمکش و نزاع بین افکار و رویکردهای مختلف حاکم بر اوضاع بوده است.^{۲۴۵} اما امام ابن حبان رحمه الله در این عصر مشارکت سیاسی به خصوص جز ریاست قضای سمرقند و غیر آن را نداشته است.^{۲۴۶} اما نهضت علمی در این عصر به شکل بوده که مجتهدین و اصحاب تقلید به نحو خلط و اصحاب اجتهاد مطلقاً می‌زیستند.

اما اکثریت عامه پیرو علمای اهل تقلید بوده‌اند.^{۲۴۷} بدون شک غلبه تقلید سبب اساسی در ظهور کشمکش و نزاع مذهبی تلقی می‌گردد، اختلاف مذهبی در حدی شایع بوده که حکمرانی عصر را می‌کرد، به ویژه در زادگاه امام ابن حبان رحمه الله در قسمت شرقی جهان اسلام اختلافات فکری را ناهمگونی‌های سیاسی و تعصبات مذهبی تغذیه نموده، حتی اینکه امام ابن حبان رحمه الله را در محیطی که مذهب حنفی در آن غالب بوده، از جمله فقهای مذهب شافعی تلقی می‌کردند.^{۲۴۸}

مشکلات زندگی امام ابن حبان رحمه الله

بسیاری از اهل علم و دانش به ویژه آنانی که حامل لوای سنت مطهره نبوی بودند، از ابتلاء و آزمایش، مشقات و مشکلات زندگی به دور نمانده‌اند، امام ابن حبان رحمه الله نیز از این قاعده مستثنی نه، بلکه ایشان همانند سایر علماء و ائمه دین اعنی: امام مالک، امام أحمد، امام بخاری، امام نسایی و سایر ائمه رحمهم الله در معرض آزمایش و ابتلاء قرار داشتند.

بدون اغراق عصر و زمانی که هر یکی از این بزرگان در آن می‌زیستند، لاجرم ایشان از گزند حوادث و تأثیرات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی مصونیت نداشته و

۲۴۵- «أطلس تاريخ الإسلام» للدكتور حسين مؤنس (ص ۲۱۵) وما بعده.

۲۴۶- (۴۵) (۴۵) «معجم البلدان» (۴۱۷/۱).

۲۴۷- «الفكر السامي في تاريخ الفقه الإسلامي» لمحمد بن الحسن الفاسي (۷/۲)

۲۴۸- ترجم لابن حبان من كتب في طبقات الشافعية، كابين الصلاح، وابن كثير، والسبكي وغيرهم كما مر.

اوضاع حاکم در آن عصر و زمان به گونه‌ای بود که خواهی نخواهی ایشان را متأثر می‌نمود.

جهت معلومات مزید، مشکلاتی که امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ در آن عصر و زمان به آن دست و پنجه نرم می‌کرد، مورد ارزیابی خویش قرار می‌دهیم:

نمونه‌های از مشکلات زندگی امام ابن حبان رحمه الله

نخست: از ناحیه سیاسی

تبعی که ما در سیر حیات امام ابن حبان رحمه الله انجام دادیم به مشکلاتی که بین امام ابن حبان و حاکم معین بروز نموده باشد برنخورده، شاید برای این بوده باشد که برخی آثاری که به این مسایل پرداخته اند به آن‌ها دسترسی نیافته ایم و یا اینکه اساساً امام ابن حبان رحمه الله تقاضا و رغبت مشخصی نداشته است تا در این زمینه به مشکلات معینی روبرو شود.

باید این را مدنظر داشته باشیم که ایشان نه برای مدت کوتاهی مسئولیت ریاست قضای سمرقند را به عهده داشتند، بلکه در نیشاپور و چند شهر دیگر نیز منصب قضاء را به عهده داشته اند و این به خوبی می‌رساند که ایشان با حکام وقت مشکلاتی نداشته و حاکمان وقت از ایشان راضی بوده اند. مگر چنین رویکردی باعث توطئه و حسادت تعدادی از اقران، همتایان و همفکران‌اش شده است.

اما فتوایی که گویا در اباحت قتل آن صادر شده است، این ادعا را یاقوت حموی به تنهایی روایت نموده است. ۲۴۹

برخی گفته اند که امام ابن حبان رحمه الله برای ابی طیب مُصْعَبی ^{۲۵۰} کتابی ^{۲۵۱} در مورد قرامطه تألیف نموده است که در پاداش آن وی، امام ابن حبان را بر منصب ریاست قضاء سمرقند گماشته است. هرگاه اهل سمرقند از چنین امر آگاه شدند تصمیم گرفتند وی را به قتل برسانند. اما وی از سمرقند فرار و مدتی در بخاری به

۲۴۹ - «معجم البلدان» (۴۱۹/۱)

۲۵۰- هو: محمد بن حاتم أبو الطیب المصعبی، ترجم له الثعالبی فی «یتیمه الدهر» برقم (۱۶)، والقفطی فی «المحمدون من الشعراء» برقم (۱۶۶) وقال: «من شعراء خراسان ووزرائها، وندمائها ورؤسائها، له فی کل ذلک کمال، وکان له خاطر وقاد وقلم جار، وغلب علی الأمير نصر بن أحمد بکثرة محاسنه ووفور، مناقبه، ووزرله مع اختصاصه بمناذمته، ولم تطل به الايام حتی أصابه عین الکمال، وأدرکته آفة الوزراء، فسقی الأرض من دمه». اهـ وقد ترجم الذهبی للملک أبی الحسن نصر بن أحمد السامانی هذا فی وفيات سنه (۳۳۱ هـ) من «تاریخ الإسلام» (۶۳/۲۵) ۲۵۱- وهو کتاب فی نقض مذهبهم قد أهداه للوزیر السنی فی دولة السامانیین.

شغل بزازی مشغول گردیده و گویا با خریدن لباسی به پنجهزار درهم با شب هنگام بدون تأدیه اموال مردم از بخاری نیز فرار نموده است.

این روایت را که تنها یاقوت حموی نقل کرده است، علمای سیره نویس در مورد آن گفته اند که اگر صحت آن نیز ثابت شود این روایت در حقیقت از جمله شیطنتهایی است که بدبینان امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ برای بدنامی وی شایعه ساخته اند.

این روایت برای ازدیاد شیوع چنین یک رویکردی در آن عصر به طور مطلق قابل رد نیست. و بدون شک این روایت یاقوت حموی اگر صحت هم داشته باشد جزئی از شیطنتها و برچسپ‌هایی بوده است. بدبینان امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ برای بدنامی ایشان علیه وی مطرح نموده اند.

ثانیا: از ناحیه دیدگاه عقیدتی و بعضی امور دیگر

هر محقق منصف در آرای امام ابن حبان و باورهای اعتقادی آن از خلال تتبع آرای آن در تألیفاتش برخلاف اتهامات مطرح شده علیه این عالم جلیل القدر و متهم نمودن‌اش بر افراط‌گرایی مذهبی، به این نتیجه می‌رسد که بسیاری از اتهامات مطرح شده علیه آن اساس علمی نداشته و اتهام افراط‌گرایی مذهبی علیه وی صحت ندارد.

این درست است که وی به نحوی به اشاعره میل داشت و صفت ساق را تاویل می‌نمود و این امر در نوشته‌هایش عیان است و در قسمت‌های که مطرح شده است در مورد آن تعلیق نموده‌ایم اما اینکه گویا وی در همه موارد از منهج اشاعره پیروی می‌نموده است صحت ندارد.

اما وی در بعضی نواحی که دیدگاه‌های اشاعره را تأیید نموده است در حقیقت آن آراء اش در مخالفت با شیخش ابن خزیمه بوده است.^{۲۵۲} و این موضوع آشکاری است که آن را در کتابش تتبع و بر آن تعلیق صورت گرفته است.

همچنان در ارتباط به مبدأ امامت ابن حبان از چهار چوب حق بیرون نگردیده و بر اجتهادش اصرار ورزیده است این اصرار او را در برابر دشمن دو طرفی که به نحوی ادعای برحق بودن در این مسله را داشتند قرار داده است.^{۲۵۳}

شیخ الاسلام ابو اسماعیل عبدالله بن محمد الانصاری مؤلف کتاب ذم الکلام گفت: «از یحیی ابن عمار در مورد ابی حاتم ابن حبان پرسیدم: آیا او را دیده اید؟ گفت: بلی، چگونه او را ندیدم در حالی که ما او را از سجستان بیرون رانده ایم! مردی با وسعت علم بود اما تقوی نداشت وقتی در مورد حد برای خدا پرسیدند آن را انکار نمود و ما او را طرد نمودیم».^{۲۵۴}

سپس امام ذهبی رحمۃ اللہ علیہ می نویسد: «انکار حد و اثبات آن از اموری اند که نص آن را ثابت ننموده است و سخن در این مورد و اصدار فتوی فصولی بیش نیست. از حسن اسلام مؤمن این است که آنچه را به او ربط ندارد آن را ترک می نماید. ایمان به اینکه جز الله متعال احدی نیست از جمله مسایل مؤمن به و اعتقادی است **«لیس کمثله شیء»** همچنان ایمان به اینکه الله متعال شبیه هیچ مخلوقی نیست و الله متعال متمیز به ذات خودش است و از مخلوقاتش متمایز است و هیچگونه وجه شبهه بین او و خالایق نیست».^{۲۵۵}

اسماعیل الانصاری همچنان گفت: «از عبدالصمد محمد بن محمد شنیدم که گفت شنیده است که پدرم می گفت: قول ابی حاتم بن حبان را مبنی بر اینکه نبوت علم و عمل بوده است را رد نموده و حکم بر زندیقیت و هجر وی صادر نمودند و در مورد آن به خلیفه نامه نوشتند و خلیفه بر قتل وی فرمان صادر نمود. شنیدم که دیگران می گفتند که به همین سبب از سمرقند ابی حاتم ابن حبان طرد گردیده است».^{۲۵۶}

۲۵۳- «أراء ابن حبان فی المسائل الإعتقادیة» (ص ۴۳۳).

۲۵۴- «تاریخ الإسلام» (۱۱۳/۲۶)، «سیر أعلام النبلاء» (۹۸/۱۶) و «تذکرۃ الحفاظ» (۹۰/۳).

۲۵۵- «تاریخ الإسلام» (۱۱۳/۲۶).

۲۵۶- «تاریخ الإسلام» (۱۱۳/۲۶)، «سیر أعلام النبلاء» (۹۸/۱۶) و «تذکرۃ الحفاظ» (۹۰/۳).

امام ذہبی در تعقیب این ادعا گفته است

این روایت، روایت غریب و تعجب‌آور است، ابن حبان از فضلاء و اکابر علمای حدیث بود، اما ما ادعای عصمت او از خطا را نداریم، سخنی که به او نسبت داده اند نسبتش اگر به او صحت داشته باشد چنین سخنی را ممکن فلیسوف زندیق و یا مسلمان از روی خطا مطرح نماید، اگر مسلمان از روی خطا چنین سخنی را مطرح کند، می‌شود برای آن عذر جستجو نمود با وجودیکه اصل این است که مسلمان نباید چنین امری را مطرح نماید. و می‌شود با معذور دانستن وی چنین گفت که مبتدای آن خبر حصراً در مورد آن خبر نیست و برای آن قول رسول الله ﷺ را به عنوان مصداق مثال آورد: «الحج عرفة» آشکار است که حاجی فقط برای وقوف در عرفه حاجی نمی‌شود بل برای اینکه حج اش تکمیل و قبول گردد باید سایر فروض و واجبات حج را بجا آورد. اما اینکه رسول الله ﷺ حج را عرفه گفته است برای عظمت رکن عرفات در حج است.

همچنان ذکر اهمیت نبوت این است چنانکه رحمه الله گفتند نبوت موهبتی از الله است و انسان هیچ راهی برای کسب آن از طریق تجربه علما و عملاً ندارد جز اینکه رحمت خدا شامل حال آن شود و او برای پیامبری گزینش گردد. بلکه پیامبر با علم فطری، صلاح و تقوی عمل صالح زاده می‌شود. اما فیلسوفان می‌گویند: نبوت امر اکتسابی است که علم و عمل آن را برای فرد بیار می‌آورد، این قول سخن کفر است و ابو حاتم ممکن نیست چنین قولی را اصلاً بگوید و حاشا لله که او چنین قول کفری را گفته باشد.

امام ذہبی در جای دیگر گفت: این همچنان می‌شود بر حسن حمل شود و مبتدا را محصور در خبر نپنداریم چنانکه مصداق آن را در عبارت (الحج عرفة) توضیح دادیم.... بدون شک آنچه از ابی حاتم ابن حبان بستی نقل نموده اند قابل استیعاب و قبول نیست و پیامبران ﷺ نفس فلسفی نداشته و صنعت پیامبر نه کسبی است بلکه موهبه الهی است. ۲۵۷

فصل چهارم

معرفی صحیح ابن حبان

کتاب صحیح ابن حبان چنان دایرة المعارف بزرگ فقهی است که به شیوه اهل حدیث تألیف گردیده و امام ابن حبان شیوه‌ای را در تألیف این کتاب در پیش گرفته که برای هر حدیث عنوان ای را اختیار نموده که متضمن آن معنی می باشد که امام از نص حدیث استنباط کرده است، او در این کتاب بر بسیاری از احادیث شرح و تعلیقات نفیسی نوشته است، برخی از شروح آن حول سخنان روات و قسمتی از آن شامل معانی دقیقی احادیث در این دایرة المعارف می باشد. ایشان به این هم اکتفاء نکرده و در شرح احادیث نقاط مبهم حدیث و تعارض بین حدیث و حدیث دیگری را نیز شرح و توضیح داده اند. این شیوه در ارزیابی احادیث از نفیس ترین و ظریف ترین شیوه‌هایی است که مؤلف از آن استفاده نموده است.^{۲۵۸}

چگونگی گزینش اسم کتاب

کتاب امام ابن حبان بنام «صحیح ابن حبان» شهرت یافته زیرا این کتاب به مانند سایر دیوان‌های سنت که علماء نام‌های بدیل و مختصر برای آن‌ها برگزیده اند به سبب اختصار تسمیه به این نام مشهور گردیده است.

علامه أحمد شاکر در رابطه به این اسم فرموده: «این اسم از جمله مشهورترین و ساده‌ترین اسم‌هایی است که معمولاً محدثین و فقهاء بر کتاب‌های شان اطلاق و بر زبان مردم جاری گردیده است».^{۲۵۹}

اما اگر بخواهیم در مورد این کتاب چنانکه (نظر علامه أحمد شاکر است) در کتب مصطلح الحدیث و کتاب‌های تراجم صحبت نماییم آن کتاب‌ها، «صحیح ابن حبان» را به نام کتاب (التقاسیم والأنواع) ضبط نموده اند و به سبب اینکه این تسمیه

۲۵۸- «تدوین السنة النبویة نشأته وتطوره من القرن الأول إلى نهاية القرن التاسع الهجری» لمحمد بن مطر الزهرانی

(ص ۱۵۶)

۲۵۹- «الإحسان» (ص ۸)

به کثرت در کتب مصطلح الحدیث و تراجم ترویج یافته است بعضاً گمان می شود که مؤلف این تسمیه را بر کتابش اطلاق نموده است.

شیخ أحمد شاکر اسم کامل این کتاب را به نام «المسند الصحيح علی التقاسیم والأنواع من غیر وجود قطع فی سندها، ولا ثبوت جرح فی ناقلیها» ذکر می نماید.

علامه احمد شاکر اضافه می نماید: «اسم صحیح کتاب چنانکه مؤلفش آن را مسمی نموده است همین است». ^{۲۶۰} او برای تقویت قولش ادله نیز ارائه می دارد.

مستند سازی کتاب به مؤلف آن

بدون شک صحت نسبت کتاب به مؤلف آن از طریق بعضی اموری متفق علیه در میان اهل تخصص و اهل فن التحقيق انجام می پذیرد.

از جمله اقتران و تطابق عنوان کتاب و اسم مؤلف آن در نسخه های خطی در ابتداء و آخر آن و ذکر نام کتاب توسط مؤلف در تألیفات دیگر آن و ذکر معاصرین و شاگردان وی نسبت به کتاب مشار الیه و به مؤلف آن و هکذا روایت آن ها از این کتاب و ذکر اصحاب فهارس و شیوخ علم حدیث و اهتمام ورزیدن به کتاب و فهرست نمایی آن، به شیوه ای که نام کتاب و مؤلف کتاب را چنانکه صاحب کتاب، خود و کتابش را معرفی داشته است معرفی نمودند.

همه این امور در مورد صحیح ابن حبان صحت دارد و شهرت آن در حدی است که دیگر هیچ مجالی برای شک در نسبت این کتاب به امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ باقی نمی گذارد.

موضوع کتاب و اسبابی که مؤلف را به تألیف آن وا داشته است

موضوع کتاب:

موضوع این کتاب روایت سنت مطهره نبوی و به طور ویژه احادیث صحیح است این کتاب از جمله کتاب هایی است که تنها به جمع و تدوین احادیث صحیح پرداخته است.

علامه احمد شاکر در این راستا می‌نگارد: «امام بخاری و امام مسلم تعهد نمودند که در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم تنها به جمع‌آوری اعلی‌ترین احادیث صحیح اکتفاء ورزند، اما هیچ کدام از آن دو شیخ تعهد ننمودند که همه احادیث صحیح را در کتاب‌های‌شان ضبط نمایند، بل بسیاری از احادیث صحیح را آن دو ذوات محترم به اساس عدم تطابق شروط ایشان به آن احادیث ضبط ننموده‌اند، زیرا اینگونه احادیث درجه صحت‌شان کمتر از شروطی بوده است که صحیح بخاری و صحیح مسلم برای قبول احادیث صحیح وضع نموده بودند. برای همین سایر حفاظ و ائمه بزرگوار علم حدیث از جمله ابن خزیمه و حافظ کبیر، امام الأئمه، شیخ الإسلام، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، و شاگرد آن الإمام الحافظ العلامة ابوحاتم محمد ابن حبان به جمع‌آوری آن عده احادیث صحیحی پرداختند که آن احادیث توسط صحیحین جمع‌آوری و ضبط نگردیده بود. ۲۶۱»

اسباب تألیف صحیح ابن حبان

امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ در مقدمه کتابش چنین نوشته است: «مسلماً از اسباب لزوم سنت مطهره سیدالکونین محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم سلامتی تام، جمع کرامت، روشن نگهداشتن چراغ و نور آن، از بین نرفتن حجت و برهان آن، کسیکه به آن التزام ورزد، محفوظ ماند، کسیکه به آن مخالفت کند نادم و پیشمان شود، بنای این دیوار قلعه رکن مستحکم و پایدار، فضل و برکتش پاینده، ریسمانش متین و محکم، کسی که به آن تمسک ورزد، کامیاب، و کسی که مخالف آن گام بگذارد تباه و کسانی که در ارتباط به آن باشند اهل سعادت و غبطه در بین مردم اند. ۲۶۲»

ابن حبان می‌گوید: من هنگامی دیدم که روایت و راویان کثرت یافت و آگاهی مردم از احادیث صحیح اندک گردید و مردم بیشتر مشغول نوشتن موضوعات و ضبط خطاها گردیدند و احادیث صحیح مهجور ماند و کسی به ضبط و تألیف آن‌ها همت نگماشت، و منکرات غالب گردیدند و ائمه‌ای که احادیث را جمع‌آوری نمودند، اهل فقه بر آن‌ها تأمل نمودند و بیشتر به چگونگی تحقیق در اسناد آن احادیث پرداختند و توجه بیشتر به تکرار آثار نمودند تا بهتر بتوانند زمینه حفظ حفاظ را مهیا

نمایند. این همه باعث شد که من به نوشتن این کتاب روی بیاوریم برای همین این کتاب را به شیوه‌ای تدوین نمودم که هم حفظش بر متعلمین آسان باشد و هم اهل تحقیق بتوانند به معانی آن به شکل درست پی ببرند». ۲۶۳

شروط مؤلف در قبول روایات

امام ابن حبان رحمته الله در بیان شرط قبول احادیث در صحیح ابن حبان چنین می‌فرماید: «اما شرط ما در نقل روایاتی که در این کتاب درج گردیده به گونه‌ای بوده است که ما هیچ حدیثی را قبول نکردیم مگر اینکه راوی آن خصایص پنجگانه آتی را دارا باشد:

- ۱- عدالت در دین و پاکی نفس.
 - ۲- مشهور بودن به صدق و امانت.
 - ۳- آگاهی عقلی از محتوای احادیثی که روایت می‌نماید.
 - ۴- علم به محتوای معانی احادیث مرویه.
 - ۵- خالی بودن احادیث مرویه از تدلیس.
- هر راوی که خصایص پنجگانه را دارا بوده باشد از او روایت نموده‌ایم، اما کسانی که فاقد یکی از این خصایص پنجگانه باشند از آن‌ها روایت ننموده ایم. ۲۶۴

بارزترین ویژگی‌های منهج امام ابن حبان رحمته الله در تألیف صحیحش

امام ابن حبان رحمته الله کتاب «التقاسیم» را به ابواب چنانکه سایر اصحاب مسانید تنظیم نموده اند، ترتیب نداده است، بل او این کتاب را برخلاف سایر مسانید با شیوه خاص مبتکرانه خودش تألیف نموده، چنانکه حافظ السیوطی می‌گوید: «صحیح ابن حبان بر اساس ابواب و مسانید ترتیب نیافته است، بنابر این آن را «التقاسیم والانواع» نامیده و تدوین کرده است». ۲۶۵

۲۶۳- مقدمه الإمام ابن حبان لـ «الصحيح».

۲۶۴- مقدمه الإمام ابن حبان لـ «الصحيح»

۲۶۵- «تدريب الراوی» (۱۱۵/۱)

ایشان کتابش را بر پنج قسم تقسیم و تحت هر قسم چند نوع را قرار داده است که از آن‌ها در مقدمه‌اش چنین ذکر به عمل آورده

نخست: فرامینی که خداوند ﷻ بندگان را به آن امر نموده است شامل یکصد و ده نوع می‌شود.

ثانیاً: نواهی که خداوند ﷻ بندگان را از آن‌ها منع نموده است و همچنان شامل یکصد و ده نوع می‌شود.

ثالثاً: احادیثی که به فهم آن نیاز داریم شامل هشتاد نوع می‌شود.

رابعاً: مباحاتی که انجام آن مباح گردیده است شامل پنجاه نوع می‌شود.

خامساً: افعال ویژه پیامبر ﷺ شامل پنجاه نوع می‌شود.

سپس فرمود مجموع انواع سنن مشتمل بر چهار صد نوع حسب آن که ذکر نمودیم می‌شود.

ایشان در آخر کتابش چنین فرموده‌اند: «این آخرین انواع سنن است که آن را بر حسب کتاب تقاسیم تنظیم نمودیم و از انواعی که از اول تا آخر ذکر نمودیم این گونه انعکاس نیافته است، زیرا اگر تمام انواع سنن را تذکر می‌دادیم این کتاب شامل تمام صغیره و کبیره زندگی پیامبر ﷺ می‌شد». و همچنان فرمود: «ما مبهمات الفاظ مرویه را شرح و معانی آن را توضیح دادیم». ۲۶۶

اینچنین است که پیدا کردن احادیث معین به خاطر شیوه باب‌بندی به خصوص این کتاب مشکل بوده، زیرا صاحب کتاب با این تقسیم بندی باعث شده است برای یافتن حدیث معین همه کتاب را مرور نماید و یا اینکه همه کتاب را به حفظ داشته باشد تا به مرادمان دست یابیم و این امر در هر دو صورت سخت و شبه ناممکن است برای همین ابن بلبان «صحیح ابن حبان» را بر ابواب تقسیم و آن را به نام: «الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» نامیده است.

ارزش علمی کار ابن بلبان در ترتیب صحیح ابن حبان

بدون شک ترتیب ابن بلبان برای «صحیح ابن حبان» و ابواب بندی آن کار عظیم و جلیلی است، ابن بلبان کار این کتاب را برای فهم متعلمین ساده ساخته است و اصل آن را با تمام دقت و امانت حفظ نموده است، چنانکه وی تراجم ابن حبان را با نص کامل آن ضبط نموده و هیچ گونه تصرفی در آن انجام نداده است.

کار ابن بلبان در برگیرنده فقاہت و علمیت ابن حبان را در احادیث نبوی احتوا می کند، حفظ و همچنان تعلیقات ابن حبان بر احادیث را که حاوی دیدگاه های وی درباره علم رجال و تفسیر دقیق معانی و رویکرد علمی آن در سنت حدیث است را حفظ و انعکاس داده است.

مسلماً ابن بلبان «صحیح ابن حبان» را یک کتاب منظم که با تنظیم تقاسیم و انواع ارقام یافته بود، یافت و از اینجا در صدد تنظیم آن به شکل ابواب گردید او در برابر هر حدیثی که از نوع معین روایت کرده بود، شماره ای را گذاشت که ابن حبان روایت کرده بود، و قسمی را که دارای همین نوع بود آن را ضبط و تبیین نمود، چنانکه در این مورد می فرماید: «من در برابر هر حدیث عدد نوع آن را اضافه نمودم تا این گونه بدون مشقت، اصل آن حدیث را بتوانیم در «کتاب التقاسیم والأنواع» پیدا نماییم، به طور مثال اگر حدیثی از نوع یازدهم اقتباس گردیده بود در برابر آن عدد (۱۱) را گذاشتیم و اگر از قسم اول بود عدد نوشته خالی از علامت را چنانچه دیدید نوشتیم اما اگر از قسم ثانی بود در تحت آن خطی عرضی را اضافه نمودیم.

اینکه گونه (۱۱) واگر از قسم سوم بود عدد را در فوق آن خطی عرضی را قرار دادیم (۱۱) و اگر از قسم چهارم بود عدد را در قسمت بالا و پائین آن دو خط عرضی قرار دادیم (۱۱) و اگر از قسم پنجم بود عدد را در قسمت بالای آن دو خط عرضی گذاشتیم (۱۱) این همه را برای توفیر وقت و آسانی برای پژوهشگران انجام دادیم»

ترتیب ابن بلبان در حقیقت فهرست منظمی محسوب می گردد که عقل منظم و دقیق آن را کشف و اختراع نموده است این شیوه نشان می دهد که تجربه فهرست گذاری نیز فکر عربی و سنت اسلامی بوده و آغاز آن از مدنیت اسلامی صورت گرفته است.^{۲۶۷}

فصل پنجم

اهمیت صحیح ابن حبان و جایگاه علمی آن نزد علماء

صحیح ابن حبان دارای جایگاه و مرتبه‌ای متمایزی بین دیوان‌های صحاح بوده و این کتاب گاهی مقدم و گاهی بعد از صحیح ابن خزیمه شیخ ابن حبان در تصنیف بندی کتاب صحاح می‌آید. این کتاب از جمله کتب صحیحه است که مرویاتش معتمد بر احادیث صحیحه است اهمیت آن از خلال نقاط ذیل قابل فهم است:

توصیف علماء از صحیح ابن حبان:

حاکم در معرض ثناء که از جمله مصنفات ویژه‌اش می‌باشد در مورد «صحیح ابن حبان» چنین می‌گوید: «تصانیفی از احادیث را جمع‌آوری نموده است که قبل از آن احدی بر آن حدیث نه پرداخته است». ۲۶۸

خطیب با روایت یاقوت حموی در مورد سایر مصنفات ابن حبان می‌گوید: «از این گونه کتاب‌های عظیم باید نسخه‌های بیشتر داشته باشیم و اهل علم در حفظ و کتابت و تجلید و شرح معانی از همدیگر پیشی گیرند و اگر در این مورد کوتاهی هم است به سبب کم‌دانشی اهل آن بلاد از جایگاه علم و فضیلت و تقوی و خدا ترسی و عدم رغبت و بصیرت آن‌ها بر اهمیت علم در حیات بشریست». ۲۶۹

ابن بلبان^۱ در مورد صحیح ابن حبان می‌گوید: «این کتاب از جامع‌ترین مصنفات در اخبار نبوی و با فایده‌ترین مؤلفات از آثار محمدی است». ۲۷۰

۲۶۸- «سیر أعلام النبلاء» (۹۷/۱۶).

۲۶۹- «معجم البلدان» (۴۱۸/۱).

۲۷۰- مقدمة ابن بلبان لـ «الإحسان».

ابن کثیر رحمۃ اللہ علیہ در مورد صحیح ابن حبان می‌فرماید: «ابن خزیمه و ابن حبان در جمع‌آوری احادیث صحیحہ التزام خاص ورزیدند و کتاب آن دوتا بهتر از «المستدرک» و پاکترین اسانید و متون اند». ۲۷۱

ابن حجر رحمۃ اللہ علیہ در وصف صحیح ابن حبان می‌فرماید: «حکم احادیثی که در کتاب صحیح ابن خزیمه و ابن حبان جمع‌آوری گردیده اند، اینست که ما به آن‌ها نیاز داریم زیرا این دو کتاب بین احادیث صحیح و حسن جمع نموده و در بعضی آن احادیث، علت طعن کننده دیده نشده است». ۲۷۲

ابن عماد رحمۃ اللہ علیہ در وصف صحیح ابن حبان می‌گوید: «اکثریت پژوهشگران و نقاد علم حدیث بر این نظر اند که صحت درجه صحیح ابن حبان بالاتر از سنن ابن ماجه است». ۲۷۳

حضرت عماد رحمۃ اللہ علیہ گفته: «اکثر نقاد حدیث براین باورند که کتاب «الصحيح ابن حبان بستی» حتی نسبت به سنن ابن ماجه اصح و اقوی می‌باشد».

حاج ملا عبدالله احمدیان در کتاب **خود المسمى** (تاریخ حدیث و ضبط و ثبت احادیث) در صفحه ۱۱۷ و ۱۱۸ تحت عنوان **مرحلة ششم** سیر تکاملی تألیف کتب و علم الحدیث - و تألیفات جدید از مسند صحیح محمد ابن حبان بستی به شرح ذیل می‌نگارد: «در این کتاب احادیث به ترتیب جدیدی مغایر با ترتیب همه مسندها و سنن‌ها تنظیم گردیده، به این صورت که احادیث در پنج موضوع کلی یعنی:

۱- اوامر.

۲- نواهی.

۳- اخبار.

۴- اباحات.

۲۷۱- «الباعث الحثيث» (ص ۲۷، «فتح المغیث» (۵۶/۱).

۲۷۲- «النکت علی مقدمه ابن الصلاح» (۲۹۱/۱).

۲۷۳- «شذرات الذهب» (۱۶/۳).

۵- و افعال پیامبر گرامی اسلام سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله طبقه‌بندی شده اند، و در ذیل هر یک از این موضوعات طبقه‌بندی کوچک‌تری نیز صورت گرفته است، از این رو این کتاب به «الأنواع والتفاسیم» شهرت یافته و چون استفاده از این کتاب برای مراجعه کنندگان دشوار بود، علاء الدین بن علی بن بلبان فارسی متوفی سال ۷۳۹ هجری قمری آن را بر پایه ابواب فقهی تدوین نمود و «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» نام نهاد و در نه جلد آن را تنظیم نمود.^{۲۷۴}

خوشبختانه بر علاوه دوره نه جلدی امروز صحیح ابن حبان در یک مجلد که دارای ۷۴۹۴ حدیث می‌باشد نیز در دسترس ما قرار گرفته است.

آری! امام امیر علاء الدین علی بن بلبان فارسی متوفی سال ۷۳۹ هجری، صحیح ابن حبان را که ۷۴۹۴ حدیث را احتواء می‌کند به‌طور بسیار منظم و مرتب با یک مقدمه زیبا ذیلاً ترتیب داده است:

- ۱- کتاب الوحی.
- ۲- کتاب الإیمان.
- ۳- کتاب الإسرائ.
- ۴- کتاب البر والإحسان.
- ۵- کتاب العلم.
- ۶- کتاب الرقاق.
- ۷- کتاب الطهارة.
- ۸- کتاب أخبار نبی کریم صلی الله علیه و آله و مناقب صحابه رجالهم ونسائهم با ذکر اسمای ایشان رضوان الله علیهم أجمعین.

که جمعاً شصت کتاب و با داشتن ۲۴۵ باب، با فهرست کتاب‌ها و ابوابش توأم با فهرست احادیث و آثارش می‌باشد، ترتیب و تدوین نموده است.

افزون بر آن شیخ خلیل بن مأمون شیخ، اصول این صحیح را تحقیق و احادیث آن را تخریج و به اسم «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» مسمی نموده، و دارالمعرفه بیروت - لبنان - آن را با قطع و صحافت بسیار زیبا و شگرف در یک مجلد ضخیم که دارای ۷۴۹۴ هفت هزار و چهار صد و نود چهار حدیث و ۲۱۷۵ صفحه می‌باشد به زیور چاپ آراسته و در دسترس علاقه‌مندان علم و دانش قرار داده است.

مورد امتحان قرار گرفتن ابن حبان رحمه الله

ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری مؤلف کتاب «ذم الکلام» می‌نویسد: «از عبدالصمد محمد بن محمد، و از پدرم شنیدم که می‌گفت: «مردم گفتار ابوحاتم بن حبان را مبتنی بر اینکه (نبوت علم و عمل است) منکر گرفته و حکم زندیق را بر آن نموده و از وی به خلیفه و پادشاه وقت شکایت بردند، زمامدار وقت به قتل و کشتار آن فرمان صادر کرد.

امام ابن ذهبی در این راستاد می‌گوید

گفتم: این حکایت بسیار نادر و نا آشناست، زیرا ابن حبان از جمله کبار ائمه دین است و ما درحالی که وی را از سهو و خطا مبرا ندانسته، مگر این جمله‌ای است که شاید آن را گفته باشد. یقیناً این جمله‌ای است که مسلمان و زندیق و فیلسوف آنرا به زبان می‌رانند، پس بر مسلمان گفتن همچو جمله مناسب نیست؛ در صورتی که گفته باشد باید از خداوند بخشاینده و مهربان معذرت بخواهد».

پس می‌گوییم که حصر مبتدا در خبر مراد نیست، مانند این قول رسول الله ﷺ که می‌فرماید: «الحج عرفه» واضح است که حاجی صرف به مجرد ایستاد شدن در عرفات حاجی نمی‌گردد، بلکه ادای دیگر فرایض و واجبات بالایش باقی می‌ماند و این جمله را جهت اهمیت وقوف در عرفات تذکر داده است، همچنان ذکر این جمله (نبوت علم و عمل است) از جهت اهمیت موضوع تذکر یافته است بناءً علم و عمل از جمله تکمله صفات نبوت محسوب می‌گردد، فلهمذا هیچ کسی نبی و پیامبر شده نمی‌تواند مگر بوجود این دو (علم و عمل) و این‌طور هم نیست که کسی با داشتن این دو صفت نبی و پیامبر شده بتواند، بلکه نبوت موهبه‌ای است از طرف خداوند متعال، و در اکتساب آن برای عبد مجالی نیست، بلکه نبوت مربوط به علم لدنی و عمل صالح می‌باشد.

اما فلاسفه اعتقاد بر آن دارند که نبوت منصبی است که به اساس علم و عمل حاصل می‌گردد، این عقیده فلاسفه در رابطه با نبوت کفر محض است؛ ولی ابو حاتم اصلاً و هرگز و به هیچ وجهی به این عقیده و باور نداشته، حاشا لله! ۲۷۵

سند امام ذهبی تا امام ابن حبان:

عالی‌ترین چیزی که به اعتبار سند از وی در یافت نمودیم احادیث ذیل می‌باشد:

- ۱- کتب إلى المسلم بن محمد العلانی.
- ۲- أخبرنا أبو الیمن الکندی.
- ۳- أخبرنا أبو منصور الشیبانی.
- ۴- أخبرنا أبوبکر الحافظ.
- ۵- أخبرنا أبو معاذ عبدالرحمن بن محمد سنه ثلاث عشرة و أربع مائه قدم

للحج:

أخبرنا أبو حاتم التمیمی: حدثنا أبو خلیفه عن شعبه، عن منصور، عن ربعی، عن أبي مسعود: أن النبی ﷺ قال:

«إن مما أدرك الناس من كلام النبوة الأولى: إذا لم تستحی فاصنع ما شئت».

ترجمه: آنچه را که مردم از کلام نبوت اولی دریافت نمودند، این بود: وقتی که حیاء نمی‌کنی پس انجام ده هر آنچه را که خواسته باشی.

- ۱- أخبرنا أحمد بن حبه الله.
- ۲- أنبأنا أبو روح عبدالعز بن محمد.
- ۳- أخبرنا زاهر بن طاهر.
- ۴- أخبرنا أبوبکر البیهقی.

٥- أخبرنا أبوبكر محمد بن أحمد بن منصور النوقانى :

أخبرنا أبوحاتم محمد بن حبان: حدثنا أحمد بن الحسن الصوفى . ح و أخبرنا أحمد بن إسحاق: أخبرنا أحمد بن صرما والفتح بن عبدالله قالوا: أخبرنا محمد بن عمر: أخبرنا ابن النقور: أخبرنا على بن عمر الحربى: حدثنا الصوفى: حدثنا يحيى بن معين: حدثنا عبدة، عن هشام بن عروه، عن موسى بن عقبه، عن عبدالله بن عمرو الأودى، عن ابن مسعود رضى الله تعالى عنه، عن النبى ﷺ قال: «يحرّم على النار كل هين لين قريب سهل». أخرجه الترمذى من حديث عبدة بن سليمان وحسنه.

١- قرأت على سليمان بن حمزة القاضى:

٢- أخبرنا محمد بن عبدالواحد الحافظ:

٣- أخبرنا عبدالمعز بنمحمّد:

٤- أن تميم الجرجانى أخبرهم:

٥- أخبرنا على بن محمدالبخائى:

٦- أخبرنا محمد بن أحمد الزوزنى:

أخبرنا محمد بن حبان: حدثنا الحسن بن سفيان، حدثنا يزيد بن صالح و محمد بن أبان الواسطى قالوا: حدثنا جرير بن حازم: سمعت أبا رجاء العطاردى، سمعت ابن عباس على المنبر يقول: قال رسول الله ﷺ: «لا يزال أمر هذه الأمة مؤاماً أو مقارباً، ما لم يتكلموا فى الولدان و القدر». ٢٧٦

١- أنبانا يحيى بن أبى منصور:

٢- أخبرنا عبدالقادر الحافظ:

٣- أخبرنا مسعود بن الحسن:

۴- أخبرنا أبو عمرو بن مندة:

۵- أخبرنا أبي:

أخبرنا أبوحاتم ابن حبان: حدثنا عمر بن محمد بن بجير: حدثنا ابن السرح: حدثنا ابن وهب: حدثنا بكر بن مضر، عن الازاعي قال: «بلغني أن الله إذا أراد بقوم شرا ألزمهم الجدل ومنعهم العمل».

۱- أخبرنا الحسن بن علي:

۲- أخبرنا ابن اللتي:

۳- أخبرنا أبو الوقت:

۴- أخبرنا أبو اسماعيل الأنصاري:

۵- أخبرنا عبدالصمد بن محمد بن محمد بن صالح:

۶- أخبرنا أبي:

أخبرنا محمد بن حبان: سمعت أسامه بن أحمد بمصر: سمعت ابن السرح، سمعت عبدالرحمن بن القاسم: سمعت مالكا يقول: «ما أحد ممن تعلمت منه العلم إلا صار إلىّ حتى سألني عن أمر دينه». ۲۷۷

نسبت صحت بودن، صحیح ابن حبان المعروف به اسم «التقاسيم والانواع» به شخص امام ابن حبان البستی رحمته الله:

کتاب صحیح ابن حبان که از امام ابوحاتم محمد بن حبان البستی رحمته الله می باشد، کتاب بزرگی است در باب خود و حفاظ حدیث از آن تذکر داده اند، و بر زبان امامان و محدثین مشهور، در نزد مؤرخان و دیگر مردم معروف و معلوم بوده است.

که گاهی به نام [صحیح ابن حبان]،

گاهی به نام [المسند الصحيح]،

گاهی به نام [التقاسیم والأنواع]،

گاهی به نام [الأنواع والتقسیم]

یاد می‌کنند که هیچ گونه شک و شبه در نسبت آن به ابن حبان رحمته الله دیده نمی‌شود. در می‌یابیم که علمای کرام از این کتاب چگونه یاد آوری میکنند:

۱- امام العراقی در کتاب خود (فتح الغیث) از صحیح ابن حبان چنین یادآور شده است: «همچنان از مصنفات صحیح مختصه به جمع صحیح گرفته می‌شود مانند صحیح ابوحاتم محمد بن حبان البستی». ^{۲۷۸}

۲- امام ابن حجر العسقلانی در کتاب خود (لسان المیزان) می‌گوید: «أبو حاتم محمد بن حبان... المسند الصحيح را تألیف نموده است». ^{۲۷۹}

۳- امام اللکهنوی در کتاب خود (ظفر الأمانی) می‌گوید: «صحیح ابوحاتم محمد بن حبان البستی به نام التقاسیم والأنواع می‌باشد». ^{۲۸۰}

۴- امام ابن الصلاح در کتاب خود (المقدمة فی علوم الحديث) می‌گوید: «این کتاب در حکم نزدیک به صحیح ابوحاتم ابن حبان البستی دارد». ^{۲۸۱}

۵- امام العراقي در مورد کتاب صحیح ابن حبان چنین ابراز نظر می‌نماید: «کسی که شروط صحیح ابن حبان را بداند لاجرم مقام و منزلت شامخ این کتاب را نسبت به مستدرک حاکم می‌داند». ^{۲۸۲}

۲۷۸- فتح الغیث للعراقی: ص ۱۶-۱۷"

۲۷۹- لسان المیزان: ۱۱۴/۵.

۲۸۰- ظفر الأمانی فی مختصر الجرجانی: ص ۱۵۶.

۲۸۱- المقدمة فی علوم الحديث: ص ۱۱

۲۸۲- التقييد والإيضاح: ص ۱۸.

ع- أبوسعبد الأدریسی در مورد صحیح ابن حبان چنین اظهار نموده است: «أبو حاتم ابن حبان، المسند الصحیح را تألیف نموده است». ۲۸۳

۷- امام ابن نقطه در کتاب خود (التقیید) در رابطه شناخت أبو القاسم تمیم بن ابی سعید چنین می‌نگارد: «بنابر روایتی کتاب التقاسیم والأنواع از أبو حاتم محمد بن حبان البستی می‌باشد». ۲۸۴

۸- امام الذهبی در کتاب خود (سیر أعلام النبلاء) می‌نگارد: «أبو حاتم محمد بن حبان المسند الصحیح یعنی کتاب الأنواع والتقاسیم را تصنیف نموده است». ۲۸۵

۹- امام السیوطی در کتاب خود (طبقات الحفاظ) می‌نگارد: «ابن حبان الحفاظ العلامة أبو حاتم محمد بن حبان المسند الصحیح را تصنیف کرده است». ۲۸۶

۱۰- امام ابن قاضی شهبة در کتاب خود (طبقات الشافعیه) گفته است: «محمد بن حبان بن أحمد بن حبان أبو حاتم صاحب کتاب الأنواع والتقاسیم می‌باشد». ۲۸۷

۱۱- امام السمعانی در کتاب خود (التجیر فی المعجم الکبیر) در رابطه شناخت ابو القاسم الجرجانی می‌گوید: «از جمله آنچیزی که از آن شنیده است این قول نیز می‌باشد که الجامع الصحیح المعروف بالتقاسیم از ابو حاتم ابن حبان البستی می‌باشد». ۲۸۸

۱۲- امام تاج الدین السبکی در کتاب خود (طبقات الشافعیة الكبرى) گفته است: «أبو حاتم ابن حبان صاحب تصنیف الأنواع والتقاسیم می‌باشد». ۲۸۹

۲۸۳- طبقات الشافعیة لابن قاضی شهبة: ۱۳۱/۲-۱۳۲

۲۸۴- التقیید: ص ۲۲۲.

۲۸۵- سیر أعلام النبلاء: ۹۴/۱۶.

۲۸۶- طبقات الحفاظ: ص ۲۴۳.

۲۸۷- طبقات الشافعیة: ۱۳۱/۲.

۲۸۸- التجیر فی المعجم الکبیر: ص ۱۴۵-۱۴۷.

۲۸۹- طبقات الشافعیة الكبرى: ۱۳۱/۳.

۱۳- امام ابن تغری بردی در کتاب خود (النجوم الزاهرة) گفته است: «أبو حاتم التمیمی البستی، المسند الصحيح را تألیف کرده است». ۲۹۰

۱۴- امام السلامی در کتاب خود (الوفیات) می گوید: «علاء الدین ابن بلبان صحیح ابن حبان را ترتیب نموده است». ۲۹۱

۱۵- امام ابن کثیر در کتاب خود (البداية والنهاية) گفته: «أبو حاتم محمد بن حبان البستی فی صحیح خود روایت کرده است». ۲۹۲

۱۶- حاجی خلیفه در کتاب خود (كشف الظنون) گفته است: «که صحیح ابن حبان از أبو حاتم بن محمد بن حبان البستی می باشد و هکذا گفته است که کتاب الأنواع والتقاسیم از ابن حبان می باشد». ۲۹۳

۲۹۰- النجوم الزاهرة ۳/۳۴۲

۲۹۱- وفیات السلامی: ۱/۲۷۹.

۲۹۲- البداية والنهاية: ۵/۱۰۷۵

۲۹۳- (الاحسان فی تقرب صحیح ابن حبان ص ۲۳-۲۵)

منهج و شیوه تحقیق مرکز بحوث و تقنیة المعلومات

در مورد کتاب صحیح ابن حبان

۱- در مورد حیات امام ابن حبان صاحب کتاب الصحیح از خلال کتابت امام الذهبی در باره آن قیام نموده است.

۲- هکذا در مورد حیات امام ابن بلبان که مرتب کننده کتاب صحیح ابن حبان است از طریق امام الذهبی قیام کرده است.

۳- متن صحیح ابن حبان را با چندین نسخه دیگر مقابله نموده است.

۴- برای نص علامات ممیزه گذاشته تا به شکل اشکار معلوم گردد.

۵- نص را به شکل کامل از روی سند و متن ترتیب و تنظیم و ثبت و ضبط نموده است بخاطر ارایه خدمت به این علم شریف و این کتاب نفیس.

۶- آیات را با گذاشتن قوسین ممیز ساخته اند.

۷- احادیث مرفوع را بواسطه دو قوس «...» به رنگ سرخ ممیز ساخته اند تا از دیگر اقوال موقوفه و مقطوعه تمیز گردد.

۸- مرکز البحوث: اعتمادنا علی الحاضرتین هکذا [...] لضبط الخطأ الموجود فی النص، وتصحيحه من التصانیف المعتمدة.

۹- مرکز البحوث: اعتمادنا علی الحاضرتین هکذا / ... / للزيادة إذا اقتضى الأمر ذلك.

۱۰- شماره گذاری نموده است کتاب را به شماره گذاری مسلسل مثلاً: نهم کتاب الصلاة.

۱۱- هکذا ابواب را شماره گذاری نموده است مسلسل و شماره مسلسل را گردانیده است به حسب موجود در هر کتاب شماره دوم به تعقیب شماره مسلسل می آید مثلاً: ۴/۲۷ باب الخوف والتقوى.

۱۲- عناوین فقهی موجوده را قبل از هر حدیث شماره گذاری نمودیم و اضافه نمودیم عنوان را هکذا فصل:-

۱۳- احادیث را از اول تا آخر کتاب شماره گذاری مسلسل نمودیم.

۱۴- هکذا احادیث را بر حسب موجود در هر فصل شماره گذاری نمودیم به شماره گذاری که بعد از شماره مسلسل مباشرتا می آید مثلاً: ۱/۲۴۸- أخبرنا الحسن بن سفیان: حدثنا الحسن بن عمر بن شقیق....

۱۵- بعض عبارت که ایجاب شرح را داشت، آن را شرح دادیم مانند: بیان لفظ مهجور و یا غریب و آن را از طریق کتب غریب الحدیث و یا ترجمه بعضی شهرها را از خلال کتاب معجم البلدان و یا بیان بعضی اسماء روات که در سند خطا درج گردیده بود و این کار را از خلال کتب الرجال المختصه انجام دادیم.

۱۶- نسبت دادن آیات قرآن کریم.

۱۷- احادیث را تخریج علمی نمودیم بر حسب کتب نه گانه که آن‌ها عبارتند از:

- [الموطا] امام مالک بن انس رحمته الله.
- [المسند] امام أحمد بن حنبل رحمته الله.
- [الصحيح] امام محمد بن اسماعيل البخاری رحمته الله.
- [الصحيح] امام مسلم بن الحجاج القشیری رحمته الله.
- [السنن] امام عبدالله بن عبدالرحمن الدارمی رحمته الله.
- [السنن] امام سليمان بن الأشعث السجستانی رحمته الله.
- [السنن] امام محمد ابن عيسى الترمذی رحمته الله.
- [السنن] امام أحمد بن شعيب النسائی رحمته الله.
- [السنن] امام محمد بن يزيد بن ماجه القزوينی رحمته الله.

۱۸- رمز و اشاره‌های مشهور را برای صاحبان مصنفات مذکوره گذاشتم آنانی

که احادیث را از ایشان تخریج نمودیم که ذیلاً تقدیم می‌گردد:

- (ط) : برای موطأ مالک.
- (حم) : برای مسند أحمد.
- (خ) : برای صحیح البخاری.
- (م) : برای صحیح مسلم.
- (دی) : برای سنن الدارمی.
- (د) : برای سنن ابی داود.
- (ت) : برای سنن الترمذی.
- (س) : برای سنن النسائی.
- (جه) : برای ابن ماجه.

۱۹- منهج یی را به شیوه خاص و طریقه دقیق در تخریج کتاب صحیح ابن

حبان گذاشتیم و آن این که: اخراج نمودیم احادیث را از کتب نه گانه چنانکه قبلاً تذکر دادیم، در حالیکه اعتماد داشتیم بر اسانید صحابه، آن اصحابی که بر روایت حدیث اتفاق نظر دارند، مثلاً : وقتی که حدیثی را نزد امام احمد یافتیم که مطابق سند است و یا قریب آن، آن را گرفته و به آن اعتماد کردم و اگر آن را از امام احمد به طریقه بعید روایت کرده باشد، باز آن را ترک کردم.

و اگر به جز آن دیگر دریافت نکردم باز آن را اخذ می‌نمودم و یا اگر صحابی از دیگر طریق آن را بذات روایت کرد به آن اعتماد نموده و اخذ نمودم و هکذا بدین منوال از بقیه کتب نه گانه به طور مثال: أخرج الإمام ابن حبان حدیث: «إِذَا وَقَعَ الذَّبَابُ فِي إِنَاءٍ أَحَدِكُمْ...» الحدیث، عن محمد بن اسحاق بن خزيمة: حدثنا زياد بن

یحیی الحسانی، حدثنا بشر بن المفضل : حدثنا ابن عجلان، عن سعيد المقبري، عن أبي هريرة رضی الله عنه، قال: قال رسول الله ﷺ.... الحديث.

هذا الحديث رواه الإمام أحمد في مسند (الحديث: ۲/ ۲۲۹) عن الحسن بن عرفة عن بشر بن المفضل، عن ابن عجلان، عن سعيد المقبري، عن ابن عجلان به.

ورواه ايضاً في (الحديث: ۲- ۲۴۶) عن سفيان، عن ابن عجلان به. ورواه ايضاً في (الحديث: ۲- ۴۴۳) عن وكيع، عن ابراهيم بن المفضل، عن سعيد المقبري به.

پس به روایت اولی که از امام أحمد بود اعتماد کرده و اخذ نمودم و آن این (الحديث: ۲- ۲۲۹) و الیک مثال آخر عن تخريجی عن الصحابی فقط دون السند لعدم وجود السند ذاته.

الحديث نفسه رواه الإمام الدارمی (الحديث: ۲- ۹۸) عن عبيد بن حنين، عن أبي هريرة رضی الله عنه به.

فأخذت بهذه الرواية كونها عن الصحابي نفسه، ولو كان الحديث عن غير أبي هريرة تركته ولم انظر اليه.

و اما بالنسبة للطريقة المتبعة في الاحالات.....

ترتیب صحیح ابن حبان نظر به صحیح ابن خزيمة و الحاكم در رتبه اول، دوم و سوم کدام یکی از اینها قرار دارند؟

امام سیوطی رحمته الله می نویسد: «از ما تقدم فهمیده می شود که:

- ابن خزيمة در ردیف اول.
- ابن حبان در ردیف دوم.
- مستدرک الحاكم در ردیف سوم قرار دارد.

پس لازم است که گفته شود: أصحابها بعد مسلم ما اتفق علیه الثلاثة، ثم ابن خزيمة وابن حبان، أو الحاكم ثم ابن حبان و الحاكم ثم ابن خزيمة فقط، ثم ابن حبان فقط، ثم الحاكم فقط، إن لم يكن الحديث على شرط أحد الشيخين، و لم أر من تعرض لذلك (تدريب الراوى فى شرح تقريب النووى: جلد اول ص ۱۳۳). ۲۹۴

و قدم الإمام ابن كثير كتاب ابن خزيمة و كتاب ابن حبان على مستدرک الحاكم فقال: «وقد خرجت... كتب أخر التزم أصحابها صحتها كابن خزيمة، وابن حبان البستي، وهما خير من المستدرک بكثير». (اختصار علوم الحديث ص ۲۵). ۲۹۵

و قال الامام ملا على القارى رحمۃ اللہ علیہ: و الحاصل أن ما هو صحيح عند غيرهما من الأئمة المعبرين وليس على شرطهما و لا على شرط أحد هما بأن يخرج من شيوخهما الذين اتفقا فيه، ولا من شيوخهما الذين اختلفا فيه كصحيح ابن خزيمة، ثم ابن حبان، ثم الحاكم، و ترب هذه الثلاثة فى الارجيحة هكذا». (شرح نخبه الفكر ص ۲۸۹) ۲۹۶

شرط امام ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ در صحيحش

ابوحاتم در صحيح خود می نگارد: «آنچه را از شیخی که در کتاب خود نوشته ایم بدون دلیل و حجت قایم نمی کردم مگر اینکه شروط پنجگانه ذیل در آن شیخ موجود باشد:

- ۱- عدالت در دین بطور ستر جمیل و خوب.
- ۲- صدق و راستگویی در حدیث توأم با شهرت خوب شخص راوی.
- ۳- عقل در مورد آنچه که از حدیث بیان می دارد به دیگران.
- ۴- علم داشتن به آن معانی که دانستن آن محال باشد از معنا آن.

۵- سخنان وی عاری از تدلیس بوده باشد.

هر گاه در شیخی که این شروط پنجگانه جمع گردد در آن صورت ما دلیل و حجت بر پا می داریم».^{۲۹۷}

اهتمام علماء به صحیح ابن حبان

بدون شک کتاب (صحیح ابن حبان) مورد اهتمام بسیاری از علما بوده است که تعدادی از آن را بطور مثال یاد آور می شویم:

- **امیر علاءالدین بن بلان الفارسی** متوفی ۷۳۹ هجری قمری اهتمام ویژه‌ای به این کتاب نموده و صحیح ابن حبان را باب گذاری نموده است که در نتیجه باب گذاری فایده آن عمومیت یافته است.

- **حافظ علاءالدین مغلطای** متوفی سال ۷۶۲ هجری قمری با استخراج زواید «صحیح ابن حبان» را بر صحیحین استخراج نموده است.^{۲۹۸} همچنان او صحیح ابن حبان را بر ابواب فقهی ترتیب نموده.^{۲۹۹}

- **حافظ ابوبکر نورالدین الهیثمی** متوفی ۸۰۷ هجری قمری «صحیح ابن حبان» را بر صحیحین استخراج نموده، و همچنان نام کتابش را به نام «موارد الظمان إلى صحیح ابن حبان» گذاشته است.

- **ابن زریق متوفی ۸۰۳ هجری قمری** «صحیح ابن حبان» را بر ابواب تقسیم بندی نموده است. و همچنان اطراف کتاب «صحیح ابن حبان» را

۲۹۷- / الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ص ۱۷

..... سیر أعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۹۳

..... البداية والنهاية ج ۶

۲۹۸- «لحظ الألفاظ» (ص ۹۳)

۲۹۹- قال الحافظ ابن حجر فی «لسان المیزان» (۱۲۶/۸): «رأيتهما بخطه ولم يكملا».

همراه با اطراف کتاب حافظ ابن حجر تحت عنوان [إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة] ترتیب نموده و طبع گردیده است.

- همچنان روایان «صحیح ابن حبان» را کسانی چون الحافظ سراج الدین عمر بن علی المعروف بابن الملقن متوفی ۸۰۴ هجری قمری ترجمه نموده است. وی کتاب «تهذیب الکمال» از حافظ المزی را با پاورقی روایان کتب ششگانه آتی: «المسند» از امام أحمد «صحیح ابن خزیمه»، «صحیح ابن حبان»، «مستدرک الحاکم»، «السنن لدارقطنی»، «السنن الکبری» از بیهقی اختصار نموده و آن را به نام کتاب «إكمال تهذیب الکمال» مسمی نموده است.

- حافظ عراقی کتابی را تحت عنوان «رجال ابن حبان» به رشته تحریر در آورده است. همچنان ایشان چهل حدیث از (صحیح ابن حبان) را انتخاب و آنرا به نام «أربعون بلدانیة» نامگذاری نموده است.

این گوشه‌ای از مهمترین مظاهر تقدیر و اهتمام علما نسبت به کتاب «صحیح ابن حبان» بوده و تلاش برآن نمودیم تا از به درازا کشیدن این بحث خود داری نموده و به همین قدر اکتفاء نماییم.^{۳۰۰}

فصل ششم

جایگاه صحیح ابن حبان در میان

سایر کتب احادیث نبوی

و حکم استدلال به احادیث آن

۱- حافظ ابن حجر در مورد استدلال به احادیث مرویه صحیح ابن حبان می‌گوید: «حکم احادیث صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان اینست چون درجه صحت احادیث شان بین صحیح و حسن بوده مادامی که علت قادحه در آن احادیث دیده نشود؛ می‌توان استدلال نمود».^{۳۰۱}

۲- سیوطی در این مورد می‌گوید: «آنچه در مورد تساهل ابن حبان در اخذ حدیث ذکر شده است صحیح نیست؛ هدف نهایی ابن حبان این بوده که احادیث حسن را صحیح می‌نامیده است، پس اگر تساهلش را به اعتبار صحیح پنداری حدیث حسن بگیریم پس این تفاوت اصطلاحی را نشان می‌دهد و اگر اعتبار این باشد که ابن حبان در قبول احادیث شروط آسانی را وضع نموده است، باید گفت که هیچ حدیثی در صحیح آن دیده نشده است که ثقه و غیر مدلس نبوده باشد، بلکه ایشان از شیخ خود سماع کرده و در احادیث وی ارسال و انقطاع و جرح در راوی دیده نشده بلکه تمام شیوخ و راویان مورد اعتبار وی ثقه بوده اند و هیچ حدیثی منکری را به اعتبار ثقه بودن نزد وی نیاورده اند. در کتاب ثقاتش تعداد زیادی از چنین حالات را می‌توان مشاهده نمود بناء ممکن است بعضیها بر وی خورده گرفته اند که چرا تعدادی را ثقه پنداشته درحالی که از احوال آن‌ها آگاهی نداشته اند. بناء اعتراض بالایش وارد نمی‌گردد. نباید در این مورد مناقشه و مخاصمه نمود».^{۳۰۲}

۳۰۱- «النکت» (۲۹۱/۱).

۳۰۲- «تدریب الراوی» (۱۱۵/۱-۱۱۴).

۳- ابو عمرو بن الصلاح گفته است که: «تساهل ابن حبان در اخذ احادیث اندکتر از تساهل حاکم در «المستدرک» بوده است. در مورد حاکم گفته شده است که وی شروط زیادی را برای قبول احادیث وضع نموده اما در ارزیابی احادیث شیوه اش متساهل بوده است. و حکم «المستدرک» نزدیک به «صحیح ابی حاتم ابن حبان بستی» بوده است.^{۳۰۳}

۴- ابن الملقن در کتاب «بدرالمنیر» ادعا نموده است که اکثریت احادیث «صحیح ابن حبان» مقتبس از کتاب شیخ اش امام الأئمه محمد ابن اسحاق ابن خزیمه بوده است.^{۳۰۴} اما شیخ احمد شاکر این قول را رد نموده و می گوید آنچه ما در کتابش دیدیم اینست که یقیناً کتاب مستقل و بدون اقتباس از صحیحین و غیر صحیحین چنان کتابی که از سایر کتب سنن متمایز بوده، تألیف نموده است.^{۳۰۵} دلیل ما بر تأیید آنچه ادعا نمودیم اینست که امام ابن حبان در «صحیحش» بصورت نادر و خیلی کم از شیخش ابن خزیمه در مقایسه به آنچه از دیگران مانند ابی یعلی الموصلی و حسن ابن سفیان و غیر این دوتا، روایت شده است، روایت نموده است.^{۳۰۶}

راویان صحیح ابن حبان و متن روایات آن

روایت کتاب، تنها در یک راوی منحصر گردیده است و آن ابوالحسن محمد بن احمد بن هارون الزوزنی متوفی ۳۶۹ هجری قمری می باشد؛ که ترجمه آن را نتوانستیم پیدا کنیم و آنچه از وی پیدا کردیم ذکر اسم آن توسط امام ذهبی در کتاب «تاریخ اسلام» بوده است او تنها راوی کتاب بوده، نه شخص دیگری، و از وی در فهرس و در نسخه های التقاسیم اثر دیده شده و به تنهایی از البحاثی الزوزانی روایت نموده است. و زوزن شهرست در میان هرات و نیشاپور واقع شده است.

۳۰۳- «مقدمه ابن الصلاح» (ص ۲۲)

۳۰۴- نقلاً عن «توضیح الأفكار» للصنعانی (۶۴/۱)

۳۰۵- مقدمه تحقیق «الإحسان» (ص ۱۵) وینظر ایضاً: (ص ۷۰، ۱) منه.

۳۰۶- ينظر إحصاء لهذه المرويات مرتبةً بحسب الكثرة في هذه المقدمة (ص ۴۶)

وصف نسخه اول

دارالکتب مصری که دارای نه جز است

مصدر و منبع نسخه :

این نسخه در دارالکتب مصریه با شماره (۳۵) ثبت و موجود است. ۳۰۷

و معلومات در مورد کاپی نسخه جلد اول در کارت کتابخانه با شماره تصویر (۴۴۲-۱۲۶) درج می باشد، همچنان معلومات کاپی نسخه جلد دوم با شماره (۱۲۷-۱) درج بوده، و معلومات کاپی نسخه جلد سوم با شماره تصویر (ف ۱۲۷-۲۰ / [۹۱۵] ۳۰۸ (ف ۱/۱۲۸) و معلومات پیرامون کاپی نسخه جلد چهارم با شماره تصویر (ف ۱۲۶-۳۱۱) و معلومات کاپی نسخه جلد پنجم با شماره تصویر (ف ۱۲۸-۹۷) و معلومات کاپی نسخه جلد ششم با شماره تصویر (ف ۱۲۸-۳۵۱) و معلومات کاپی نسخه جلد هشتم با شماره تصویر (ف ۱۲۹-۱۶۰) و معلومات کاپی نسخه جلد نهم با شماره تصویر (ف ۱۲۹-۷۴۴/۴۷۱، ف ۱۳۰-/) و مزین بواسطه مهر و یا ختم کتابخانه الخدیویة المصریة نیز می باشد بالای پوش جلد اول چنین تحریر شده [۱/۱] و بالای پوش جلد دوم [۱/۲] و بالای پوش جلد سوم [۱/۳] و در پشت همین جلد [۳/۱۳۰ ب]، و پوش جلد چهارم [۱/۴] و در پشت همین جلد [۴/۲۷۸ ب] و در پوش جلد پنجم [۱/۵] و در پشت همین جلد [۵/۲۵۰ ب] در پوش جلد ششم [۱/۶] و در عقب همین جلد [۶/۲۸۷ ب] و در پوش جلد هشتم [۱/۸] و در پوش جلد نهم [۱/۹] و در عقب همین جلد [۹/۲۷۴ ب] تحریر گردیده است.

۳۰۷- «فهرست کتب العربیة المحفوظة بالکتبخانة الخدیویة» (۱۵۶/۱) ورقمه فیها: «تمرّة عمومیة ۳۵۷»، و «فهرس کتب العربیة الموجودة بدارالکتب المصریة لغایة سنه ۱۹۲۱» (۸۴/۱)، و «الفهرس الشامل للتراث العربی الإسلامی المخطوط، الحدیث النبوی الشریف وعلومه ورجاله» (۵۶/۱)، و «تاریخ التراث العربی» لفؤاد سزکین- النسخة العربیة (۳۸۱/۱/۱).

۳۰۸- غیر واضح فی المصوره واثبتناه استظهارا.

عنوان نسخه

۱- کتاب الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان

بالای جلد جز اول چنین تحریر گردیده است: [۱/۱] «جز اول کتاب از الإحسان فی [تقریب]»^{۳۰۹} در خاتمه جز هشتم [۳۰۲/۸]: «... مجلد هشتم از کتاب الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان...» و در خاتمه جز نهم [۲۷۴/۹]: «آخر الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان رحمۃ اللہ علیہ». تحریر شده است.

۲- کتاب الإحسان فی ترتیب صحیح ابن حبان

در پوش جلد سوم با خط مغایر خط نسخه چنین تحریر گردیده است: [۱/۳] «جلد سوم در ترتیب [صحیح] ^{۳۱۰} ابن حبان» و در بالا پوش جلد نهم تحریر شده: [۱/۹] «جلد نهم از کتاب احسان در ترتیب صحیح ابن حبان».

همچنان از نام کتاب در پوش جلد های دوم، چهارم، پنجم و ششم تذکر داده نشده است.

اسناد نسخه

هیچ اسنادی از این نسخه در جزهای هشتگانه آن که در دارالکتب مصری موجود اند دریافت نمودیم قول مرکز بحوث و تقنیۃ المعلومات و شاید سبب آن، این باشد که نسخه اصلی «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» موجود نبوده، بل نسخه مرتبه از آخرین نسخه کتاب «التقاسیم والأنواع» که نسخه اصلی است و منسوب به منصف آن امام ابن حبان می باشد موجود است.

آشنایی با نسخه

این نسخه کامل نبوده، اجزای آن چنانکه ذکر کردیم نه جزء اند. اما جز هفتم آن مفقود می باشد.

۳۰۹- غیره واضح فی المصورة وأثبتناه استظهارا

۳۱۰- غیر واضح فی المصورة وأثبتناه استظهارا

جز اول آن با چنین عبارت آغاز می گردد :

«بسم الله الرحمن الرحيم، رب يسر بخير الحمد لله على ما علم من البيان وألهم من التبيان وتمم من الجود والفضل و^{۳۱۱} الإحسان والصلاة والسلام الأتمان الأكملان على^{۳۱۲}. سيد ولد عدنان المبعوث بأكمل الأديان المنعوت في^{۳۱۳} التوراة والإنجيل والفرقان و على آله و أصحابه و التابعين لهم بإحسان صلاة دائمة ما كر الجديدان و عبدالرحمن. و بعد: فإن من أجمع المصنفات في الأخبار النبوية و أنفع المؤلفات في الآثار المحمدية و أشرف الأوضاع و أطرف الإبداع كتاب التقاسيم والأنواع...»

مسلماً این کتاب از جامعترین مصنفات تدوین شده در احادیث نبوی و سودمندترین آثاری است که در پیوند به سیرت محمدی تألیف و به نام (کتاب التقاسیم والأنواع) مسمی گردیده است.

جز اول با عبارت ذیل منتهی گردیده است: «ذکر بیان شخصی که با گوسفندانش در کناره یی گوشه نشینی نموده و مشغول عبادت الله ﷻ مشروط بر اینکه دیگران از اذیت و آزار زبان و دستش در امان بماند، مستحق پاداش می گردد».

حامد بن محمد بن شعیب البلخی در بغداد اطلاع داد، منصور بن مزاحم برای ما حدیث بیان نمود، یحیی بن حمزه و از الزبیدی از الزهری از عطا بن یزید اللیثی از ابا سعید الخدری روایت نمود که گفت مردی^{۳۱۴}. نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت: ای رسول خدا! بهترین مردم کیست؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود: «مردی که در راه خدا به مال و نفسش جهاد نماید،^{۳۱۵} سپس شخص مؤمنی ای که به عبادت خداوند بپردازد و مردم از شر آن در ایمن باشند» و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم تسلیما کثیرا. در جز دوم کتاب الرقاق.

۳۱۱- قوله: «والفضل و» غیر واضح فی الأصل

۳۱۲- غیر واضح فی الأصل

۳۱۳- قوله: «المنعوت فی» مکان التاء وما بعدها غیر واضح فی الأصل.

۳۱۴- غیره واضح فی الأصل.

۳۱۵- قوله «الناس أفضل» غیر واضح فی الأصل.

جز دوم [۱/۲ب] با این عبارت آغاز می گردد :

«بسم الله الرحمن الرحيم، كتاب الرقائق. باب الحياء. أخبرنا أبو خليفه حدثنا القعنبي عن شعبه عن منصور عن ربعي عن أبي مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: «إن مما أدرك الناس من كلام النبوة الأولى إذا لم تستحي فاصنع ما شئت» القعنبي از شعبه بجز این حدیث سماع نکرده است. به گونه‌ای که این را شیخ گفته است.

ترجمه: «بنام خداوند بخشاینده مهربان - کتاب الرقائق باب الحياء آغاز می‌شود ابو خلیفه روایت نموده، القعنبی از شعبه از منصور از ربعی و ابی مسعود روایت نمود که گفت رسول الله ﷺ فرمود: «اولین اثری که از کلام پیامبر نزد مردم باقی می‌ماند اینست که. «اگر حیا نکردی پس آنچه هوای نفس تان حکم می‌کند انجام دهید».

نمونه های از مخطوطات نسخه های صحیح

ابن حبان بستی

بِمَنَادٍ مِّنْ صَوْرِ الْمَخْطُوطِ

الإحسان في تزيين صحيح ابن حبان

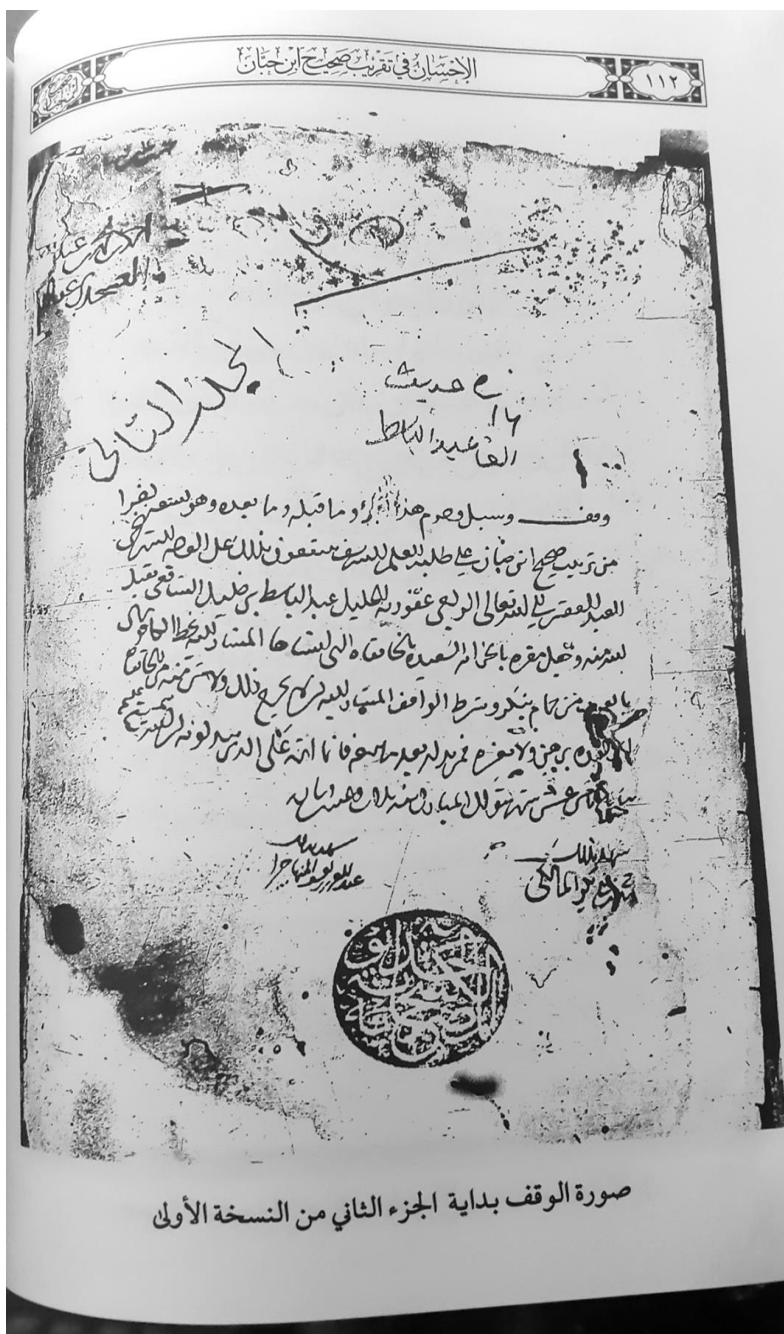
١١٠

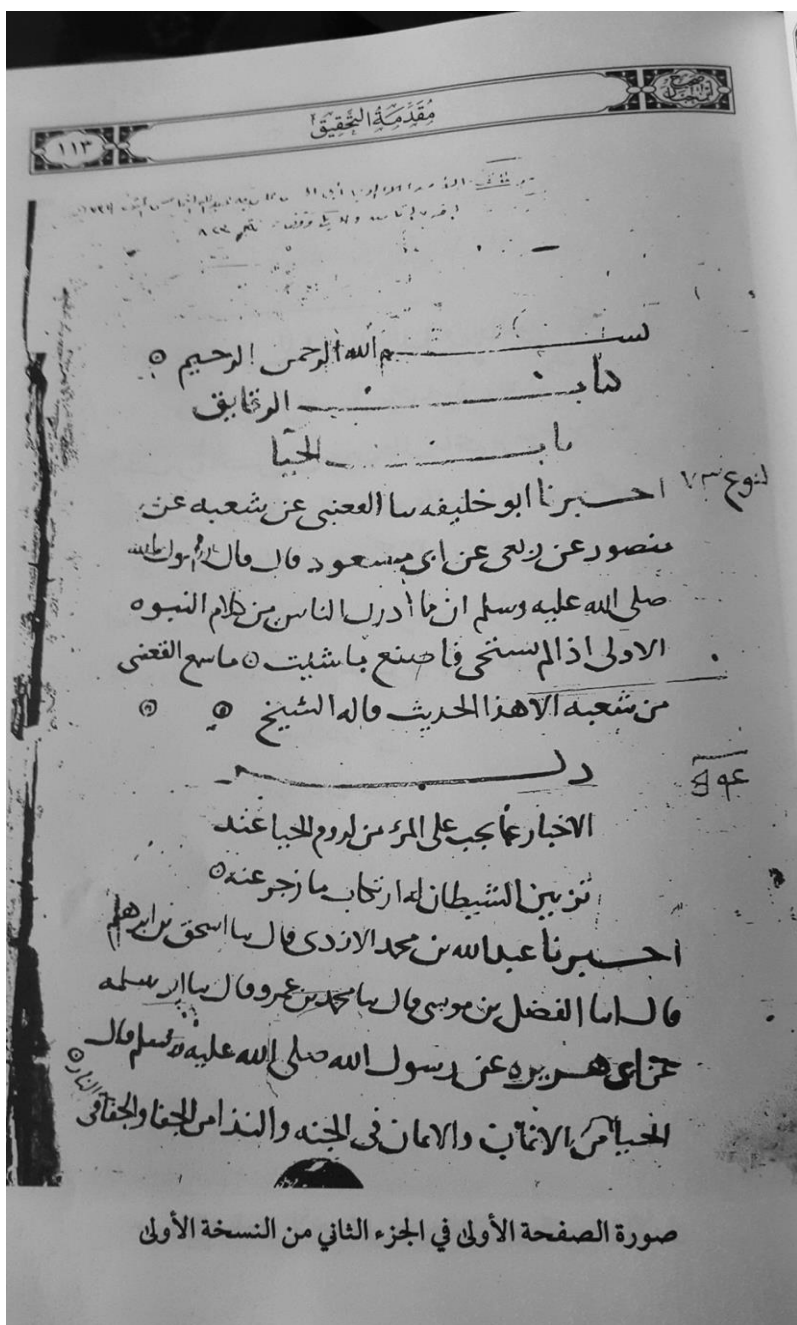
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَلَّمَ مِنَ السُّنَنِ وَأَهْلَهُمُ مِنَ التَّنْزِيلِ
 وَنَحْمُ مَنْ أَجْوَدَ حَسْبُكَ وَالصَّلَامُ وَالسَّلَامُ
 أَدَامَانَ الْأَعْلَاءِ سَيِّدِ وَلَدِ عَدْنَانَ الْمُتَعَوِّثِ نَاحِظِ
 الْأَدْيَانِ الْمُنِيِّ التَّهَوَّاهِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْفِرْقَانِ عَلَى
 اللَّهِ وَاصِحَائِهِ وَالْبَايَعِينَ لَهُ بِأَحْسَنَاتِ صَلَاحِهِ دَائِمَهُ مَا كَرِ
 الْجَدِيدَانِ وَعِدِ الرَّحْمَنِ وَجَعَلَ دَقَانِ بْنِ أَجْمِ
 الْمَصْنُوعَاتِ فِي الْأَخْبَارِ النَّبَوِيَّةِ وَفَتَحَ الْبُلُغَاتِ فِي
 الْأَمَارِ الْمَجْمُودَةِ مَا شَقَّ الْأَسْمَاعِ وَسَرَّهَا لِأَجْمَاعِ
 كِتَابُ الْقِيَاسِ وَالْأَنْوَاعِ لِلْسَيِّخِ الْأَمَامِ حَسْبِهِ الْأَمَامُ
 حَافِظُ رِوَايَتِهِ وَضَابِطُ أَوَانِهِ مَعْدِنُ الْإِنْفَانِ فِي تَرْجَمَةِ
 الْبَيْتِ عَيْنِ الْقِيَمِ الْبَسْتِي تَمَكَّرَ بِهِ مَسْعَاهُ جَعَلَ الْجَنَّةَ
 مَبْوَاهَ مَقَامِهِ لَمْ يَسْجُ لِدَعْلَى مَرْوَانَ فِي جَمْعِ سُنَنِ الْحَرَامِ
 وَالْحَلَالِ لَدَيْهِ صَعْدُ وَمَسْعُ وَصَعْدُ وَدَعْلَى عَزَّ وَجَلَّ
 فَكَّرَ بِهِ دَعْلَى أَمَامِ سَوَارِثِ مَقَامِهِ فَتَعَدَّرَ الْأَفْصَارِ

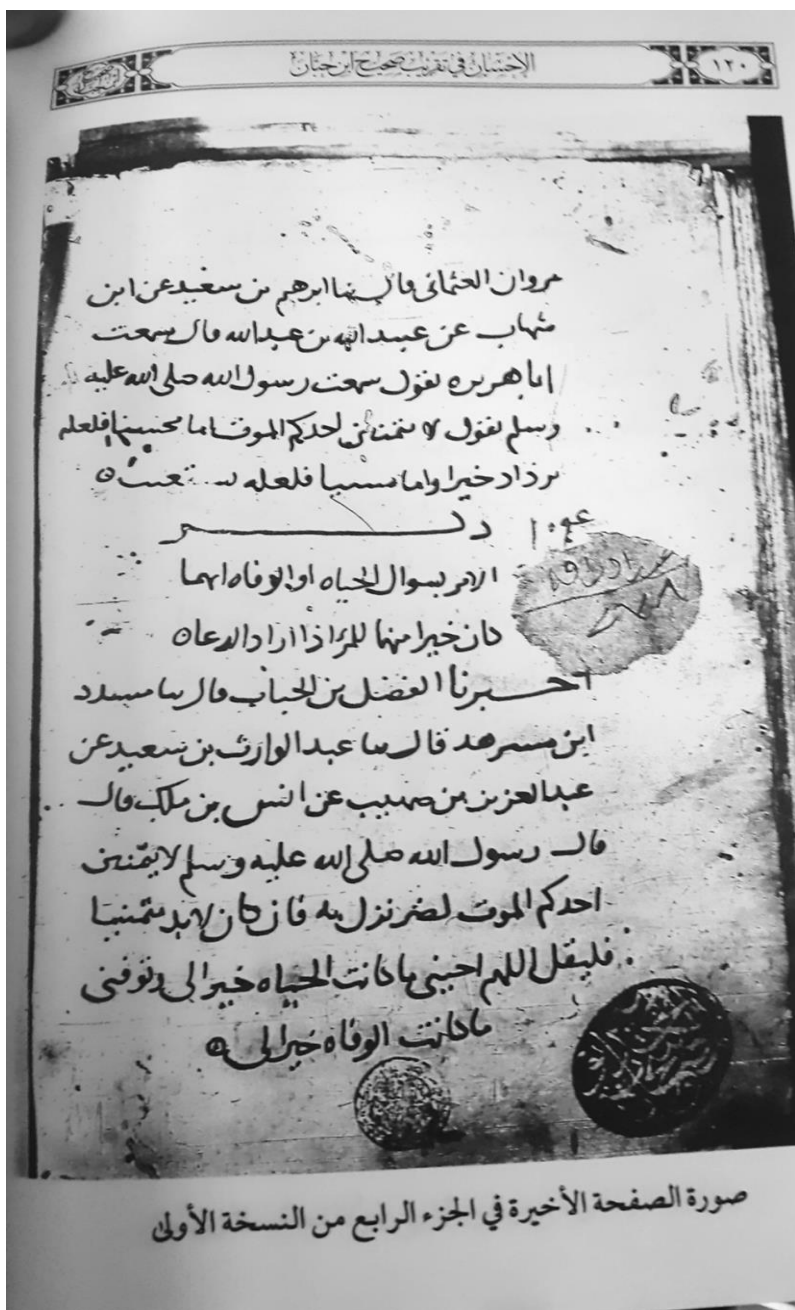
مَقْدِمَةُ الْحَقِيقِ

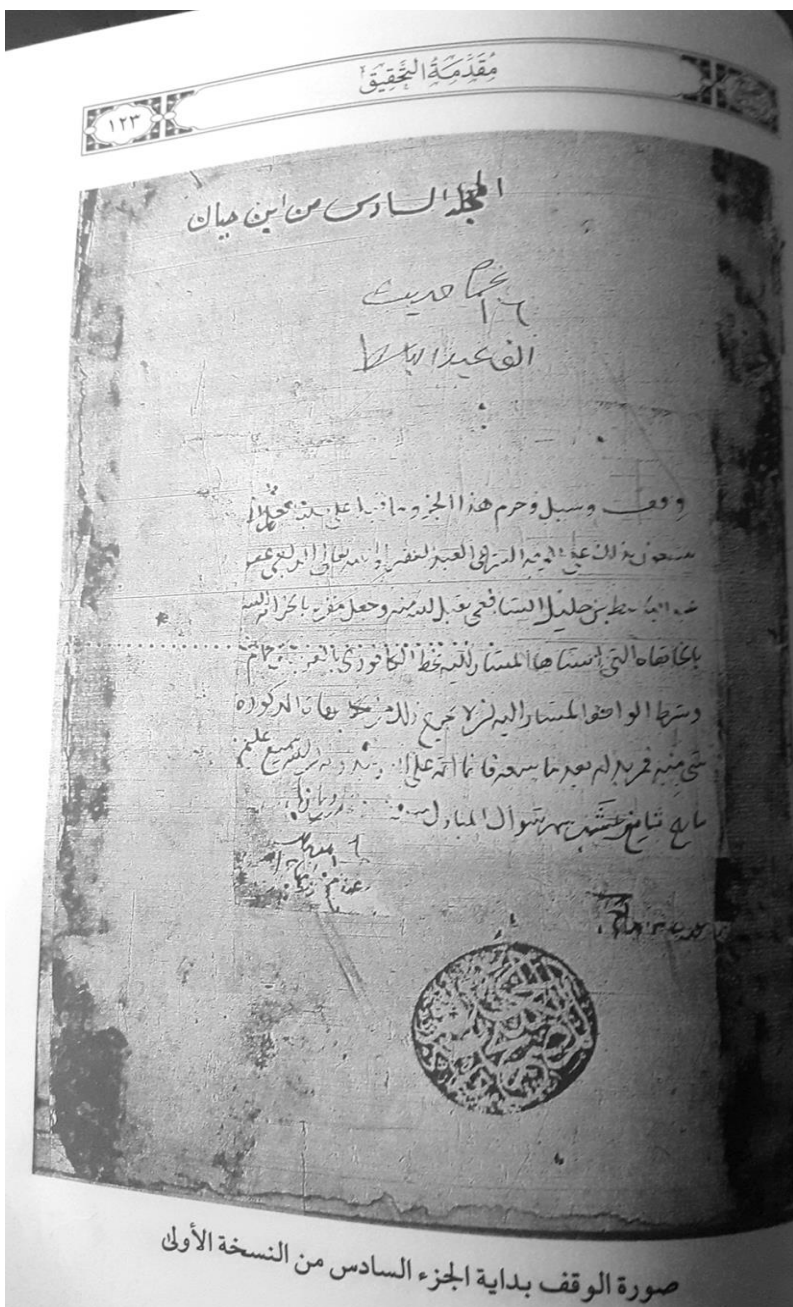
۱۱۱

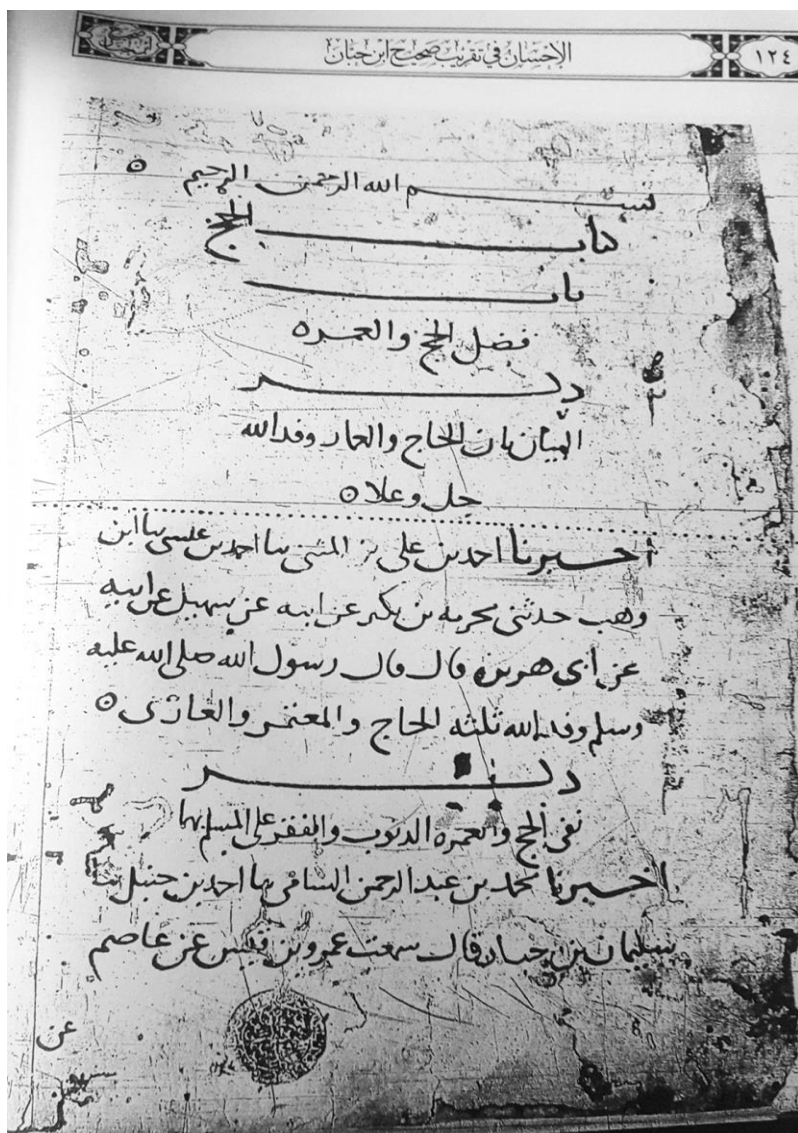
دَلِيلُ الْإِيمَانِ أَنْ لَا عِزَّ إِلَّا لِلَّهِ يُعْزِزُ مَنْ يُعْزِزُهُ
 عَبْدُ اللَّهِ أَنَا السُّتَحْقُ التَّوَابِلُ الَّذِي كَرَاهَهُ
 أَذَلُّهُ يَكُنْ يُوْدَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ
 أَحَدُ الْبُرْنَاسِ حَامِدُ بْنُ مُحَمَّدٍ شُعَيْبُ بْنُ الْحُجَّاجِ
 مَنْصُورُ بْنُ أَبِي مَرْجَانٍ عَنْ حِزْمَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ الزُّهْرِيِّ
 عَنْ نَصْرَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ
 عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَرْسُولُ اللَّهُ إِلَى
 فَقَالَ رَجُلٌ جَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَلْفٍ وَفَرَسٍ مُؤْمِنٍ
 مِنْ الشَّعَابِ عَبْدُ اللَّهِ وَبَدَعَ النَّاسُ مِنْ شَرِّهِ
 يَا اللَّهُ عَلَيْهِ يَا مَعْدُودٍ وَصِيَّةً لِلْمَلَائِكَةِ
 وَالْحُزْنِ الْبَائِي
 كَلَامُ الرَّبِّ











صورة الصفحة الأولى في الجزء السادس من النسخة الأولى

مُقَدِّمَةُ التَّحْقِيقِ

۱۳۳

مجلسه هیئت مدیره و هیئت مدیره

بسم الله الرحمن الرحيم
وَصَلَّى اللهُ عَلَى
السَّيِّدِ

٢١ خلافة الأئمة

النوع ١٢
أخبرنا الحسين بن عبيد الله الطالقاني الرقعي

قال عبد بن حمزة عن محمد بن عيسى عن
أبي عبد الله عليه السلام قال لا تنكح
مراة لا تستطاع فداك إن أتوك فعدك تركك منكم

تلك ان استخلف قولا استخلف من هو خير مني

۱۹

الاجار عايجي من

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المؤمنين

وميدان الطويل ودونش نر ميدان محمد علي الحسن عن عبد

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا محمد الرحمن لا فناء

الذي هو خسر والغمر ميناك
وتنبت يورانيون من غير متلافت عليه واذا

21

الزعفران المراء للامتنان

الحرم هنا الضمير الحجاب ماله ضمير شاعبد الحميم

این مفاد علی الحسن بن عبد الرحمن بن سمر از انسانی حکایت

لا تليل الاثان فاك ان اوتمها عزسده وكلت اليه وال

احمد بن ابوعبید الخالد بن ابی کریب قال حدثنا

10

1

[illegible]

ما يكون متعقبا الاثبات في القيد اذا حرم

عليه في الدنيا

أحمد بن الحسن بن سفيان قال في حديثه

وَأَنَّا سَكَوْنُهَا بِمَنْعِ يَوْمِ الْقَدَرِ فَبَسَتْ الرُّضْعَةُ وَبَسَتْ الْغَاظَةُ

1870

شاہ
الحاج غلام محمد

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ تَحْرَانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَيْيَالُ وَالْحَدَّادُ وَمُوسَى بْنُ عَمْرِو بْنِ مَعْمَرٍ

ہشام بن عیسیٰ خادمِ مولیٰ بن ابی صمم الغفاری غزلی ہمدانی از رسول اللہ ﷺ

عليه وسلم قال ويل لكم ايها الذين آمنوا انما اصابكم الله وبهم ما كانوا يعلمون

1

وصف الائمة في البسة اذا كانوا عدا ولا

من غمها الحسن وقدمه الا ان لا عالج الا ان لا عالج

دناذان عمر بن العاصم اخيه اليه ضل الله عليه وسلم

قال القسطنطين بن القيمه على منابر من فوق عن نيس الحزن وكلنا يده عبد القسطنطين

العلم والادب وما ولوا هـ قاله انوار مني له منه هذا خبر من الحفاظ النما

منه الان هذا الخطاب المذكور والمختط العادى الى اسطر العادى عن الطبع
 الحق ووجه على حق ما يتبعه ودا الناس ما بينهم لاجل الحقيقة لعدم وقوعهم على

...



صورة الورقة الأولى في الجزء الرابع من النسخة الثانية

معلومات مختصر

پیرامون چاپ‌های مختلف و بهترین این چاپ‌ها

طبع علامه شیخ احمد محمد شاکر

مرکز البحوث و تقنية المعلومات دارالتأصيل در این راستا چنین می‌نگارد: «البته این اولین چاپ می‌باشد، هیچ طبع سنگی و غیر سنگی قبل از نسخه طبع شده توسط علامه احمد شاکر نیافته ایم بناء طبع ایشان اولین گامی بوده است که این کتاب را چاپ و در اختیار خوانندگان قرار داده است.

علامه احمد شاکر (صحیح ابن حبان) را طبق ترتیب ابن بلبان به چاپ رسانده است ایشان گفته اند با وجود که مخالف تصرف، در کتاب‌های ائمه قدما بوده اند اما با وجود این صحیح ابن حبان با ترتیب الامیر علاء الدین الفارسی را برای نیاز مردم و رسانده آن به گونه‌ای که مولف اراده داشته طبع نموده ایم.^{۳۱۷} طبع نسخه علامه محمد احمد شاکر تمام اجزای آن پایان نه یافته بود، بلکه شیخ الی حدیث رقم (۱۳۸) رسیده بود که اجل به سراغش آمده و دارالفانی را داعی گفت و اما ادامه طبع شیخ احمد شاکر را استاد عبدالرحمن محمد عثمان بعد از وفات شیخ احمد شاکر تکمیل نموده و دو جز اخیر را که بعد از وفات شیخ شاکر تکمیل گردیدند کتابخانه سلفیه در مدینه منوره در سال (۱۹۷۰) میلادی چاپ و به نشر رساند در مقایسه اجزای که شیخ احمد شاکر خود آن‌ها را تکمیل و به چاپ رسانده بود با دو جز اخیر فرقی زیادی دیده می‌شود.

چاپ مؤسسه کتب ثقافیه (کتاب‌های فرهنگی)

بعد از شیخ احمد شاکر، مرکز الخدمات والأبحاث الثقافیه به اهتمام کمال یوسف الحوت در سال (۱۴۰۷ هـ) مطابق (۱۹۸۷ م) این کتاب را در ده جز همراه با فهرست آن در دارالکتب علمی بیروت چاپ و به نشر رساند. این نسخه شامل اشتباهاتی

صحافتی تحریف و سقط در سند و متن بود. همچنان این نسخه خالی از احکام ویژه در مورد احادیث بود، مگر اینکه بعضی شروخی غریب و پراکنده را در قسمت های جز ده گانه انعکاس داده است.^{۳۱۸}

تفاوتی در میان این دو چاپ رونما گردیده

طی جدول هذا ذیلا تحریر می دارد

م	طبع کمال الحوت	طبع دارالتأصیل
۱	عن أبيه سمعت عائشة تقول. (۱۱۵/۱)	عن أبيه أن رجلا أوصى بوصايا أثرها من ماله، فذهبت إلى القاسم بن محمد أستشيره، فقال القاسم سمعت عائشة تقول (۲۶).
۲	موسی بن محمد الدیلی (۳۵/۲)	موسی بن محمد الدیلمی (۶۷۵).
۳	یونس، عن عبد الأعلى. (۳۵/۲)	یونس بن عبدالأعلى. (۶۷۵)
۴	أبا علی الحسینی. (۵۳/۲).	أبا علی الجنبی. (۷۱۹)
۵	زيف لك برجل. (۹۵/۲)	كيف لك برجل. (۸۱۵)
۶	شعبة بن أبي هلال. (۱۰۱، ۲)	سعید بن أبی هلال. (۸۳۱)
۷	الحجاج الشامي. (۱۸۳/۲)	الحجاج السامی. (۱۰۲۳)
۸	عثمان السحام. (۱۸۳/۲)	عثمان الشحام. (۱۰۲۳)
۹	مسلم بن أبي بكر. (۱۸۳/۲)	مسلم بن أبی بکر. (۱۰۲۳)
۱۰	القاسم بن أبي أحيمة. (۲۸۷/۲)	القاسم بن مخيمرة. (۱۲۷۴)
۱۱	عبدالله بن بحر البزار. (۲۸۹/۲)	عبدالرحمن بن بحر البزار. (۱۲۸۰)

۳۱۸- جهت معلومات مزید به صفحه ۱۳۵ جلد اول کتاب الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان للعلامة الأمير علاءالدین بن بلان الفارسی مراجعه شود.

١٢	عن محمد بن عبدالرحمن بن ثوبان، عن أبيه. (٢٩٠/٢)	عن محمد بن عبدالرحمن بن ثوبان، عن أمه (١٢٨١)
١٣	حرمله بن وهب. (٢٩١/٢)	حرمله، عن ابن وهب. (١٢٨٦)
١٤	أخبرناه حدثنا ابن خزيمة. (١٠٧/٣)	حدثناه ابن خزيمة. (١٧٠٨)
١٥	حدثنا محمد بن عبدالجبار بن العلاء قال حدثنا سفیان. (١٦٤/٣)	حدثنا عبدالجبار بن العلاء قال: حدثنا سفیان. (١٨٤٩)
١٦	أخبرنا محمد بن عبدالله بن الجنيد، قال: حدثنا قتیبہ بن سعيد، قال: حدثنا أبو الأحوص، عن سماك. (٢٣٩/٣)	أخبرنا محمد بن عبدالله بن الجنيد، قال: حدثنا قتیبہ بن سعيد، قال: حدثنا أبو الأحوص، عن سماك. (٢٠٢٧)
١٧	علقمة بن أبي علقمة، عن أبيه. (٣٩/٤)	علقمة بن أبي علقمة، عن أمه. (٢٣٣٧)
١٨	أخبرنا عمر بن محمد الهمداني، قال: حدثنا عبيد بن إسماعيل، قال: حدثنا أبو أسامة، عن هشام بن عروة، عن عباد بن عبدالله. (٨٧/٥)	أخبرنا عمر بن محمد الهمداني، قال: حدثنا عبيد بن إسماعيل، قال: حدثنا أبو أسامة، عن هشام بن عروة، عن عباد بن عبدالله. (٣٢١٢)
١٩	أن أبا الحسين حدثه. (٩٢/٥)	أن أبا الخير حدثه. (٣٢٢٧)
٢٠	عبد الحميد بن نيار السكري. (١٠٣/٥)	عبد الحميد بن السكري. (٣٢٥٤)
٢١	الحارث، عن عبدالله. (١٠٤/٥)	الحارث بن عبدالله. (٣٢٥٥)
٢٢	عن عمرو بن يحيى، عن أبي سعيد الخدري. (١١٩/٥)	عن عمرو بن يحيى، عن أبيه، عن أبي سعيد الخدري. (٣٢٨٤)

۲۳	عن مالک بن مرثد، عن أبي ذر.(۱۳۹/۵).	عن مالک بن مرثد، عن أبيه، عن أبي ذر.(۳۳۳۵).
۲۴	حدثنا علي بن مسلم، حدثنا أبي، حدثنا محمد بن أبي عبيدة بن معن.(۱۷۳/۵).	حدثنا علي بن مسلم الطوسي، قال: حدثنا محمد بن أبي عبيدة بن معن.(۳۴۱۳).
۲۵	حدثنا سفيان الثوري، عن أبي الأحوص.(۱۷۳/۵).	حدثنا سفيان الثوري، عن أبي إسحاق، عن أبي الأحوص.(۳۴۱۴).
۲۶	حدثنا إدريس بن يحيى، عن عبدالله بن إدريس عن عبدالله بن عياش بن عباس.(۱۹۴/۵).	حدثنا إدريس بن يحيى، عن عبدالله بن عياش بن عباس.(۳۴۷۱).
۲۷	بهراء، قال: حدثنا إسماعيل بن جعفر.(۲۰۴/۵)	بهراء، قال: حدثنا علي بن حجر، قال: حدثنا إسماعيل بن جعفر (۳۴۹۹).
۲۸	حدثنا عبدالله بن موسى، عن سنان عن يحيى بن أبي كثير.(۲۲۱/۵)	حدثنا عبيدالله بن موسى، عن شيبان، عن يحيى بن أبي كثير.(۳۵۴۳).
۲۹	أخبرنا عمران بن محمد الهمداني.(۲۲۶/۵).	أخبرنا عمر بن محمد الهمداني.(۳۵۵۶).
۳۰	عن ابن جريج عن الزبير، (۲۰/۶).	عن ابن جريج، عن أبي الزبير.(۳۷۴۰).
۳۱	أحمد بن أبي بكر، عن ابن شهاب.(۱۱۲/۶).	أحمد بن أبي بكر، عن مالک، عن ابن شهاب.(۳۹۷۳).
۳۲	عن ابن شهاب، عبيدالله بن عبدالله.(۱۱۲/۶).	عن ابن شهاب، عن عبيدالله بن عبدالله.(۳۹۷۳).
۳۳	حدثنا عيينة بن سعيد.(۱۱۲/۶).	حدثنا قتيبة بن سعيد.(۳۹۷۵).

چاپ موسسه الرساله

یقیناً این نسخه هماهنگ و مطابق با طبعیست که استاد الحوت آن را تحقیق و در سال (۱۴۰۸ هـ) مطابق (۱۹۸۸ م) با تحقیق و تخریج و تعلیق الشیخ شعیب الأرنؤوط اعتماد با نسخه‌های خطی کامل از کتاب «الاحسان» و برخی از اجزای کتاب «التقاسیم والأنواع» چنانکه در مقدمه از آن ذکر به عمل آمد در هجده جز که دو جز آن فهرست‌ها اند چاپ و نشر گردید. باوجود که این نسخه بهتر از چاپ استاد حوت است اما این نسخه نیز خالی از تصحیف و تحریف و سقط در متن و اسناد نبوده است. جهت معلومات مزید به صفحه ۱۳۶ جلد اول کتاب الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان للعلامة الأمير علاءالدین بن بلبان الفارسی مراجعه شود.

عجیب اینست که هر دو طبع هم طبع استاد الحوت و هم طبع موسسه فرهنگی الرساله با تحقیق شعیب الأرنؤوط برخی از اخطا را بصورت مکرر هر دو تکرار نمودند در نمونه‌هایی از اشتباهات در چاپ‌های مختلف از آن‌ها ذکر به عمل آمد با ازدیای کلمات معین در متن احادیث که آن کلمات از اصل متن نبوده‌اند به متن اضافه شده و اگر این اشتباهات با نسخه‌های خطی و چاپ مرکز دار تاصیل مقایسه گردند دیده می‌شود که آن کلمات در متن موجود نبوده و قابل تصحیح‌اند.

تفاوتی در میان چاپ مؤسسه الرساله و طبع دارالتأصیل

م	طبع الرساله	طبع دارالتأصیل
۱	ولا تدری نفس بأی أرض تموت، ولا يعلم متى تقوم الساعة. (۲۷۲/۱).	ولا تدری نفس بأی أرض تموت، ولا يعلم متى تقوم الساعة أحد إلا الله. (۷۰).
۲	قال: حدثنا حماد بن إسماعيل، عن شريك (۴۶۲/۱).	قال: حدثنا حاتم بن إسماعيل، عن شريك. (۲۲۷).

۳	قال أبو سعيد: فما زال بنا البلاء حتى قصرنا وأنا لنبلغ في الشر. (۵۱۲/۱).	قال أبو سعيد: فما زال بنا البلاء حتى قصرنا وأنا لنبلغ في الشر. (۲۷۹).
۴	أخبرنا سليمان بن الحسين بن المنهال. (۳۵/۲).	أخبرنا سليمان بن الحسن بن المنهال. (۳۲۸).
۵	أخبرنا محمد بن علي. (۸۵/۲).	أخبرنا أحمد بن علي. (۳۶۴).
۶	قال سفيان: وحدثني الحسن. (۹۴/۲).	قال مطر: وحدثني الحسن. (۳۷۱).
۷	أخبرنا الحسن بن إسحاق. (۱۹۴/۲).	أخبرنا الحسين بن إسحاق. (۴۴۹).
۸	وشعيب بن محرز. (۲۳۰/۲).	وشعيب بن محرز. (۴۷۹).
۹	قالا: حدثنا عبدالوارث بن عبدالله العتكي. (۲۳۳/۲).	قالا: حدثنا عبدالوارث بن عبدالله العتكي. (۴۸۱).
۱۰	قال: حدثنا أبو الربيع سليمان بن داود، عن حماد بن زيد، قال. (۳۷۴/۲).	قال: حدثنا أبو الربيع سليمان بن داود بن حماد، قال. (۶۰۷).
۱۱	حدثنا يحيى بن زكريا، عن إبراهيم بن سويد النخعي. (۳۸۶/۲).	قال: حدثنا يحيى بن زكريا بن إبراهيم بن سويد النخعي. (۶۱۸).
۱۲	قال: حدثنا أبو نشيط محمد بن هارون بن رheim بغدادی ثقة. (۴۱۴/۲).	قال: حدثنا أبو نشيط محمد بن هارون بن إبراهيم - بغدادی ثقة (۶۴۵).
۱۳	حدثنا محمد بن يزيد الزرقى بطرسوس. (۴۴۳/۲).	حدثنا محمد بن يزيد الدرقى بطرسوس. (۶۶۵).

۱۴	حدثنا عبدالله بن هانی بن عبد الرحمن بن أبي عبلة، قال: حدثنا أبي، قال: حدثنا إبراهيم بن أبي عبلة (۴۴۵/۲).	حدثنا عبدالله بن هانی بن عبد الرحمن بن أبي عبلة، قال: حدثنا أبي، قال: حدثنا إبراهيم بن أبي عبلة (۶۶۷).
۱۵	أخبرنا موسى بن محمد الديلي بأنطاكية (۴۵۳/۲).	أخبرنا موسى بن محمد الديلمي بأنطاكية (۶۷۵).
۱۶	قرن عمران بن موسى بأسامة بن زيد سعيد بن زيد في هذا الخبر المعتمر (۴۶۷/۲).	قرن عمران بن موسى بأسامة بن زيد سعيد بن زيد في الخبر، وأنا أهابه وقد تفرد بذكر سعيد بن زيد في هذا الخبر المتعمر (۶۸۸).
۱۷	قال: حدثنا موسى بن الحسين بن بسطام (۴۷۶/۲).	قال: حدثنا موسى بن الحسن بن بسطام (۶۹۷).
۱۸	ليكيف اليوم منكم كزاد الراكب (۴۸۱/۲).	ليكيف المرء منكم كزاد الراكب (۷۰۱).
۱۹	أخبرنا الليث بن سعد، عن ابن عجلان، عن الأعرج (۴۸۸/۲).	أخبرنا الليث بن سعد، عن ابن عجلان، عن أبي الزناد، عن الأعرج (۷۰۶).
۲۰	قال: حدثنا ابن أبي عمرو العدني (۴۹۰/۲).	قال: حدثنا ابن أبي عمر العدني (۷۰۹).
۲۱	أخبرنا محمد بن عمير بن يوسف (۴۹۷/۲).	أخبرنا محمد بن عمر بن يوسف (۷۱۶).
۲۲	حدثنا يحيى بن زكريا بن أبي زائدة، عن أبيه، عن خالد بن سلمة، عن عروة (۸۱/۳).	حدثنا يحيى بن زكريا بن أبي زائدة، عن أبيه، عن خالد بن سلمة، عن البيهقي، عن عروة (۷۹۴).

۲۳	أخبرنا عزوز بن إسحاق العابد بطرسوس (۱۲۱/۳).	أخبرنا غزوان بن إسحاق العابد بطرسوس (۸۳۵).
۲۴	قال: صدق عبدی، لا إله إلا أنا، لی الحمد. (۱۳۱/۳).	قال: صدق عبدی، لا إله إلا أنا، لی الحمد، صدقه ربه، قال: صدق عبدی لا إله إلا أنا لی الملک ولی الحمد. (۸۴۵).
۲۵	أخبرنا أحمد بن محمد بن المثنی بدمشق (۷۴/۵).	أخبرنا أحمد محمد بن الفضل السجستانی بدمشق (۱۷۷۱).
۲۶	أخبرنا محمد بن عبدالله بن الجنید، قال: حدثنا قتيبة بن سعيد، قال: حدثنا أبوأحوص، عن سماك، عن جابر بن سمره. (۳۷۶/۵).	أخبرنا محمد بن عبدالله بن الجنید، قال: حدثنا قتيبة بن سعيد، قال: حدثنا أبوأحوص، عن سماك، عن جابر بن سمره (۲۰۲۷).
۲۷	حدثنا صالح بن زياد السوسی، قال: حدثنا ابن نمير، [عن أبيه]، عن عبيدالله بن عمر. (۱۷۶/۹).	حدثنا صالح بن زياد السوسی، قال: حدثنا ابن نمير، عن عبيد الله، بن عمر (۳۸۶۸).

چاپ دار باوزیر

این طبع از چاپ های متأخر بوده و آن را دار باوزیر در شهر جدہ کشور عربستان سعودی برای نشر و توزیع در سال (۱۴۲۴) هجری قمری انجام داده است.

این طبع مشتمل بر تعلیقات الشیخ الألبانی رحمۃ اللہ علیہ بر کتاب صحیح ابن حبان با ترتیب ابن بلبان فارسی بوده که احادیث آن را الشیخ الألبانی رحمۃ اللہ علیہ در این طبع استخراج نموده است.

این طبع را الشیخ الألبانی بنام: (التعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان و تمییز سقیمه من صحیحه و شاذه من محفوظه) مسمی نمود، متن این طبع با متن نشر موسسه فرهنگی الرساله تفاوت ندارد و تفاوت آن تنها در تعلیقات الشیخ الألبانی بر متن محصور است.^{۳۱۹}

چاپ مطبوعه أسامه بن زید

این کتاب توسط شیخ خلیل بن مأمون شیخا در سال (۱۴۲۵) هجری قمری و (۲۰۰۴) میلادی در یک مجلد با قطع و به ظرافت خاص در مکتبه أسامه بن زید سوریه- حلب- اقبول (دارالمعرفه) بیروت - لبنان زیور چاپ آراسته شده است.

نسخه اصلی «الأحسان» که عبارت از کتاب "التقاسیم و الانواع" می باشد

در سال های اخیر کتاب اصلی الإحسان: «المسند الصحیح علی التقاسیم و الأنواع» با اهتمام دو تن از استادان: دکتر محمد علی سونمز و دکتر خالص آی دمیرالترکیان در هشت جز که جز اخیر آن به فهرس اختصاص دارد، چاپ شده است، این نسخه با چندین نسخه دیگر مقایسه گردیده است، همچنان این نسخه با نسخه "موارد الظمان" مقایسه شده است و نسخه مشار الیه را وزارت اوقاف و شؤون اسلامی دولت قطر در سال (۱۴۳۳ هـ موافق سال ۲۰۱۲ م) به چاپ رسانده است.

برای مقایسه بین طبع کتاب "التقاسیم" و "الإحسان" جهت تبیین تفاوت بین این دو طبع جدول هذا ترتیب و تنظیم گردیده است جهت معلومات مزید به صفحه ۱۴۳ جلد اول کتاب الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان للعلامة الأمير علاءالدین بن بلبان الفارسی مراجعه شود.

نخست: احادیثی که مولف کتاب «التقاسیم» به آن ها اشاره نه نموده است اما آن احادیث در کتاب «الأحسان» موجود می باشد و تعداد شان (۱۱) حدیث است :

۳۱۹- تنظر نماذج من أخطاء طبعه مؤسسة الرسة في الجدول الذي مرقبیا یعنی تلاحظه فی الكتاب (الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان صفحہ ۱۳۶ المجلد الاول)

رقم التقاسیم	رقم الاحسان
۹۵۸	۹۰۷
۹۹۳	۱۱۱۲
۱۰۲۳	۱۶۸۲
۱۰۳۴	۲۳۵۷
۱۲۳۱	۴۹۲
۱۴۰۶	۵۴۹۰
۱۴۳۳	۳۴۴۷
۲۰۶۳	۴۲۰۵
۲۱۷۵	۵۶۰۰
۲۳۴۵	۵۸۰
۳۱۵۵	۶۲۹۷

ثانیا: احادیث متکرر در کتاب «التقاسیم» دو مرتبه با یک ترجمه آمده است و در کتاب «الإحسان» بدون تکرار فقط یک بار آمده اند:

رقم التقاسیم	الرقم المکرر من التقاسیم
۵۷۲	۳۰۸۳
۷۵۷	۱۸۳۷
۲۰۸۸	۵۶۷۱

۵۷۱	۳۷۵۹
۵۵۷	۳۷۶۰
۵۵۸	۶۶۸۳
هذا الرقم تكرر خطأ مرتين في "التقاسيم" المطبوع، وقد التزمنا بهذا التكرار عند العزو اليه.	۶۷۶۲
۶۷۹۲	۶۷۴۳
هذا الرقم تكرر خطأ مرتين في "التقاسيم" المطبوع، وقد التزمنا بهذا التكرار عند العزو اليه.	۶۹۱۵

ثالثاً: زوائد كتاب «التقاسم» بر كتاب «الإحسان»

هدف از ضم زوائد تکمیل کردن کتاب صحیح ابن حبان با یکجا نمودن آن مواردی است که خارج از متن کتاب «الإحسان» به صحیح ابن حبان نسبت داده اند، چنانکه تعداد احادیث زایده که خارجی از کتاب الاحسان به صحیح ابن حبان نسبت داده اند بالغ بر (۲۶ حدیث) گردیده است و به گمان غالب اکثریت این احادیث مربوط به همان جزیی است که از نسخه خطی «الإحسان» مفقود گردیده می باشد.

چنانکه به مفقودیت آن بخش در ابتدا و انتها اشاره نمودیم و تاکید نمودیم که ممکن است چند ورق از آن نسخه خطی مفقود گردیده باشد و نتوانیستم حدس بزنییم که واقعا تعداد ورقه های مفقوده چه اندازه بوده است.^{۳۲۰}

این احادیث و تراجم آن را در کتاب: «التقاسیم و الأنواع» تحت عنوان مجزا و مستقل قرار دادیم و در آخر کتاب که شامل بخش مسایل فقهی آن است، آن احادیث و تراجم آن را گنجانیدیم و برای آن عبارت احادیث منسوب الی صحیح ابن حبان به ترتیب ابن بلبان رحمه الله را بر گزیدیم و در تنظیم احادیث زوائد از شیوه

۳۲۰- ينظر تعليقاتنا على الحديثين: (۴۳۰۹)، (۴۳۲۴).

ابن بلبان در تصنیف کتاب الإحسان از حیث شماره، علامت گذاری، تعیین روایان و غیره استفاده نمودیم. ۳۲۱

و تلاش نمودیم بین فهرست های مختلف مثل فهرست اطراف از طریق وضع حرف (ز) در پهلوی آن تمایز نماییم.

همچنان فهرست شامل برای شماره های احادیث کتاب «التقاسیم و الأنواع» همراه با فهرست های علمی در آخر کتاب که بتواند مبین قسم و نوع شبه تصنیف به خصوص و منحصر به فرد امام ابن حبان باشد تنظیم نمودیم و در این راستا از طبع وزارت اوقاف و ارشاد اسلامی قطر و توصیه های حافظ ابن حجر در کتاب «اتحاف المهره» استفاده نمودیم.

زوائد «موارد الظمان» بر کتاب «الإحسان»

این زوائد فقط شامل یک حدیث است:

ابویعلی روایت می کند، هارون بن معروف از سفیان از زیاد بن سعد از هلال بن ابی میمون و از ابی میمون روایت نموده است که ابا هریره جوان خوب و خیری را بین پدر و مادرش دیده است وی گفت: یقیناً رسول خدا صلی الله و علیه وسلم خوبرترین و خیرترین جوان از صلب مادر و پدر و اجدادش بوده است. ۳۲۲

زوائد «إتحاف المهره» بر کتاب «الإحسان»

این زوائد شامل چهار حدیث اند و هی الأحادیث: (۴۰۳۰)، (۵۴۵۰)، (۵۹۷۰) و (۷۵۳۵)، که آن ها را با زوائد "کتاب" التقاسیم و الأنواع " متابعت و مقایسه نمودیم.

مرکز البحوث و تقنية المعلومات

چاپ فعلی چرا صورت گرفت !؟

۳۲۱- ينظر مثال لذلك الأحاديث: (۱۰۳۲)، (۲۸۹۳)، (۴۳۱۲).

۳۲۲- «الموارد» (۱۲۰۰)، «إتحاف» (۲۰۷۷۱)، والحدیث عندنا برقم: (۵۱۲۶)؛ حیث اتبعنا فیہ ما اتبعناه مع زوائد «التقاسیم و الأنواع».

باوجود تلاش‌های قبلی در چاپ صحیح ابن حبان قبل از طبع مرکز دارتاصیل در اخراج اصل مهم از اصول سنت نبوی در کتابخانه اسلامی که بیشتر ترکیز آن‌ها بر بخش‌های معین صرف گردیده و به موارد دیگر اهتمام صورت نگرفته بود، فلهمذا چاپ‌های قبل از چاپ فعلی اکثراً غیر متوازن تلقی می‌گردیدند. مثلاً: برخی از چاپ‌ها پیشتر به تخریج احادیث اهتمام ورزیده، ولی نسبت به متن غفلت صورت گرفته بود و کامل به نظر نمی‌رسید، متن آن چاپ‌ها با تصحیفات و تحریفات همراه بوده و متناسب با تلاشی که انجام پذیرفته بود، نبود.

بدون شک آن عدم توازن و مراعات جوانب مختلف نیاز به تنبیه داشت و آن موارد را ما در چاپ فعلی مراعات و به آن‌ها اهتمام ورزیده ایم پژوهشگران مرکز دارتاصیل بیشترین تلاش را در ضبط متن کتاب انجام دادند تا این متن بشکل متوازن چاپ و درخور شأن «صحیح ابن حبان» باشد تا از این طریق بتوانیم هم برای سنت خدمت کرده و زمینه کسب رضای الله تعالی را بدست آوریم.

مرکز دارتاصیل در این راستا گام‌هایی برداشته و می‌بردard تلاش نموده است نشر کتب احادیث در بهترین هیئت و ضبط وفق مراد منصفان صورت پذیرد و تلاش شود در هرطبع نوآوری‌هایی در جهت بهتر شدن چاپ‌های جدید و استفاده از اصول صحافت و تکنالوژی مدرن انجام پذیرد چاپ مرکز دارتاصیل ویژگی منحصر به فرد آن اینست که در این چاپ رجال اسانید تعیین و مشخص شدند و این امر از شیخ مصنف تا آخرین راوی حدیث مراعات گریده است.

در این طبع همه تصحیفات و تحریفات و سقط‌هایی که در طباعات قبلی محققان متوجه آن نبوده اند، حذف و دور گردیده اند و نتیجه آن در حواشی طبع مرکز دارتاصیل انعکاس یافته است.

شیوه کاری مرکز البحوث و تقیة المعلومات دارالتأسیل

در اهتمام به صحیح ابن حبان و تصحیح آن

هدف از اهتمام ورزیدن به این اصلی از اصول سنت نبوی: از اخراج و چاپ کتاب «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» برای مولف آن ابن بلبان از روی

تحقیق وضبط علمی این کتاب بوده است تا آن را از طریق باب بندی نزدیک به همان وضعیتی نماییم که مراد منصف آن بوده است و این از طریق پاکسازی نص در حد امکان از اخطاء و تعلیق بر عباراتی مبهم به حسب ضروت تّوأم با عدم تطویل تعلیقات به اساس نیاز صورت گرفت.

اولین گام برای محقق شدن چنین هدفی پیدا کردن نسخه‌های خطی کتاب احسان بوده و گام ثانی تتبع فهرست‌های مخطوطات و مخاطب قرار دهی مؤسسات علمی و علماء برای آگاهی از سایر نسخه‌های خطی جهت مقایسه آن‌ها با همدیگر بوده است.

بعد از تحقیق و بررسی بر ما آشکار شده است که مهمترین نسخه «کتاب الإحسان» نسخه خطی است که بطور کامل در دارالکتب مصری تحت شماره (۳۵) حدیث موجود می باشد این نسخه از دو نسخه خطی مختلف که یکی آن دیگرش را تکمیل می نماید تشکیل گردیده است:

اول: شامل جز اول الی ششم می گردد سپس جز هشتم که باکتاب تاریخ آغاز می گردد و بعد از جز هشتم جز نهم را در اختیار داریم.

جز هفتم مفقود است این جز با کتاب سیر آغاز و با کتاب الکهانه و السحر پایان می یابد. و جز هشتم چنانکه تذکر دادیم کتاب تاریخ اول جز هشتم بعد از پایان جز هفتم آغاز می شود.

ثانی: نسخه خطی دیگری این کتاب است که از پنج جز تشکیل گردیده و تکمیل کننده این مفقودی می باشد و بغیر جز چهارم سایر اجزای آن مفقود اند، جز چهارم مفقودی جز هفتم را تکمیل می نماید.

در آخر جز چهارم این نسخه آمده است: " آخر الجز الرابع من (الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان) این عبارت قبل از اول جز پنجم که کتاب تاریخ است آمده، است.

در قسمت مقابل آن در حاشیه عبارت آتی نوشته شده است (قبول بأصله فصیح إن شاء الله) در زیر آن در طول صفحه عبارت آتی نوشته شده است: «الرابع من أجزاء خمسة».

کاپی نسخه خطی کامل کتاب صحیح ابن حبان را به الحمد لله در اختیار داریم و الحمد لله این چاپ وفق شیوه علمی صورت گرفته و بیشتر ترکیز را در حصه ضبط و تحقیق کتاب وفق نسخه خطی مشار الیه انجام داده است در این چاپ همچنان از سایر منابع دیگر به نحوی آتی استعانت جسته ایم:

- ۱- نسخه خطی کامل را که به آن اشاره نمودیم به عنوان منبع اصلی در این چاپ استفاده نموده ایم.
- ۲- این طبع را همچنان با نص چاپ الاحسان با تحقیق شیخ احمد محمد شاکر که مشتمل بر یک جز و مقدمه با (۱۳۸) حدیث می باشد مقایسه نموده و آن را با رمز (ک) علامت گذاری کردیم.
- ۳- همچنان متن این چاپ را بشکل کامل آن با کتاب اصل صحیح ابن حبان یعنی (المسند الصحیح علی التقاسیم والأنواع) چاپ وزارت ارشاد و اوقاف اسلامی دولت قطر مقایسه نمودیم و رمز آن را با (ت) علامت گذاری نمودیم.
- ۴- این طبع را همچنان با متن کتاب «موارد الضمان إلی زوائد ابن حبان» از حافظ الهیثمی چاپ دارالثقافه با تحقیق حسین اسد و طبع دارالکتب علمیه و تحقیق شیخ محمد عبدالرزاق حمزه مقایسه نمودیم و آن را با رمز (د) علامت گذاری کردیم.
- ۵- همچنان اسانید کتاب را با «إتحاف المهره» از حافظ ابن حجر مقایسه نمودیم و از آن در ضبط عمومی متن و ضبط راویان به شکل ویژه استفاده نموده ایم.
- ۶- شیوه متن گزینش شده را در رویکرد مان با تفاوت های نگرش شده و نظارت شده در منابع اصل قرار دادیم، چنانکه آنچه در متن صواب و صحیح می بینیم با بررسی اغلب منابع آن را تثبیت و دلالت های که صحت آنها کمتر است را درحاشیه به آن اشاره می نمایم مگر اینکه آن تفاوت ها وجه صحت داشته باشند که در آن صورت اصل را مقدم می شماریم.

- ۷- اگر همه بر خطای معین اتفاق نمایند یا در بعضی از نسخه‌ها خطا دیده شود و در بخش دیگر آن خطا توسط محققان تصحیح شده باشد ما آن تصحیح را کماهو تثبیت و ضبط می‌نماییم چون ممکن است روایت همان گونه بوده باشد و یا ممکن آن خطا از خود مصنف رحمته الله و یا یکی از روایان مورد اعتبار مصنف بوده باشد باوجود آن، آن خطا را همان گونه تثبیت می‌نماییم اما بر خطا بودنش در حاشیه اشاره نموده و صورت صحیح آن را با اشاره به منابع دیگر توضیح می‌دهیم و قاعده عمومی اینست که صحیح را در متن تثبیت و خطا را در حاشیه انعکاس می‌دهیم.
- ۸- نص کتاب را با اعراب و حرکات ضبط نمودیم.
- ۹- همچنان متن را شماره گذاری نمودیم تا در فهم و توضیح معانی نص کمک نماید.
- ۱۰- اسانید کتاب را همچنان در روشنایی کتاب (اتحاف المهره) از حافظ ابن حجر به عنوان منبع اصیل صحیح ابن حبان ارزیابی نمودیم به اضافه ارزیابی منابعی که احادیثی را از طریق کتاب ابن حبان روایت نمودند زیرا رجوع به آن منابع بشکل مرجع در صورت وجود خطا و یا خللی در نسخه خطی در مطبوعات مختلف می‌تواند برای تصحیح آن خطا و یا خلل کمک نماید.
- ۱۱- به تصحیح بسیاری از تصحیفات و تحریفات و اخطا آن‌ها پرداختیم. انظر طرفا من ذلک عند الحديث عن أخطاء الطبقات السابقة فی (ص ۱۳۵) من هذه المقدمة.
- ۱۲- هکذا تتبع به آرای امام ابن حبان در مسایل اعتقادی پرداختیم و آن قسمت‌های که نیاز به تعلیق داشتند در مورد آن‌ها در حاشیه تعلیق نمودیم.
- ۱۳- همچنان نسبت به احادیثی که حافظ ابن حجر آن‌ها را در کتاب (اتحاف المهره) ثبت نموده و (صحیح ابن حبان) آن‌ها را انعکاس داده است پژوهشگران را متوجه آن احادیث ساختیم و اشاره نمودیم که آن احادیث که حافظ ابن حجر آن‌ها را ثبت نموده است با رجوع به «صحیح ابن خزیمه» و «مسند ابی عوانه» و سایر مسانید منابع آن‌ها را می‌توان دریافت.

- ۱۴- تلاش نمودیم احادیث موضوعی و مبهم را استخراج و پژوهشگران را نسبت به آن احادیث متوجه سازیم تا تعدادی گمان بر صحت آن احادیث ننمایند مثل حدیث غدیر خم و تعداد احادیث دیگر.
- ۱۵- از استخراج احادیث در حاشیه تذکر به عمل رفت:

 - کتاب «المسند صحیح علی التقاسیم والانواع» که اصل کتاب مورد نظر است.
 - کتاب «مورد الضمان الی زوائد ابن حبان» از هیثمی.
 - کتاب «إتحاف المهره» از ابن حجر.
 - و کتاب «تحفه الاشراف» از مزی.

- ۱۶- احادیثی را که بر چاپ «التقاسیم والانواع» طبع مرکز دار تاصیل زیاد نموده اند شماریدیم و منابع آن ها را در «إتحاف المهره» و «موارد الضمان» نشانه نمودیم همچنان احادیثی که از کتاب «موارد الضمان» و کتاب «إتحاف المهره» زیادی بودند منابع آن ها را در متن بخش کتاب فقهی تتبع نمودیم.
- ۱۷- مقدمه علمی را تنظیم نمودیم و از طریق آن امام ابن حبان و کتابش صحیح ابن حبان و روایان آن را همراه با صاحب ترتیب صحیح ابن حبان، ابن بلبان و چاپ های مورد اعتماد را به معرفی گرفتیم، همچنان بویژگی های چاپ های سابق ابن حبان اشاره نمودیم و توضیح دادیم که چه نیاز های باعث گردید تا چاپ فعلی را طبع و نشر نماییم.
- ۱۸- راویان اسانید از شیخ مولف تا راوی اعلی با ذکر ورد هر راوی از طریق ترتیب فهرست راویان در آخر کتاب تعیین نمودیم.
- ۱۹- به استخراج متن کتاب از طریق تتبع در نصوص آن و ربط احادیث یک بخش به بخش دیگر برای ابراز درجه هماهنگی و تطابق پرداختیم و موارد نیاز به توجه را در حاشیه کتاب با ذکر رقم حدیث و یا باب کتاب اشاره نمودیم.

۲۰- فهرست های علمی متنوع با استفاده از تجارب علماء کرام و از طریق مدرن ترین تکنالوژی های کمپیوتری تنظیم نمودیم و تلاش کردیم پژوهشگران با رجوع به فهرست علمی که در آخر کتاب وضع گردیده اند در ارزیابی های شان استفاده نمایند و از این طریق از مزایا و سهولت های ارایه شده مستفید گردند:

*- فهرست آیات قرآن و قراءات قرآنی ترتیب و تنظیم گردید.

*- فهرست احادیث مرفوع و موقوف با ذکر مسند تنظیم شده است.

*- فهرست فواید الفراید چه فهرست حدیثی و چه فهرست عقیدوی اصولی، فقهی، لنوی، سیر تاریخ، جغرافیای کشور ها و سایر فایده ها دیگر به اضافه اقوال مصنف که در عقب احادیث در مدار کتاب آمده است تنظیم و ترتیب گردد.

*- فهرست راویان همراه به تفصیل موضوع هایی که راویان در کتاب پرداخته اند تنظیم و بیانات راویان را وفق طریقه یی که امام المزی در کتاب تحفه الاشراف پیروی نموده است، تقدیم نموده و آن طریقه بشرح ذیل است:

- اگر راوی از روایتی باشد که مرویاتی زیادی داشته باشد روایات آن با مرتبه اعلی ترین شاگرد آن بیان می گردد و اگر شاگردان نیز از راویانی باشد که از وی نیز روایتی زیادی صورت گرفته است طبقه یی که آن شاگرد در آن قرار دارد توضیح داده میشود. روایت های شیوخ مصنف با گذشتن حرف (ش) قبل از ترجمه تمیز می گردد.

- فهرست کامل از شماره های احادیثی کتاب «التقاسیم و الأنواع» طبق ترتیب و نوعی که امام ابن حبان ضبط نموده است تنظیم نمودیم همچنان فهرست موضوعات کتاب را ترتیب دادیم.

- فعالیت های را که مرکز دارالتاصیل انجام داده است مستند ساختیم و کتاب را با آن موارد در دیویدی پائین نمودیم که شامل مقدمه و نمونه یی از فعالیت های مرکز و نسخه یی خطی اصلی مورد اعتماد همراه با فهرست موضوعات می شود.

شیوه شرح احادیث غریب

احادیث غریب حصر و وفق شیوه آتی در حاشیه صحیح ابن حبان شرح داده

شد

- احادیث غریب، به رنگ سیاه گلفت و ضد رقیق مشخص و در حاشیه بشکل منفرد و یا متضمن تمیز و ضبط گردیدند.
- بیان احادیث غریب تعریف و عباراتی که نیاز به توضیح و شرح داشتند با اتکا به منابع و کتب معتمد اهل تخصص در علوم حدیث مثل کتاب: «النهاية في غريب الحديث» از ابن اثیر و «الذیل علی النهایه» از عبد السلام علوش و «غریب الحديث» از خطابی و «الفایق فی غریب الحديث» از زمخشری و «غریب الحديث» از حربی..... تعریف و توضیح داده شده است.
- در صورت عدم دریافت معانی احادیث غریب در کتب مشارالیه معانی آن از معاجم اللغو اخذ گردیده است.
- در صورت عدم دریافت واحد های اندازه گیری و واحد های وزن آنها بشکل مصطلحاتی برگردانیده شد که برای خواننده قابل فهم باشد.
- در هنگام ذکر اماکن و شهرها، شهرت خواننده به بررسی گرفته شد تواف با ذکر اماکن و موجودیت آنها در عصر حاضر.
- نسبت دادن معانی احادیث غریب به مصادر اصلی معتمد آنها در کتب: «النهاية» و «ذیله» و معاجم با ذکر جز و صفحه کتب، شروح دارای اجزا و ذکر صفحه در کتاب دارای جز واحد مانند: «المکابیل والموازین»

وفات امام ابن حبان رحمه الله

امام ابن حبان در زادگاهش در شهر بست سجستان در شب جمعه هشتم شوال سال ۳۵۴ هجری قمری در سن نزدیک به هشتاد سالگی وفات نمود و در همان روز بعد از نماز جمعه در شهر بست در ولایت سجستان (رحمه الله رحمه واسعه) دفن گردید. ۳۲۳

الآدریسی در مورد وفات علامه امام ابن حبان رحمه الله چنین می نگارد: ایشان سمرقند را به نیت (بست) ترک گفته و سرانجام در این شهر آبایی اش (بست) به رفیق اعلی پیوست، روحش شاد و یادش گرامی باد. اهـ

هكذا عبدالحی بن العماد الحنبلی در کتاب خود (شذرات الذهب فی أخبار من ذهب)، امام ابن حبان را با جملات زیر مورد توصیف و تمجید قرار داده و چنین می نویسد: سپس به بست عودت نموده و در برج شوال دهه هشتاد در آن دیار وفات نمودند. رحمه الله.

همچنان الذهبی در کتاب «السير» و ابن کثیر در کتاب «البدایة» و ابن الاثیر در کتاب «الکامل» می نویسند: «حضرت امام ابن حبان رحمه الله در شهر بست سجستان در سال (۳۵۴) هجری قمری وفات نموده است».

مدفن امام ابن حبان رحمه الله

ابن حبان رحمه الله در بست در صفا ای که نزدیک خانه خود بنا کرده بود، به خاک سپرده شد. این صفا مدرسه پیروان و شاگردان او شد و برای آنان مستمری مقرر گردید. ۳۲۴

و من الله التوفیق

تابستان ۱۳۹۶

منابع

- ١- **الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان**، للعلامة الأمير علاء الدين بن بلبان الفارسی المتوفى سنة ٧٣٩ هجرية، تحقيق ودراسة مركز البحوث وتقنية المعلومات - دارالتأصيل، الطبعة الأولى ١٤٣٥ هـ - ٢٠١٤ م، مدينة نصر - القاهرة - جمهورية مصر العربية.
- ٢- **سير أعلام النبلاء للإمام أبي عبد الله شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي**، متوفى ٧٤٨ هـ طبعة مضبوطة، مصححة، مخرجة التراجم، مرتبة على حروف الهجاء (على طريقة الأعلام للزركلي) ذكر عند كل ترجمة: رمزها، وفاتها، ورقم الترجمة، و رقم الجزء و الصفحة من الطبعتين السابقتين، و زيد عليه: الجزء المفقود، و جزء السيرة النبوية، و المغازي، و الخلفاء الراشدين، و استخرجت الوفيات من التراجم و جعلت قبل التراجم على ترتيب السنوات، و فهرس له: آيات و أحاديث و فوائد الذهبية في أثناء الكتاب. رتبه و زاده فوائد و اعنتى به حسان عبد المنان. بيت الأفكار الدولية.
- ٣- **الحديث والمحدثون أو عناية الأمة الإسلامية بالسنة النبوية**، محمد محمد أبوزهو - المكتبة التوفيقية - أمام الباب الأخضر (سيدنا الحسين)
- ٤- **أريانا دايرة المعارف " دوره دوم "** اكادمي علوم افغانستان - چاپ مطبعة نبراسكا - كابل افغانستان، سال چاپ ١٣٨٦ هـ ش.
- ٥- **لغت نامه دهخدا**، تأليف على اكبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - شماره مسلسل ٤٠، سال طبع ١٣٣٧، چاپ سیروس.
- ٦- **موطا الإمام مالك** رواية يحيى بن يحيى الليثي و يليه كتاب اسعاف المبطأ برجال الموطأ للإمام السيوطي رحمه الله، منشورات محمد علي بيضون لنشر كتب السنة و الجماعة - دار الكتب العالمية - بيروت - لبنان ١٤٢٣ - ٢٠٠٢.
- ٧- **الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان للإمام أبي حاتم محمد بن حبان الخراساني** المتوفى ٣٥٤ هـ ترتيب الإمام الأمير علاء الدين علي بن بلبان الفارسی

المتوفى سنة ۷۳۹هـ حقق أصوله وخرج أحاديثه الشيخ خليل بن مأمون شيحا-
الطبعة الأولى ۱۴۲۵هـ ۴۰۰۴م - دارالمعرفة بيروت -لبنان.

۸- كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون للعلامة المولى مصطفى بن عبدالله
القسطنطنى الرومى الحنفى الشهير بالملاکاتب الجلبى و المعروف بحاجى
خليفة، متوفى سنة ۱۰۶۷ هـ طبعه جديده منقحه، مكتبة فارقيه خيرماركيت،
كوئته.

۹- ترجمه الموطا امام مالك بن انس به روايت يحيى بن يحيى ليشى به تصحيح:
دکتر شيخ خليل مأمون شيحا، مترجم طاهر لاوژه، چاپ اول ۱۳۸۹ مؤسسه
انتشاراتى حسينى.

۱۰- الكتاب المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم، المؤلف: ابو نعيم أحمد بن
عبدالله بن أحمد بن اسحاق بن موسى بن مهران الهمداني الاصبهاني، دار النشر:
دارالكتب العلميه بيروت-لبنان ۱۴۱۷هـ ۱۹۹۶م الطبعة الأولى عدد الأجزاء ۴،
ترقيم الشاملة موافق للمطبوع، تحقيق محمد حسن محمد حسن اسماعيل
الشافعى.

۱۱- تيسير مصطلح الحديث، تأليف الدكتور محمود الطحان استاذ الحديث المشارك
بجامعة الإمام محمد بن سعود الاسلاميه، كلية اصول الدين. عينت بتصويره و
طبعه نشر السنة، ملتان.